تذکرة القبور

(فارسی)

الشیخ عبدالکریم گزی


بسم الله الرحمن الرحیم

تذکره القبور: بضمیمه اشعار و مثنویات

کاتب:

عبدالکریم‌بن مهدی گزی

نشرت فی الطباعهٔ:

کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی

رقمی الناشر:

مرکز القائمیهٔ باصفهان للتحریات الکمبیوتریهٔ

الفهرس

تذکره القبور: بضمیمه اشعار و مثنویات

اشارة

سرشناسه : گزی برخواری، عبدالکریم‌بن مهدی، ق۱۳۳۹ - ۱۲۶۰

عنوان قراردادی : [تذکره القبور]

عنوان و نام پدیدآور : تذکره القبور: بضمیمه اشعار و مثنویات/ تصنیف عبدالکریم گزی اصفهانی; بکوشش ناصر باقری بیدهندی

مشخصات نشر : قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۷۱.

مشخصات ظاهری : ص ۱۶۰

شابک : بها:۱۴۰۰ریال

وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی

یادداشت : کتابنامه به‌صورت زیرنویس

موضوع : اصفهان -- آرامگاهها

موضوع : شعر فارسی -- قرن ق۱۳

شناسه افزوده : باقری بیدهندی، ناصر، گردآورنده

شناسه افزوده : کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی

رده بندی کنگره : DSR۲۰۰۱/ص۷۴گ۴ ۱۳۷۱

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۹۳

شماره کتابشناسی ملی : م۷۳-۴۵

مدخل

مدخل بسم الله الرحمن الرحیم خواننده‌ء گرامی! کتابی که هم اینک در دست مطالعه دارید یکی از آثار عالم جلیل القدر شادروان آیت الله حاج شیخ عبد الکریم گزی اصفهانی (۱) است.

این فقیه عالیقدر، از دانشمندان نامور و محققان قدر اول آسمان ادب و تحقیق ایران و از مدرسان بنام و مراجع بزرگوار در حوزه‌ء علمیه‌ء اصفهان بوده که اخلاق نیکو و معاشرت صحیح أو موجب شهرت و محبوبیت بیشتر این عالم بزرگ در جامعه شده بود.

شادروان استاد جلال الدین همائی که از شاگردان آن مرحوم بوده

۱ - شرح زندگانی این عالم بزرگ، در منابع و کتابهای بسیاری آمده است، از جمله رک:

نقباء البشر / ۱۱۸۳، مصفی المقال / ۲۳۳، الذریعة ج ۴ / ۴۴.

المستدرک علی معجم المؤلفین / ۴۰۷، زندگانی حضرت آیت الله چهار سوقی ۱۷۸.

معجم مؤلفی الشیعه / ۳۳، همائی نامه ۱۹ - ۲۰.

مؤلفین کتب چاپی ج ۲ / ۹۲۹، دایره المعارف تشیع ج ۱ / ۱۴ و ۱۵.

تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان / ۴۱۸.

تراجم نگاران (خطی است)، رجال اصفهان با حواشی و ملحقات استاد سید مصلح الدین مهدوی.

تذکرة القبور / ۱۱۵ (در مورد والد آن مرحوم) وملا محمد تقی گزی جد امی أو نیز ص آخر اصل کتاب. و بیان المفاخر ج ۱ /

۲۷۷ دانشمندان و بزرگان اصفهان. ۲۱۰ / ۱۵۹.

(۵)

صفحه مفاتيح البحث: دولة ايران (۱)، مدينة إصفهان (۴)، جلال الدين (۱)، عبد الكريم (۱)، كتاب معجم المؤلفين لعمر كحالة (۱)، القبر (۲)

است درباره‌ء آخوند گزى مينويسد:

"ديگر از استادان بزرگوار من مرحوم آخوند ملا عبد الكريم گزى است. وى به راستى شيخ بهائى عصر خود بود و مرجعيت تامه‌ء قضا و فتوا داشت، و در عين اينكه سى چهل سال تمام امور قضائى اصفهان و توابعش در دست أو بود، شبى كه در گذشت خانواده‌ء أو نفت چراغ و نان نداشتند. و مرحوم فشاركى از محل وجوهات حواله داد تا براى خانواده‌ء أو شام شب و لوازم معيشت تهيه كردند. و من خود يكى از حاضران آن واقعه و مباشر آن خدمت بوده ام. اول آفتاب و پيش از ظهرها و اوايل شب، پس از نماز مغرب و عشاء حوزه‌ء درس فقه و اصول داشت ... وى همه نوع حق ولى نعمتى بر گردن من دارد...

خدايش بيامرزد كه چه بزرگ مردى بود ... آن مرحوم طبع شعر داشت و گاهى عصرهاى جمعه انجمن شعراى شيدا را نيز زينت مى‌داد. (" ۱) آن مرحوم حدود ده كتاب و رساله نوشته است، اما از بين آنها كتاب " تذكرة القبور " از شهرت بيشتر برخوردار است.

اين كتاب ارزشمند و كم حجم حاوى شرح حال يكصد نفر از عالمان بزرگ و عارفان بلند مرتبه و شاعران معروف و مدفون در اصفهان و توابع آن مى‌باشد. و چون به فارسى تأليف شده فوق العاده مورد استقبال عامه‌ء مردم واقع گرديده است.

ايشان در حدود سال ۱۲۶۰ متولد و در سال ۱۳۳۹ ه ق (مطابق ۱۳۰۰ شمسى) وفات يافته، و در تخت فولاد اصفهان، در تكيه كازرونى مدفون گرديد.

۱ " – همائى نامه، " ۱۹، ۲۶.

(۶)

صفحه مفاتيح البحث: مدينة إصفهان (۳)، الشيخ البهائى (۱)، عبد الكريم (۱)، القبر (۱)، الدفن (۱)

كارهايى كه درباره‌ء كتاب انجام شده نخست در سال ۱۳۲۴ در زمان حيات مؤلف به چاپ رسيده و فوق العاده مورد توجه واقع گرديده و جمع كثيرى بر آن حاشيه زده اند از جمله:

مرحوم آيت الله العظمى سيد شهاب الدين مرعشى نجفى (قدس سره)، مرحوم استاد محمد على معلم حبيب آبادى، مرحوم استاد جلال الدين همائى، استاد حاج ملا حسين على صديقين اصفهانى، سيد عبد الحجة بلاغى، عالم جليل سيد محمد رضا خراسانى، واعظ شهير آقا شيخ محمد رضا حسام الواعظين اصفهانى، استاد عاليقدر سيد مصلح الدين مهدوى در سال ۱۳۶۹ ق براى مرتبه دوم آن را با ملحقات و اضافاتى كه چندين برابر اصل كتاب بود و هفت صد تن از بزرگان اصفهان را در آن معرفى كرد و به نام" رجال اصفهان " در تهران به طبع رساند و براى بار سوم آن را كامل تر و مفصل‌تر نموده و متجاوز از هزار نفر را معرفى كرده و به نام " تذكرة القبور (۱) يا دانشمندان و بزرگان اصفهان " در اصفهان كتابفروشى ثقفى به چاپ رسانده.

استاد سيد محمود موسوى ده سرخى اصفهانى نيز در شوال ۱۴۰۵ ق

۱ – نا گفته نماند كه استاد مهدوى در مقدمه كتاب اخير و نيز زندگينامه‌ء علامه مجلسى جلد اول از صفحه ۲۲ تا ۳۰ به قبرستانهاى اصفهان و محل دقيق آنها اشاره كرده است، و نيز بنگريد: سيرى در تاريخ تخت فولاد اصفهان از آقاى مهدوى چاپ اصفهان انجمن كتابخانه‌هاى عمومى اصفهان.

(۷)

صفحه مفاتيح البحث: مدينة إصفهان (٨)، شهر شوال المكرم (١)، جلال الدين (١)، القبر (١)، النوم (٢)

نسخهء چاپ اول كتاب را با افزودن مدرك احاديث و فهرستى به ترتيب حروف الفبا به چاپ رساند.

با اين همه در عصر ما نيز اين كتاب كم حجم و بسيار مفيد، كمياب و شايد هم ناياب شده و احتياج به تجديد طبع داشت، لذا نگارنده به چاپ مجدد آن به شكلى كه ملاحظهٔ مى‌فرماييد - و با چاپ اول بسيار متفاوت است - مبادرت ورزيد تا شايد ضمن إحياء نام وآثار عالمان دين، به فرهنگ اسلام و كشور اسلاميمان خدمتى كرده باشد.

در پايان تذكر سه نكته ضرورى مى‌نمايد:

١ - اساس چاپ اين كتاب، چاپ ١۴٠۵ ق است كه مشخصات آن ذكر شد.

٢ - رسم الخط كتاب به همان صورت كه در اصل بود حفظ شد مگر در مواردى كه مشكلاتى براى خوانندهء كتاب ايجاد مى‌كرد مثلا- بسيارى جاها " تخت فولاد " به صورت " تخته فولاد " نوشته شده و " خاتون آباد " كه به صورت " خواتون آباد " نوشته شده و " أى " در مثل " رساله‌اى " و " فرقه أى " كه به صورت " رسالهء " و " فرقهء " نوشته شده است. در موارد فوق رسم الخط امروزى و صحيح آنها لحاظ شد. و...

٣ - در احياء اين اثر دايى زاده گراميم، فاضل ارجمند جناب آقاى محسن صادقى (حفظه الله ورعاه) مرا يارى داده است كه از ايشان صميمانه تشكر نموده ومزيد توفيقاتش را از بارى تعالى خواستارم.

از خداى مهربان توفيق خدمتگزارى در راه فرهنگ واقعى را براى همگان خواهانم. و من الله التوفيق.

قم: ناصر باقرى بيد هندى

(٨)

صفحه مفاتيح البحث: النوم (١)

مقدمهٔ چاپ اول

مقدمهء چاپ اول چون كتاب مستطاب " تذكرة القبور " كه از تصنيفات كثير البركات سركار شريعتمدار، قبلة الانام، مرجع الاحكام حاوى الفروع والاصول، جامع المعقول والمنقول، استاد الفضلاء والمحصلين، ناصر الملة والدين قدوة العلماء والمجتهدين آقاى آخوند ملا عبد الكريم مجتهد جزى اصفهانى - دامت افاضاته وبركاته على الاقاصى والادانى - است از نسخ مرغوبهء مطلوبهء عامه مؤمنين از عالمان و عاميان، خاصه اهالى اصفهان، و با آنكه جمعى استنساخ نموده، نوع عباد از فيض انتفاع به آن قرين حرمان و آرزوى طبع واكثار نفع آن را مى‌نمود.

لهذا حسب الفرمايش شخص محترم جليلى بزرگ منش به زيور طبع، آرايش گرفت تا عباد و عباد و فضلاء واوتاد گذشته از انتفاعات علميه كه از مطالعهء آن حاصل نمايند، در وقت زيارت قبور علماء و صلحاء و اهل ايمان سيما تخت فولاد كه بعد از مشاهد مشرفه افضل مقابر مسلمانان است، نسخه أى در دست داشته باشند تا در تعيين صاحبان قبور حيران نمانند و با معرفت آداب، درك فيوضات زيارت را بفرمايند.

و به جهت تكميل انتفاع، قدرى اشعار كه آن عالم بزرگوار " دام ظله " به

(٩)

صفحه مفاتيح البحث: زيارة القبور (١)، مدينة إصفهان (١)، عبد الكريم (١)، القبر (٣)

طريق مثنوى در معارف و اخلاق نافعه گاهى مناسب حال، منظوم فرموده و فوائد كثيره در تهذيب نفوس و احياء قلوب و رفع شبهات و جمع جهات داشت، به آن ملحق گرديده تا نفع آن اعم و اتم باشد. مرجو از مطالعه كنندگان فتوت و مرحمت بنيان آنكه

ساعیان این کتاب شرافت نصاب را از دعای عافیت وحسن عاقبت فراموش نفرمایند.
توضیح آنکه: بعضی حواشی و آنچه آخر تذکره ملحق شده بعد از نوشتن و قبل از به طبع رسیدن واقع شده که در غیر موقع خود واقع شده به سنهء ۱۳۲۴ (ق).

صفحه(۱۰)

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله والصلوة علی محمد صلی الله علیه وآله رسول الله وعلی آله آل الله واللعنة علی أعدائهم أعداء الله وأشهد أن لا إله إلا الله و أن محمدا رسول الله.

و بعد چنین گوید بندهء محتاج به عفو رب رحیم ابن الحاج ملا مهدی، عبد الکریم جزی بر خواری اصفهانی که چون از جملهء مستحبات مؤکدهء شریعت، بلکه از ختومات مجربهء اهل طریقت، زیارت اهل قبور سیما علما و صالحین است چنانچه در حدیث است ": کسی که قادر نباشد بر زیارت ما، زیارت کند صالحین شیعهء ما را (" ۱). و در خصوص اصفهان مقابر کاملین بسیار و معرفت آداب زیارت و مواضع قبور، فوائد بیشمار داشت، این رسالهء مختصره را به عبارت عامیانه تألیف نموده که در ضمن، احیاء نام بسیاری از علماء نیز شده باشد، و چون در معرفت کتابهای علماء برای خواص و عوام فوائد بسیار بود ذکر کتب هم شد. و مشتمل است بر مقدمه أی در آداب و اوقات زیارت و ابواب چند در تشخیص مقابر و قبور به قدر مناسب و میسور، و بیان قدری از حالات و فضائل صاحب قبر یا مطابق مشهور یا به نقل صحیح مأثور یا به نحوی که در کتاب معتبر

۱ " - من لا یحضره الفقیه، " ج ۲، ص ۴۳، ذیل ح ۳ "، کامل الزیارات، " فصل ۱۰۵، ح ۲ / ۳۱۹ "، بحار، " ج ۹۹ / ۲۹۵، کتاب " المزار " شیخ مفید / ۱۸۵ و " مزار " شهید اول / ۲۲۱.

(۱۱)

صفحه مفاتیح البحث: الرسول الأکرم محمد بن عبد الله صلی الله علیه وآله (۱)، مدینة إصفهان (۱)، عبد الکریم (۱)، الإستحباب (۱)، القبر (۶)، الحج (۱)، النوم (۱)، کتاب فقیه من لا یحضره الفقیه (۱)، کتاب کامل الزیارات لجعفر بن محمد بن قولویه (۱)، کتاب المزار للشهید الأول (۱)، الشهادة (۱)

مسطور باشد.

و امید است که مؤمنین از آن بهره‌های کامل یابند و این عاصی را نیز در حیات و ممات از دعا فراموش ننمایند، و نامیده شد به تذکرة القبور.

(۱۲)

صفحه مفاتیح البحث: القبر (۱)

در آداب اهل قبور و اوقات آن

در آداب زیارت اهل قبور و اوقات آن مقدمه در بیان اوقات و آداب زیارت بدانکه زیارت اهل قبور همه وقت مناسب است و از اخبار بسیار، استحباب آن مستفاد می‌شود، در حدیث است: قال أمیر المؤمنین (ع "): زوروا موتاکم فإنهم یفرحون بزیارتکم" ... (۱) تا آخر حدیث.

یعنی: زیارت کنید اموات خود را که آنها خشنود می‌شوند به زیارت شما. و باید حاجت بخواهید نزد قبر پدر و مادر، بعد از دعاء به آنها.

و در حدیث (۲) است که محمد بن مسلم از امام جعفر صادق (ع) سؤال از زیارت آنها نمود که: می‌فهمند؟

فرمود ": نعم " یعنی: بلی.

گفت: علم پیدا می‌کنند به ما وقتی که می‌رویم؟

امام فرمود ": إی والله " عالم می‌شوند به شما، و خشنود می‌شوند به شما، و انس می گیرند به سوی شما. و غیر اینها از اخبار.

۱ " – الکافی، " ج ۳، ص ۲۲، ح ۱۰.

۲ " – من لا یحضره الفقیه، " ج ۱، ص ۱۱۵، ح ۳۹ "، مدینة العلم " صدوق (ره).

(۱۳)

صفحه مفاتیح البحث: الإمام أمیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیهما السلام (۱)، الإمام جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام (۱)، محمد بن مسلم (۱)، القبر (۳)، کتاب فقیه من لا یحضره الفقیه (۱)

بلی، در شبها زیارت آنها احتمال کراهت دارد به ملاحظهء حدیثی (۱) که نقل می‌شود بر آنکه ارواح آنها شبها به وادی السلام جمع می‌شوند و آمدنشان یا توجهشان بخصوصه به محل قبور به جهت ملاحظهء زیارت مؤمنین، ایشان را خوش نیست، پس بهتر آنکه شبها را به طریق عبور، فاتحه یا غیر آن هدیهء ایشان نمایند.

و اما روزها، پس خصوص بعد از ظهر پنج شنبه تا مغرب بسیار مطلوب است و در حدیث است که پیغمبر (صلی الله علیه وآله) با جماعتی از اصحاب، زیارت اهل قبور را در بقیع مدینه در این وقت مواظبت داشته اند (۲).

و صبح شنبه نیز در حدیث است (۳) که فاطمهء زهرا (سلام الله علیها) مخصوصا سر قبر شهداء در بقیع تشریف می‌بردند و سر قبر حمزه رفته، ترحم و استغفار می کردند.

در روز دوشنبه و جمعه هم خصوصیت فضیلت نقل کرده اند، و در حدیث (۴) است که فاطمه (سلام الله علیها) بعد از پدر، هفته أی دو روز " دوشنبه " و " پنج شنبه " سر قبور شهدا می‌رفتند.

و هکذا در باب جمعه، ولی حدیثی است (۵) دلالت دارد که صبح جمعه پیش از آفتاب مخصوصا به زیارت اهل قبور بروند نه بعد، بلکه روز جمعه خصوصیت دارد زیارت والدین و حاجت خواستن از خداوند.

پس افضل وقتها برای زیارت اهل قبور، عشیهء خمیس که بعد از ظهر تا غروب از روز پنج شنبه باشد، بلکه تمام آن روز، و صبح شنبه، و صبح جمعه پیش از

۱ " – سفینة البحار، " ج ۲، ص ۳۹۶.

۲ " – وسائل الشیعه، " ج ۲، ص ۸۷۹ ح سوم.

۳ – رک " من لا یحضره الفقیه " وبحار ج ۹۹ / ۳۰۰ به نقل از مصباح الزیارات / ۲۶۴.

۴ " – وسائل الشیعة، " ج ۲ / ۸۷۹ ح ۱ و " کافی، " ج ۳ / ۲۲۸ وج ۴ / ص ۵۴۱.

۵ " – امالی طوسی " از امام باقر (ع) نقل کرده ج ۲ / ۳۰۰.

(۱۴)

صفحه مفاتیح البحث: السیدة فاطمة الزهراء سلام الله علیها (۲)، مقبرة بقیع الغرقد (۲)، القبر (۶)، الشهادة (۱)، الإمام محمد بن علی الباقر علیه السلام (۱)، کتاب أمالی الصدوق (۱)، کتاب فقیه من لا یحضره الفقیه (۱)، کتاب وسائل الشیعة للحر العاملی (۲)، السفینة (۱)

در کیفیت زیارت اهل قبور

آفتاب، و روز دوشنبه است.

در کیفیت زیارت اهل قبور و اما آداب زیارت اهل قبور پس چند چیز است:

* اول: آنكه با وضو باشد.

* دويم: آنكه بخواند سلامهائى كه وارد شده است و مناسب خواندن آنها هنگام ورود به قبرستان است، آنها چند قسم است: بعضى عبارت آن نزديك با بعضى ديگر است، و جمع كردن به خواندن همهء آنها البته بهتر است.

يكى: از رسول خدا (صلى الله عليه وآله) با اصحاب كه به بقيع مى‌رفتند سه مرتبه ": السلام عليكم يا اهل الديار " بعد سه مرتبه": رحمكم الله " مى‌فرمود.

ديگر (۱) از آن حضرت است كه وقت عبور به قبرها مى‌فرمود ": السلام عليكم من ديار قوم مؤمنين وإنا إن شاء الله بكم لاحقون " (۲).

ديگر (۳): از امير المؤمنين (عليه السلام) كه گذشتند به قبور، اول ملتفت طرف راست شده فرمود ": السلام عليكم يا اهل القبور من اهل القصور، انتم لنا فرط ونحن لكم تبع، وانا ان شاء الله بكم لاحقون " و بعد ملتفت طرف چپ شده همين را خواندند.

۱ " - كافى، " ج ۳ / ص ۲۲۹، ح ۷.

۲ " - كامل الزيارات، " فصل ۱۰۵، حديث ۱۴ / ۳۲۲ "، بحار " ج ۹۹ / ۲۹۹.

۳ " - مستدرك الوسائل، " ج ۱ / ص ۱۳۰، ح ۵.

(۱۵)

صفحه مفاتيح البحث: الإمام أمير المؤمنين على بن ابى طالب عليهما السلام (۱)، مقبرة بقيع الغرقد (۱)، القبر (۲)، كتاب كامل الزيارات لجعفر بن محمد بن قولويه (۱)، كتاب مستدرك الوسائل (۱)

ديگر: چند سلام است قريب به هم، همه از حضرت امام جعفر صادق (۱) (عليه السلام) نقل شده است در طريق سلام به اهل قبور: "السلام على اهل الديار من المؤمنين والمسلمين، انتم لنا فرط ونحن ان شاء الله بكم لاحقون."

ديگر (۲ "): السلام على اهل الديار من المؤمنين والمسلمين، رحم الله المستقدمين منكم والمستأخرين، وانا ان شاء الله بكم لاحقون ".

ديگر (۳ "): السلام على اهل الديار من المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات انتم لنا فرط وانا بكم ان شاء الله لاحقون."

ديگر (۴ "): السلام على اهل القبور، السلام على من كان فيها من المسلمين والمؤمنين، انتم لنا فرط، ونحن لكم تبع، وانا بكم لاحقون، وانا لله وانا إليه راجعون. يا اهل القبور بعد سكنى القصور، يا اهل القبور بعد النعمة والسرور صرتم إلى القبور. كيف وجدتم طعم الموت "؟ پس بگويد ": ويل لمن صار إلى النار " و اشك بريزد و برگردد.

و اگر چه بعضى از اين سلامها با بعضى كمى تفاوت دارد، اگر همه خوانده شود كه به همهء روايات عمل شده باشد بهتر است. به يكى هم بخواهد اكتفا كند خوب است.

و از حضرت صادق (۵) (عليه السلام) است در داخل شدن " جبانه - " كه قبرستانى بوده " -: السلام على اهل الجنة."

و فضيلت بسيار در سلامى است كه دعاى على (عليه السلام) است كه فرمودند:

۱ " - كافى، " ج ۳ / ۲۲۹، ح ۵ "، كامل الزيارات، " فصل ۱۰۵، ح ۹ / ۳۲۱.

۲ " - كافى، " ج ۳ / ۲۲۹، ح ۸ "، من لا يحضره الفقيه، " ج ۱ / ص ۱۱۴، ح ۳۲ "، كامل الزيارات / " ۳۲۱ "، بحار " ج ۹۹ / ۲۹۷.

۳ " - مستدرك الوسائل، " ج ۱ / ص ۱۳۰، ح ۴.

۴ " - مستدرك الوسائل، " ج ۱ / ۱۳۰ "، كامل الزيارات، " فصل ۱۰۵، ح ۱۷ / ۳۲۳ "، بحار " ج ۹۹ / ۲۹۹.

۵ " - مستدرك الوسائل، " ج ۱ / ۱۳۰، ح ۷ "، بحار " ج ۹۹ / ۲۹۹ "، كامل الزيارات / " ۳۲۳.

(۱۶)

صفحه مفاتیح البحث: الإمام أمیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیهما السلام (۱)، القبر (۵)، الموت (۱)، کتاب فقیه من لا یحضره الفقیه (۱)، کتاب کامل الزیارات لجعفر بن محمد بن قولویه (۴)، کتاب مستدرک الوسائل (۳)

از پیغمبر (صلی الله علیه وآله) شنیدم کسی که این دعا را در قبرستان بخواند، خداوند به أو دهد ثواب پنجاه سال، و از أو بردارد گناهان پنجاه سال، و از پدر و مادرش هم (۱):

"بسم الله الرحمن الرحیم السلام علی اهل لا إله الا الله، من اهل لا إله الا الله، یا اهل لا إله الا الله، به حق لا إله الا الله، کیف وجدتم قول لا ـ إله الا ـ الله من لا ـ إله الا الله، یا لا إله الا الله به حق لا إله الا الله، اغفر لمن قال لا إله الا الله، واحشرنا فی زمرة من قال لا إله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله (" ۲).

و فقرهء دیگر (۳): از حضرت امیر (علیه السلام) (۴) نقل است که در مقام موعظه و تنبیه ندا کردند اهل قبرستانی را و اصحابشان خدمتشان بودند ": یا اهل التربة، و یا اهل الغربة، و یا اهل الخمود، و یا اهل الهمود، اما اخبار ما عندنا فاموالکم قد قسمت ونساؤکم قد نکحت ودورکم قد سکنت فما خبر ما عندکم."؟

پس رو به اصحاب نموده فرمودند: اما والله اگر مأذون می‌شدند در سخن گفتن، می گفتند: توشه أی بهتر از تقوی نیست.

* سیم: خواندن آیه‌ها و سوره‌ها و دعاهای چند که رسیده است خواندن آنها در قبرستان، و آنها چند چیز است:

اول (۵): خواندن یازده سورهء " قل هو الله " برای همهء اموات شیعه که به عدد همه ثواب به أو داده شود، کما نقله بعض العلماء (۶).

دویم: یازده سورهء " قل هو الله " به جهت اهل این قبرستان که الحال در أو

۱ " – مستدرک الوسائل، " ج ۱ / ۱۳۰، ح ۱۱.

۲ " – بحار، " چاپ بیروت، ج ۹۹ / ۳۰۱.

۳ " – نهج البلاغه " فیض / ص ۱۱۴۷، با تفاوتی در بعض کلمات.

۴ " – کامل الزیارات، " فصل ۱۰۵، ح ۷.

۵ " – تفسیر نور الثقلین، " ج ۵ ص ۷۰۲، ح ۲۳.

۶ – شاید مراد صاحب مصباح الزیارات / ۲۶۴ باشد.

(۱۷)

صفحه مفاتیح البحث: کتاب کامل الزیارات لجعفر بن محمد بن قولویه (۱)، کتاب مستدرک الوسائل (۱)، کتاب نهج البلاغة (۱)، مدینة بیروت (۱)

دعا کردن به اهل قبور

است، که به عدد تمام آنها ثواب داده شود.

سیم (۱): خواندن سورهء " یس " که باعث تخفیف عذاب بر اهل این قبرستان شود و از برای خواننده به عدد آنها حسنه باشد.

چهارم: آیه‌ای از آیه‌های قرآن. از پیغمبر (صلی الله علیه وآله) مرویست کسی که بخواند آیه أی از کتاب خداوند در قبرستانی از قبرستانهای مسلمانان، عطا کند أو را خدا ثواب هفتاد پیغمبر (۲).

پنجم (۳ "): آیة الکرسی " مخصوصا روایت از پیغمبر (صلی الله علیه وآله) شده مؤمن که " آیة الکرسی " بخواند و ثوابش را برای اهل قبور قرار دهد، برساند ثواب را خداوند به قبر هر میتی، و بلند کند خدا برای خواننده درجهء شصت پیغمبر و خلق کند از هر

حرفى ملكى كه تسبيح كند براى أو تا روز قيامت.

و بعضى علماء آيهٔ الكرسى را از براى وداع معين نموده اند كه هنگام مراجعت در آخر قبرستان خوانده شود.

ششم: خواندن " لا إله الا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد يحيى ويميت وهو على كل شئ قدير. " روايت شده عطا شود به أو هزار هزار حسنه و آمرزيده شود و روشن شود كل آن قبر.

در دعا كردن به اهل قبور و اما دعاها:

۱ " - تفسير نور الثقلين " ج ۴، ص ۳۷۳، ح ۶ و " بحار، " ج ۸۲ ص ۶۳.

۲ " - بحار، " ج ۹۹ / ۳۰۰.

۳ " - مستدرك الوسائل، " ج ۱ / ۱۲۶، ح ۵ و " بحار، " ج ۹۹ / ۳۰۰.

(۱۸)

صفحه مفاتيح البحث: القبر (۳)، الشراكهٔ، المشاركهٔ (۱)، كتاب مستدرك الوسائل (۱)

اول: آنچه از حضرت سيد الشهداء (أرواحنا وأرواح العالمين له الفداء) روايت (۱) شده هر كه بخواند وقت دخول در قبرستان " اللهم رب هذه الارواح الفانية، والاجساد البالية، والعظام النخرهٔ التى خرجت من الدنيا وهى بك مؤمنهٔ، ادخل عليهم روحا منك وسلاما منى، " بنويسد خداوند براى أو - به شماره‌ء خلق از زمان آدم تا قيامت - حسنه‌ها.

دويم (۲): از محمد بن مسلم كه از خواص حضرت امام جعفر صادق (عليه السلام) بوده، روايت شده كه به حضرت صادق (عليه السلام) عرض كردم: زيارت اموات كنم؟ فرمود بلى. گفتم به حضرت: مى‌فهمند وقتى نزد آنها مى‌رويم؟ فرمود: بلى والله مى‌فهمند و خشنود مى‌شوند به شما و انس مى‌گيرند به سوى شما. گفتم: چه بگوئيم نزد ايشان كه رويم؟ فرمود: بگو " اللهم جاف الارض عن جنوبهم وصاعد اليك ارواحهم ولقهم منك رضوانا واسكن إليهم من رحمتك ما تصل به وحدتهم وتونس وحشتهم انك على كل شئ قدير. "

سيم (۳ "): اللهم ولهم ما تولوا، واحشرهم مع من احبوا. "

روايت شده اين بهترين چيزى است كه وقت گذشتن به قبرستانها گفته مى‌شود.

چهارم: بسيار گفتن ": اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات " كه از بعض علماء مسموع شده. وضم نمودن ": والمسلمين والمسلمات الاحياء منهم والاموات تابع بيننا وبينهم بالخيرات انك مجيب الدعوات " هم به طريق دعاء خوب است.

۱ " - مستدرك الوسائل، " ج ۱، ص ۱۳۱، ح ۳.

۲ " - مستدرك الوسائل، " ج ۱ / ص ۱۳۱.

۳ " - بحار، " ج ۹۹ / ۳۰۰.

(۱۹)

صفحه مفاتيح البحث: الإمام جعفر بن محمد الصادق عليهما السلام (۲)، محمد بن مسلم (۱)، الشهادهٔ (۱)، كتاب مستدرك الوسائل (۲)

و اما آنچه خصوصى است، پس چند چيز است:

اول: خواندن سوره‌ء " انا انزلنا (" ۱) هفت مرتبه سر قبر مؤمن. و مستحب است طرف پشت قبر رو به قبله بنشيند يا بايستد و دست بر روى قبر گذارد بدون آنكه روى قبر بيفتد و تكيه كند و بخواند كه ايمن شود از فزع بزرگ روز قيامت كما فى الخبر (۲).

و در روايتى (۳) است: هر كه بخواند اين سوره را هفت مرتبه سر قبر برادر مؤمن، خداوند ملكى را فرستد نزد قبر أو و بنويسد براى اين ميت ثواب آنچه اين ملك مى‌كند، و وقتى كه خدا أو را از قبر بر انگيزاند نگذرد بر هول و ترسى مگر آنكه خدا آن هول را از

أو بر طرف کند به واسطهء آن ملک تا آنکه أو را داخل بهشت کند.
دویم: سورهء " حمد " و " قل أعوذ برب الناس " و " قل أعوذ برب الفلق " و " قل هو الله " و " آیـة الکرسی " هر یک سه مرتبه که اینها را نیز مجلسی (علیه الرحمة) نقل نموده خوانده شود سر قبر مؤمن (۴).
سیم: دست بر قبر نهد و بگوید (۵ "): اللهم ارحم غربته، وصل وحدته، و انس وحشته، وامن روعته، واسکن إلیه من رحمتک رحمة یستغنی بها عن رحمة من سواک، والحقه به من کان یتولیه."
چهارم: این است: بنده دست بگذارد سر قبور و بگوید " اللهم اغفر له فانه افتقر الیک " و بخواند " فاتحة الکتاب " و یازده " قل هو الله، " منور کند خدا قبر
۱ " - کامل الزیارات، " فصل ۱۰۵، ح ۳ / ۳۲۰ "، نخبة الفیضیة " از مرحوم فیض کاشانی / ۱۸۹.
۲ " - مستدرک الوسائل، " ج ۱، ح ۲ / ۱۳۱ "، مزار شیخ مفید / " ۱۸۶.
۳ " - حلیة المتقین " در آداب دفن اموات / ۱۳۸.
۴ " - کامل الزیارات، " فصل ۱۰۵، ح ۱۲ / ۳۲۲ و " بحار، " ج ۹۹ / ۲۹۸.
۵ " - من لا یحضره الفقیه، " ج ۱ / ص ۱۷۱، ح ۴۷ "، کامل الزیارات، " فصل ۱۰۵، ح ۱۴ / ۳۲۱ "، بحار " ج ۹۹ / ۲۹۷ "، مزار مفید / " ۱۸۷.
(۲۰)

صفحه مفاتیح البحث: القبر (۱۱)، الإستحباب (۱)، الفزع (۱)، کتاب فقیه من لا یحضره الفقیه (۱)، کتاب کامل الزیارات لجعفر بن محمد بن قولویه (۳)، کتاب مستدرک الوسائل (۱)، الدفن (۱)

امور مکروه در قبرستان

میت را، و وسعت دهد به قدر مد بصرش و برگردد خواننده آمرزیده، و اگر تا صد روز دیگر بمیرد شهید مرده. بعد هفت مرتبه سورهء " انا انزلنا " و هر سوره أی و آیه أی که بخواهد سر قبر بخواند ثوابش را هدیهء أو کند سیما " یس " و " تبارک " و بعضی سورههای دیگر که فضیلتهای بسیار در آنها رسیده است. البته ان شاء الله ثواب آن عاید هر دو میشود.
و زیارتی بخصوص به جهت امام زادهها و همچنین برای علما ترتیب داده انـد که هیچ کدام منقول از امام نیست و از ترتیب علماء و فضلاء است (۱). و خواندن آنچه ذکر کردیم بهتر است، اگر چه این زیارتنامهها به قصد خصوصیت ورود ظاهرا ضرری ندارد بلکه از بابت استحباب سلام بر آنها کردن و جواز مخاطبهء به آنها به این نحوها چنانچه از سلامهای سابقه که روایت شده، میشود استفاده کرد که خوب است.
و چند امر است که در قبرستان مکروه است که خوب است ترکش کند اول: ماندن بر سر قبر غیر پیغمبر و امام (علیهم السلام) سیما شب، مگر برای غرض صحیحی مثل تلاوت قرآن.
دویم: روی قبر نشستن. حدیث است (۲) اگر بالای آتش بنشینم که جامه ام بسوزد خوشتر است که بالای قبر بنشینم.
سیم: نماز بالای قبر و رو به قبر، و میان دو قبر کردن. و رفع این کراهت به حایل ولو عصا یا چیز دیگر میشود به تفصیلی که در مکروهات نماز در رسالههای عملیه هست.
۱ - رک ": مزار مفید " و " مزار شهید " و " مزار بحار " علامه مجلسی.
۲ " - نهایة الاحکام " علامهء حلی، از رسول خدا صلی الله علیه وآله.
(۲۱)

صفحه مفاتيح البحث: القبر (۷)، الشهادة (۲)، الجواز (۱)

چهارم: آنكه بالاى قبر راه نرونـد، ولى حديثى است (۱) كه گـام بنه بر قبرهـا و بالاى آنها راه برو كه هر كه مؤمن است از راه رفتن راحت مى‌يابـد، و هر كه منافق است دردناك مى‌گردد، و حمل كرده انـد بر جائى كه راه رفتن در قبرسـتان بدون آن مشـكل باشـد (۲).

پنجم: بول و غايط كردن.

ششم: خنده كردن.

هفتم: قبر را به كثافات و نجاسات آلوده كردن.

۱ – صدوق در " من لا يحضره الفقيه " از امام كاظم (ع) نقل فرموده.

۲ – بيان اين حمل از شهيد اول در كتاب " ذكرى " است.

(۲۲)

صفحه مفاتيـح البحث: القبر (۲)، البول (۱)، الإمام موسـى بن جعفر الكاظم عليهما السـلام (۱)، كتاب فقيه من لا يحضـره الفقيه (۱)، الشهادة (۱)

باب اول در شناختن قبر بعضى از علما وصلحاء تخت فولاد در ذكر قبر پلوى

باب اول در شـناختن قبر بعضـى از علماء و صـلحاء تخت فولاد اصـفهان بدان كه قبور علماء و كاملين، در آن قبرسـتان بسيار است و اين قبرسـتانى است عظيم الشأن و اميد فيضـهاى بسيار در زيارت اهل قبور آن بر سبيل عموم، كه برود به سلام و به زيارت و مشرف شدن در قبرستان و مراجعت نمايد، هست ولى البته خصوص آنچه ميسر شود فيض آن بيشتر خواهد بود ان شاء الله تعالى.

در ذكر قبر پلوى پس مى‌گوئيم از طرف پـل خـاجو كه به روى آخر پل دست چپ چنـد قبر هست وسط آنها معروف است به قبر" پلوى " كه آخوند ملا محمد صادق اردستانى است كه از عرفا و اهل رياضات بوده و كرامات از أو نقل مى‌كنند و معروف است كه أو را مجلسـى از اصفهان بيرون كرده به ملاحظة و گمان صوفى بودن، و بعد پشيمان شده! و در بر گشتن در تخت فولاد منزل كرده و وارد شهر نشده و به چشم كشف اول شب هرزه گى‌هاى اهل اصفهان را ديده و آخر شب نماز شبهاى آنها را ديده.

و اين واقعه تفصيل معروفى دارد، العهدة على راويها.

و از جمله نوادەهـاى اوست مرحوم آقـا محمـد مهـدى پاشـنه طلاـى يزدى كه از جمله علماء كاملين و فاضـلين يزد بوده چنانچه ولد صالح آن مرحوم آقاى

(۲۳)

صفحه مفاتيح البحث: مدينة إصفهان (۳)، القبر (۶)

در بيان تكيهء آقا محمد كاظم واله

آقـا شـيخ عبـد الصالـح كه فعلا از علماء يزد است نقل نموده و اظهار تمجيـد هم از آخونـد ملا محمـد صادق نمود، بالجمله: ظاهر، حسن حال اوست.

و قبر مرحوم ميرزا محمد سعيد اردستانى كه هم عالم و هم شاعر ممتاز بوده جنب آن است.

وپلوى گفتن براى آن است كه چون پهلوى پل واقع است، از كثرت استعمال يا به مناسبت قرب لفظ پل به پلو عمدا يا اشتباها پلى را پلوى گفته انـد، والحال كه زمان ما است مشـهور به پلوى شـده. يا براى آن است كه گوينـد تجربه شـده كه هر كه سـر قبر أو فاتحه

بخواند یا همان شب یا آن هفته به پلو می‌رسد. و این اسم سابقا درباره " صاحب بن عباد " بوده که بعد ذکر أو می‌آید.
و بعضی به همین ملاحظهٔ خجالت می‌کشند از فاتحه خواندن و لکن مقامات مختلف است که اگر از الواط کسی باشد که اسباب مضحکه قرار دهند، مخفی فاتحه خواندن و رفتن بهتر است.
در بیان تکیه‌ء آقا محمد کاظم واله است بعد از آن بالاتر می‌روی و در خیابان بالای پل نرسیده به دروازه تخت فولاد دست راست تکیه‌ء آقا محمد کاظم واله است که از جمله‌ء شعرا و اهل کمال است، و از علوم حکمت هم ربط داشته در زمان خاقان مغفور، فتحعلی شاه بوده و خیلی پیر شده که نزد خاقان محترم بوده و معروف است به سلیقه و نظافت که گویند زغال آتش سر قلیان را می‌تراشیده، و غیر این از کارهای غریب. و وضع تکیه و سنگ قبر که خودش انتخاب کرده شاهد است بر آن و اکتفا می‌کنیم بر نوشتن آنچه خودش بر سنگ قبر خود به خط تعلیق خوش نوشته که هم بیان فضل أو است و هم موعظه و هم آسانی خواندن. أو نوشته است:
بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی لا یبقی الا وجهه ولا یدوم الا ملکه

(۲۴)

صفحه مفاتیح البحث: القبر (۴)، الشهادة (۱)

در ذکر تکیه فاضل سراب وشرح حال او

والصلوة والسلام علی محمد وآله، اما بعد فهذا مرقدی وانا تراب اقدام العلماء والحکماء والعرفاء الذین لا خوف علیهم ولا هم یحزنون والفصحاء والبلغاء والشعراء الذین ورد فیهم ان لله کنوزا تحت العرش مفاتیحها السنة الشعراء وهذا اعتقادی واعتضادی ان الله تعالی واحد الذات ظاهر فی الذوات وقلت فیه:
أی چشم خرد عاجز از دیدن ذات تو * پنهان تری از پنهان با این همه پیدایی وان محمدا صلی الله علیه وآله رسوله وان الائمة الاثنی عشر اوصیائه وان ما جاء به النبی صلی الله علیه وآله حق وانا المستغرق فی بحار معرفة الله العزیز بحیث قلت واقول:
تو را خواهم نخواهم رحمتت گر امتحان خواهی * در رحمت به رویم بند و درهای بلا ـ بگشا یا معشر الناس اوصیکم به ترک اللذات وحب الشهوات لانی عشت فی الدنیا بالراحة والفخامة بحیث حصلت لی نهایة اللذة والعزة، وعاقبة الامر وجدت راحتها الما وعزتها ذلة، ونلتمس من الاخوان المؤمنین ونرجوا من الاخلاء الصادقین إذا مروا علی هذا المضجع اسرونی بقرائة الفاتحة ولا ینسونی بدعاء اللائحة لانی مجرم ومشتاق بلقاء الله المتعال ولما قال النبی صلی الله علیه وآله: من کتب بسم الله الرحمن الرحیم دخلت الجنة بغیر حساب کتبت بیدی فی مرض الموت. وانا محمد کاظم المتخلص بواله الاصفهانی ۱۲۲۹.
اقول: فی عباراته خدشات لکنها کاشفة عن صدقه وحسن حاله.
در ذکر تکیه فاضل و مقابل این تکیه دست چپ در همین خیابان، تکیه فاضل سراب است که الحال ویران و خراب است، و او مرحوم آخوند ملا محمد بن عبد الفتاح تنکابنی که از علماء و فضلاء کاملین بوده، صاحب کتابها و رساله‌های خوب: کتاب سفینة

(۲۵)

صفحه مفاتیح البحث: الرسول الأکرم محمد بن عبد الله صلی الله علیه وآله (۲)، محمد بن عبد (۱)، الشهوة، الإشتهاء (۱)، الموت (۱)، العزّة (۱)، المرض (۱)، الخوف (۱)، السفینة (۱)

النجاة، در اصول دین خصوص در امامت، کتاب ضیاء القلوب، فارسی در امامت، رساله اثبات الصانع القدیم بالبرهان القاطع القویم، رساله در اینکه نماز جمعه واجب عینی است، ورسالة در رد آخوند ملا عبد الله تونی که حرام دانسته، ورسالة در اجماع وخبر واحد، رساله در حکم دیدن ماه پیش از ظهر که این روز از ماه پیش است یا بعد، وحاشیة بر آیات الاحکام اردبیلی، وحواشی بر معالم و

مدارك و ذخيرهٔ و شرح لمعه و غيرها.

و از شاگردان آخوند ملا محمد باقر سبزوارى (اعلى الله مقامه) كه جد طائفه شيخ الاسلاميه اصفهان كه در مدرسهء ميرزا جعفر در مشهد مقدس مدفون مى‌باشند و از محققين كاملين مشهورين علما است، بوده.

و از فاضل سراب كه آخوند ملا محمد مذكور است بعضى كرامات نقل مى‌شود (۱) و از آن جمله اينكه در سفر عتبات عاليات شخصى را در بين راه مى‌ديده كه جلو حيوان أو راه مى‌رود و در منزل أو را نمى‌ديده، بعد از بعضى اهل قافله ميپرسد: اين كيست؟ بعضى گويند كه: به منزل كه مى‌رسد چيزى از طعام ما بر مى‌دارد و بعد نمى‌بينيم أو را تا در راه.

آخوند تعجبش زيادتر شده، اين دفعه در بين راه همين كه حاضر مى‌شود، آخوند نگاه مى كند مى‌بيند پاهاى أو روى زمين نيست. خوف، عارض أو مى‌شود بعد أو را طلبيده احوال ميپرسد، او گويد: مردى از جنم، با خدا عهد كرده ام كه اگر از بليه عظيمه أى كه بودم هر گاه نجات يابم پياده در ركاب يكى از علماى شيعه به زيارت حسين (عليه السلام) مشرف شوم، شما كه مسافر شديد غنيمت دانسته خدمت آمدم.

پس آخوند از حكايت طعام پرسيده كه از قافله بر مى‌دارد با آنكه خوراك أو اين نيست، گفته: به فقراء قافله مى‌دهم. آخوند فرمود: طعام شما جن چيست؟

۱ - رك ": روضات الجنات، " ج ۴، آن را به ملا محمد صالح نواده ايشان نسبت داده است.

صفحه مفاتيح البحث: الإمام الحسين بن على سيد الشهداء (عليهما السلام) (۱)، مدينة إصفهان (۱)، الشهادة (۱)، الخوف (۱)، الطعام (۲)

گفت: هر گاه شخص خوش صورت و پاكيزه اندامى از انسان ببينيم أو را به سينهء خود ميچسبانيم و به بو كشيدن أو قوت مى گيريم مثل آدمى به طعام و شراب.

پس هر وقت در اينها اثر خبط دماغ و وحشت سينه و سر ببينند، از اثر مس جنى است، و علاج أو اين است: قدرى آب سداب - و اگر با سركه باشد بهتر است - گرفته قطره أى از أو در دماغ أو چكانده شود، آن جنى ميميرد و او خوب مى‌شود به إذن خدا.

آخوند گويد: زمانى گذشت و اتفاق افتاد در بعضى منزلها شخص محترمى خيلى اكرام و حرمت به ما نمود. اين جنى آمد نزد من و گفت: بگو اين صاحب منزل براى مهمانى، خروس سفيد خود را كه در خانه دارد بكشد. پس خواهش كرديم و او كشت، كه عقبش گريه و ناله در خانه بلند شد و خودش آمد غمگين و گفت خروس را كه كشتيم، يكى از دخترها شبه جنونى عارض أو شده افتاد و غش كرد و ما در علاج او حيرانيم. گويد: گفتم: مترس، دواى دختر صرعى تو نزد من است. بعد گفتم: كمى سداب بياوريد. با آب ممزوج كردم و قطراتى از آن در يك سوراخ دماغ او چكانديم، برخاست صحيح و سالم. و شنيدم ناله شخصى را كه ديده نمى‌شد و مى گفت: آه خود را كشتم به يك كلمه كه گفتم، و سرى كه آشكار كردم نزد يك آدمى.

بعد آن جنى كه در جلو قافله مى‌آمد نديديم، فهميديم او بوده است كه به آن دختر مس نموده است و به سداب كشته شده.

اين گونه حكايات اگر چه بعيد و عجيب مى‌آيد ولى ممكن است، و از وقايع جن كه مرحوم مجلسى در سماء وعالم " بحار " و غيره و ديگران نقل كرده اند، رفع اين استبعادات فى الجمله مى‌شود.

و آخوند ملا محمد صادق ولد ارجمند او كه از جملهء علماء بوده، در اينجا مدفون است. و در اين تكيه جماعتى از علماء و فضلاء مدفونند چنانچه از لوح

صفحه مفاتيح البحث: الطعام (۱)

در بيان تكيهء مرحوم آقا مير سيد محمد شهشهانى

آنها مستفاد مى‌شود.

در تكيه مرحوم آقا مير سيد محمد شهشهانى بعد از آن از دروازه وارد قبرستان تخت فولاد مى‌شوى. دست چپ تكيهء مرحوم آقا مير سيد محمد شهشهانى است، و شهشهان محله أى معروفه است در اصفهان، و اصل آن مرحوم از سادات خورزوق (۱) بوده و قبر او در وسط گنبد است.

و او مجتهدى مسلم بوده و مقلد بسيار داشت و امام جماعت مسجد ذو الفقار، و بسيار پير شده بود، و از اول تا آخر تحصيل گوشه نشينى و مشغول به نوشتن كتاب فقه و اصول و غير هما و درس گفتن بوده، و خيلى زحمت در علم كشيده كتابهاى بسيار نوشته: جامع السعادة، رساله عمليه فارسى كه خيلى فائده‌ها دارد، رضوان الاملين، حاشيه أى بر قوانين، انوار الرياض، حاشيه أى بر شرح كبير، جنة المأوى، كه منظومه فقه است صد هزار شعر، عروة الوثقى، فقه استدلالى، غاية القصوى، در اصول، مفصل، انيس المتقين، در گناهان كبيره خيلى جمع كرده، منظومهء عربى در مصيبت، چند قطعه أى و غير ذلك.

وفات او در سنهء هزار و دويست و هشتاد و هفت بوده - و آنچه در بالاى قبر نوشته اشتباه شده - ايام گرانى كه خيلى اصفهان سخت شد و گندم بلكه ارزن يك من يك تومان رسيد و گرانى و قحطى از دو سال متجاوز شد. خداوند حفظ بفرمايد همهء بلاد را از اين گونه بلاها و امتحانها.

و آن مرحوم كتابهاى خود را وقف يا وصيت به وقف نمود، چون اولاد نداشت املاكى هم كه داشت معين نموده، كتب خود را نوشته وقف نمايند و از چاپ امتناع داشت.

بالا سر قبر آن مرحوم، قبر مرحوم حاجى ميرزا بديع درب امامى است كه

۱ - خوروزق، دهى است دو فرسخى اصفهان از دهات برخوار. (مؤلف " ره")

(۲۸)

صفحه مفاتيح البحث: مدينة إصفهان (۳)، القبر (۳)، السجود (۱)

در ذكر تكيهء حاجى محمد جعفر آباده‌اى

واقعا بديع الزمان بود، در كمال فقر به وضع پاكيزگى واستغناء، و در دو مسجد طرفين بازارچهء وزير قرب درب امام امامت مى‌نمود، خواص و مقدسين حتى از محلات بعيده حاضر، همه صبح و شبهاى تعطيل به منبر و مسائل و مواعظ خيلى سهل و روان و پر فائده، خيلى شوخيهاى مليح در منبر و غير منبر داشت.

طبع شعر خوبى، اطلاع وحفظ تامى در اشعار و تواريخ و اخبار. و مدرس مدرسهء نماورد بود. مخصوصا در قوانين و شرح لمعه استاد، و شرح كبير و فرائد و متاجر را تدريس مى‌نمود، و اغلب فضلاء و علماء عصر كه اصفهان آمده از شاگردان ايشانند.

حواشى بر قوانين نوشته، اجزائى در فقه در خراج و مقاسمه و غير آن، و در حسن خلق و اخلاق كامله ممتاز.

از شاگردان مرحوم آقا مير سيد محمد شهشهانى ومرحوم حاجى ملا حسين على ومرحوم حاجى شيخ محمد باقر، و مجاز از حاجى وشيخ و ديگران از علماء.

وفات او سنهء ۱۳۱۸.

در ذكر تكيهء حاجى محمد جعفر آباده‌اى و در طرف راست مقابل اين تكيه، قدرى بالاتر، تكيهء مرحوم حاجى محمد جعفر آباده‌اى است كه تكيهء مرغوبى است، خوش وضع و منزل دار قبر مرحوم حاجى آباده‌اى در وسط گنبد است.

و این مرحوم از شـاگردان مرحوم حجـة الاسـلام حـاجی سـید محمـد باقر بوده که همراه آن مرحوم به مکه مشـرف شـده. و خودش عالمی محقق و بسیار زیرک و دانا و با تدبیر بخصوص در مرافعات و تمام کردن آنها. و رسالهء عملیه نوشته و مقلدین هم داشته.

(۲۹)

صفحه مفاتیح البحث: مدینة مکة المکرمة (۱)، مدینة إصفهان (۱)، الحج (۱)

و معروف است که قرار او ثبت اموراتی که نزد او میشـده بود، که من بعـد اشـتباه کـاری نشود چنـانچه در این زمـان هم بعضـی به همین طریق رفتار مینمایند.

و مدرس در اصفهان و امام مسجدی که برای او به اسم او بنا شده و مسجد خوش وضعی است، بوده.

و مزاحهـای شـیرین از آن مرحوم معروف است، شوخیهـا و خوش صـحبتیهای بسیار داشـته نظیر آقـا جمـال خوانسـاری، و کتابهـای فاضلانهای نوشته:

یکی نقود المسائل است، در فقه اسـتدلالی که ملمع است (یعنی فارسی و عربی با هم است)، کتاب مرایا، در اصول، رسالهء حمامیه، در محل نزاع حمام شیخ [بهائی]، شرح تجرید الکلام، شرح دروس، فقه جعفری، سؤال و جواب و غیر اینها.

و وفات مرحوم حاجی سنهء ۱۲۸۰. مادة تاریخ " اللهم نور مضجعه (۱.")

و دو پسر داشت، آقا عبد الجواد که در مسجدی که به اسم خود مرحوم حاجی محمد جعفر است در محله جماله کله، امامت داشت و در سفر عتبات وفات نموده.

و دیگری آقای حاجی اعطاء الله مرحوم که مردی وارسـته و از دنیا گذشـته، مجاور نجف اشرف و با وجود بسیاری مرید و طالب در اصفهان، اقبال به آمدن نکرده، ایام طاعون نجف به طاعون وفات نموده.

هر دو در وادی السلام قریب به مقام صاحب (علیه السلام) مدفونند.

و در این تکیه، فضـلاء و صـلحاء و معروفین جماعتی مدفونند من جمله شیخ حسن [عیناثی] واعظ صاحب کتاب " منتخب الاخبار " (۲)، طرف پائین پای

۱ - از پرتو اصفهانی است.

۲ - نام نویسندهء " منتخب الاخبار " حسـین است نه حسن، و طبق تصریح امل الآمل در جبل عامل فوت کرده و این قبر شیخ حسن عیناثی بوده است. رک ": امل الآمل " ج ۱ / ۷۰.

(۳۰)

صفحه مفاتیح البحث: مدینة إصفهان (۲)، الشیخ البهائی (۱)، الجود (۱)، القبر (۱)، النوم (۱)

حاجی در ایوان.

ومرحوم آقا عبـد الحسین پسـر مرحوم آقا محمـد مهدی پاشـنه طلای یزدی که از اولاد آخوند ملا محمد صادق اردسـتانی که ذکر شد، بود، و از فضـلاء بود. و در اصـفهان وفات نمود در خلوت پشت سر که حوض خانه در او است در ایوانچه رو به قبله است و اثر قبری ندارد.

و آخونـد ملاـ عبـد الله خوانسـاری که از روضه خوانهـای معروف و در ایام عاشورا وفات یافت، و در حال شـدت مرض، ترک ذکر مصیبت ننمود. قبر او در ایوان جلوی گنبد جلو روی قبر مرحوم حاجی.

مادهٔ تاریخ او این است ": یا حسینی گفت و پس دم در کشید (" ۱). بالای تکیهء مرحوم حاجی آبادهای در راهی که میرود تکیهء میر، تکیهء مرحوم آقـا میرزا عبـد الغفـار تویسـرکانی است. عـالمی بزرگوار، جـامع معقول و منقول، امـام مسـجد حـاجی آبادهای، و جماعت او برگزیده بود از خواص طلاب و تجار و اخیار. و از رؤساء شاگردان مرحوم حاجی ملا حسـین علی تویسرکانی و مجاز از

او و از مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهار سوقی که در " روضات الجنات " ذکر فضل ایشان نموده، آنکه عمدهء ترتیب این کتاب از ایشان شده.

وفات او در سنهء ۱۳۱۹.

از تکیهء حاجی محمد جعفر که بیرون می‌آیی، مقابل آن بالای تکیهء آقا میر سید محمد، عمارت مختصری است قبر مرحوم آقا سید محمد ترک در آنجا است. و آن مرحوم امام جماعت مسجد شاه اصفهان بوده و کسانی که ایشان را دیده اند از معتبرین، ارادت و اخلاص تام به ایشان دارند که از اهل علم و فضل و تقوی ودیانت بوده. بلکه معروف است فاتحه خواندن سر قبر او به جهت رفع بعضی امراض مجرب است.

۱ - از پرتو اصفهانی است.

(۳۱)

صفحه مفاتیح البحث: زیارة عاشوراء (۱)، مدینة إصفهان (۲)، القبر (۴)، السجود (۱)، المرض (۱)

در ذکر تکیهء مرحوم آقا میرزا ابو المعالی و شرح حال او

ولد او [آقا سید محمد جواد مسائلی] هم فعلا از جملهء فضلاء، و امام جماعت محلهء تلواسکان است.

در ذکر تکیهء مرحوم آقا میرزا ابو المعالی از پشت سر قبر آقا سید محمد که طرف دست چپ راه است رو به لسان الارض، می‌رسد به تکیهء مرحوم آمیرزا ابو المعالی (۱) که اصغر اولاد مرحوم حاجی کلباسی (اعلی الله مقامهما) بود، و مراتب زهد و تقوی و اخلاق کامله و گوشه نشینی و کثرت اشتغال به فکر در علوم و نوشتن کتب علمیه بیش از آن است که در این مختصر گنجد.

مجلس آن مرحوم، مصداق حدیث حواریین و عیسی (ع) که عرض کردند:

"من نجالس "؟ با که مجالست کنیم؟ فرمود ": من یذکر کم الله رؤیته، ویزید کم فی العلم منطقه، ویرغبکم فی الآخرة عمله (" ۲).

یعنی: کسی که دیدار او، شما را به یاد خدا اندازد، و گفتار او در علم شما افزاید، و کردار او شما را راغب و مایل به آخرت نماید.

حالات آن مرحوم به همین و صفها بود. صحبت موعظه و علم دقائق اخلاق و اخلاص را ملاحظة می‌فرمودند.

و قدری از حالات خود را در آخر " بشارات " و " رسالهء زیارت عاشورا " و غیرها نوشته اند.

اجمال آنکه: بعد از فوت حاجی، صغیر بوده و با عدم توجه تام بزرگتران به زحمات فوق العاده بعد از قابلیت مشغول تحصیل خدمت مرحوم آمیر سید

۱ - ابو الهدی کلباسی در شرح حال پدر بزرگوار خود میرزا ابو المعالی کلباسی رساله‌ای نوشته که " البدر التمام فی احوال الوالد القمقام " نام دارد.

۲ " - کافی، " ج ۱ / ۳۹.

(۳۲)

صفحه مفاتیح البحث: النبی عیسی بن مریم علیهما السلام (۱)، زیارة عاشوراء (۱)، القبر (۱)، الزهد (۱)، الجود (۱)، النوم (۱)

حسن مدرس شده و امر گذران و زندگانی او هم به سختی بوده، من حیث لا یحتسب از جانب پادشاه وظیفه أی از مرحوم حاجی در حق ایشان، بی توسط، به قلب شاه افتاد که شاه وقتی پرسش از ولد عالمی از حاجی نموده ذکر آن مرحوم شده، مقرر گردید.

و تمام سالها، همهء اوقات را به فکر و نوشتن مشغول بوده حتی در توی حمام فکری می‌کرده، در رختکن آمده نوشته، باز مراجعت به گرمخانه می‌نموده تا آنکه از کثرت فکر، بخصوص در اصول، به ضعف قلب مبتلا شده که تا آخر عمر مبتلا بوده.

هر که خواهد بیان حالاتی از آن مرحوم از خوابها که در حق او دیده شده، و مرارات که کشیده، و بیاناتی که مرحوم حاجی

كرباسى در حق او در طفوليت او نموده بفهمد، رجوع به آنچه خود نوشته اند نمايد.

و كتاب و رساله‌هاى آن مرحوم بسيار است: در اصول بشارات در سه جلد، متجاوز از صد و بيست هزار بيت، رساله‌ء حجيهٔ ظن مطلق، سى هزار بيت، رساله‌ء مختصرى نيز درحجيهٔ ظن، رساله‌ء شك در جزئيهٔ وشرطيهٔ، رساله در متباينين، رساله در فرق ما بين شك در تكليف و مكلف به، رساله‌ء بقاء موضوع در استصحاب، رساله‌ء تعارض استصحابين، رساله‌ء تعارض استصحاب و اصل صحهٔ عقد، رساله‌ء تعارض استصحاب ويد، رساله‌ء بقاء بر تقليد، رساله در اينكه اصل در استعمال، حقيقت است يا اعم از حقيقت مجاز، رساله در دلالت نهى بر فساد.

و در علم رجال رساله‌اى در ثقهٔ در علم رجال، رساله‌اى در اصحاب اجماع، رساله‌ء نقد طريق كه بنيان جديد مخترعى است، رساله‌ء تصحيح غير، رساله‌هايى در نجاشى و در محمد بن الحسن اول سند كافى، و در ابى داوود، و حسين بن محمد، و محمد بن ابى عبد الله، وعلى بن محمد، و محمد بن زياد، و معاويهٔ بن شريح، وحماد بن عثمان، و محمد بن الفضيل، و محمد بن سنان، وعلى بن

(۳۳)

صفحه مفاتيح البحث: محمد بن أبى عبد الله (۱)، حماد بن عثمان (۱)، محمد بن الفضيل (۱)، محمد بن زياد (۱)، محمد بن الحسن (۱)، محمد بن سنان (۱)، على بن محمد (۱)، الظنّ (۲)

در بيان قبر مرحوم آقا ميرزا محمد حسن نجفى و شرح حال آن مرحوم

الحكم، وابى بكر حضرمى، و محمد بن قيس، و رساله‌اى در تزكيه‌ء اهل رجال، و رساله‌اى در تفسير عسكرى (عليه السلام)، و رساله‌اى در على بن سندى، رساله‌اى در حفص بن غياث وسليمان بن داوود، وقاسم بن محمد، و رساله‌اى در روايات ابن ابى عمير، رساله‌اى در تحقيق حال ابن غضائرى، رساله‌اى در احوال شيخ بهائى، رساله‌اى در احوال آقا حسين خوانسارى، وفوائد رجاليه‌اى ديگر غير از مذكورات.

و در فقه، مباحثى از وضو در شرح كفايه، رساله‌اى در نيت، رساله‌ء وجوب نفسى وغيرى طهارات ثلاث مفصل وممتاز، رساله‌ء نماز در ماهوت، رساله‌ء نماز در حمام وقف كه غير اهل تصرف كند، رساله‌اى در مفطريت قليان، رساله‌اى در اشتراط رجوع به كفايهٔ در حج، رساله‌اى در استيجار عبادت، رساله‌ء شرط ضمن العقد، رساله‌ء معاطاهٔ، رساله‌ء اسراف، رساله‌اى در صوت نساء، رساله‌ء تداوى به مسكر، رساله‌اى در غساله - ناتمام -، رساله‌اى در عصير عنبى - ناتمام -، شرح خطبه‌ء شقشقيه، رساله‌ء استخاره به قرآن، رساله‌ء زيارت عاشوراء، رساله‌ء ترتب، رساله‌ء سند صحيفه، رساله‌ء جبر وتفويض، رساله‌ء شبهه‌ء استلزام وشبهه‌ء حماديه و شبهه‌ء حمل مشكوك فيه بر غالب، رساله‌اى در جهة تقييديه وتعليليه.

ودر تفسير اجزائى با حواشى بر قرآن، ومجموعه قريب سى هزار بيت، و خطبه‌ها كه از قرآن تأليف نموده، ومجموعه‌اى در اشعار خوب عربيه به قدر هزار بيت، و رساله‌ء فارسيه در احوال انسان، و مختصرى در علم حساب.

در بيان قبر مرحوم آقا ميرزا محمد حسن نجفى و شرح حال آن مرحوم از تكيه‌ء ميرزا ابو المعالى كه بيرون آيى، طرف چپ پائين قبرستان از ميان جاده رو به لسان الارض مى‌رود يعنى زبان زمين. گويند: حضرت امام حسن (عليه السلام)

(۳۴)

صفحهمفاتيح البحث: الإمام الحسن بن على العسكرى عليهما السلام (۱)، الإمام الحسن بن على المجتبى عليهما السلام (۱)، يوم عاشوراء (۱)، مسألة الجبر والإختيار (الجبر والتفويض) (۱)، ابن أبى عمير (۱)، حفص بن غياث (۱)، محمد بن قيس (۱)، القبر (۱)، الحج (۱)

كه به اصفهان آمده، اين زمين با او تكلم كرده كه يهود جادو مى‌كنند. پس آن حضرت تختى از فولاد ساخته در آن منزل كرده كه

جادو در او اثر نکند، و به این مناسبت این قبرستان را " تخت فولاد " می گویند. ولی آمدن حضرت به اصفهان محل تأمل است، اگر چه بعضی از علماء، ورود حضرت را به کهنک که از دهات اصفهان است و غیر آن را نقل نموده اند و در آنجا عمارتی است و در میان عمارت، قبری است، گویند قبر یوشع پیغمبر است. و در جنب اطاقی که قبر یوشع است گنبدی است که مرحوم آمیرزا محمد حسن نجفی در آنجا است.

آن مرحوم، هشتاد و یک سال عمر کرده، سنهء هزار و سیصد و هفده وفات نموده.

صاحب نسب عالی است، پدرش مرحوم آمحمد علی نجفی، فقیه مطلق که ذکر حالش می‌آید، جدش آقا [محمد] باقر هزار جریبی که آقای مطلق، در کربلا اول او بوده و بعد آقای بهبهانی، و استاد میرزای قمی است که مرحوم میرزای قمی به ملاحظهء استاد زادگی نسخهء اصل قوانین را برای آقا محمد علی فرستاده که فعلا نزد این خانواده است.

و مادر آمیرزا محمد حسن، دختر میرزا محمد باقر نواب که سمت وزارت آمحمد خان وفتح علی شاه داشته، و از علماء و حکماء بوده و شرح نهج البلاغهء فارسی با تحقیق و تفسیر قرآن مخصوصی نوشته که چهار مجلد است مرتب به چهار عنوان: قصص و احکام و مواعظ و معارف.

و گویند صندوق خاتم روی قبر امیر المؤمنین (علیه السلام) را از جانب آمحمد خان، او برده.

بالجمله: مرحوم میرزا محمد حسن از شاگردان صاحب جواهر و صاحب ضوابط ومرحوم شیخ مرتضی [انصاری] بوده، قدری از طهارت را مبسوط و منقح نوشته، حاشیه أی بر قوانین دارند، وحواشی بر فصول دارند، اجزائی در اصول وفقه دارند، رساله‌ای در زیارت عاشوراء.

(۳۵)

صفحه مفاتیح البحث: الإمام أمیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیهما السلام (۱)، یوم عاشوراء (۱)، مدینة کربلاء المقدسة (۱)، مدینة إصفهان (۳)، القبر (۲)، الجنابة (۱)

در شرح حالات مرحوم آخوند ملا علی اکبر اژه‌ای و مصنفات آن مرحوم

در اواخر عمر بنایشان بر نوشتن کتابی در تقوی و آیات تقوی و مراتب تقوی بود و تمام نشد.

و در دیانت و محکمی امر مرافعات و امتناع از چیزی که بوی رشوه در او باشد و عدم ملاحظهء اکابر و ارحام در این مقام عند الخواص والعوام مسلم بود.

ومرحوم آیة الله میرزای شیرازی اعتماد تامی به او داشته که اهل اصفهان هر وقت از او سؤال نموده به که رجوع کنند، می‌فرمودند: میرزا محمد حسن نجفی.

و جمعی از خواص، تقلید آن مرحوم می‌نمودند. و امام مسجد ذو الفقار، و مشغول تدریس و تصنیف و جواب استفتاءات که می‌خواستند. و استفتاء را زود جواب نمی‌نوشتند، خیلی متقن، موکول به رجوع و دقت می کردند.

در تعیین قبر مرحوم آخوند ملا علی اکبر اجیه أی و مصنفات آن مرحوم از لسان الارض که برگردی وارد قبرستان شده در طرف چپ راه شیراز در وسط راه که به روی به قبر فاضلان، قدری طرف چپ، قبور بسیاری از علماء و فضلاء و کاملین است:

یکی قبر مرحوم آخوند ملا علی اکبر اجیه أی است، قبر با سنگ بستهء بزرگی دارد که بالای سر او هم سنگی راست نصب است. بالا سر قبر مرحوم آخوند ملا اسماعیل خاجوئی که انشاء الله ذکر می‌شود و آخوند ملا علی اکبر مذکور. دارای علم کلام و حکمت و اخلاق وفقه، و در موعظه بسیار شیرین زبان و خوش بیان، و در مسجد علی، امام جماعت بوده.

کتابهای خوب دارد: یکی زبدة المعارف، فارسی در اصول دین، خیلی مفصل و پر فائده مشتمل بر مطالب بسیار خوب، رساله‌ء

فارسیه در آداب نماز شب، مفصل و پر فائده، رسالهای در تعین سلام نافله در السلام علیکم و مخالفت

(۳۶)

صفحه مفاتیح البحث: مدینهٔ إصفهان (۱)، القبر (۶)، السجود (۲)

در تعیین قبر مرحوم آخوند ملا اسماعیل خاجوئی وشرح حال آن بزرگوار

مرحوم حاجی سید محمد باقر ورد او و جواب گفتن بر رسالهء دیگر، و ظاهر این است که حق با سید است، وآخوند ظاهرا متفرد است، و کتابی در رد پادری نصرانی و رفع شبهات او، و کتاب رد بر شیخ محمد احسائی که شیخیه منسوب به اویند، در حکمت و کلام، و کتاب رد طریقهء میرزا محمد اخباری که رد اجتهاد کرده بود، و رسالهای در تفصیل معراج، و رسالهای در میراث، و رساله عملیه در عبادات، و رسالهای در خصوص خمس و زکات، و رسالهای در قضاء و شهادات و غیر اینها.

و این بزرگوار از اهل زهد و تقوی و ریاضات شاقه و قناعت و تهجد و نماز شب و حالات خوش، چنانچه از رسالهء نماز شب او می توان فهمید.

و فعلا هم اولاد او از جملهء علماء و ائمه جماعت اصفهان هستند، و امامت مسجد علی با آنها است.

وفات او در سنهء هزار و دویست و سی و دو واقع شده.

و در قرب و اطراف قبر آن مرحوم، قبر اولاد واحفاد او که از علماء یا ائمه جماعت بوده اند میباشند، مانند مرحوم آخوند ملا عبد الله اجیه أی ولد ایشان که طرف بالا سر قبر آن مرحوم است با قدری فاصله، و دیگران از این سلسله.

در تعیین قبر مرحوم آخوند ملا اسماعیل خاجوئی و شرح حال آن بزرگوار بعد از آن، طرف پائین پای قبر آخوند ملا علی اکبر، به فاصله کمی قبر سکو بسته أی که دور او طاقچه، طاقچه است، قبر مرحوم آخوند ملا اسماعیل خاجوئی است. و این بزرگوار خیلی جلیل الشأن و دارای مقامات بلند از علم و عمل، و در استمداد از زیارت قبر او و روا شدن حاجت در آن مکان بسیاری از اهل ایمان اعتمادی دارند.

(۳۷)

صفحه مفاتیح البحث: زیارهٔ القبور (۱)، مدینهٔ إصفهان (۱)، القبر (۷)، الزهد (۱)، الوراثهٔ، التراث، الإرث (۱)

اصل ایشان از مازندران و در محله خاجوی اصفهان توطن نموده. عالمی محقق وکامل در حکمت و کلام و فقه و اصول، بلکه مطلق معقول و منقول، خیلی با ادراک و فهم کامل و با زهد در دنیا وحسن خلق و تواضع و مستجاب الدعوهٔ، و در پیش پادشاه و اعیان محترم و با عظم. حتی آنکه نادر شاه در میان علماء آن زمان، این بزرگوار را خیلی احترام مینموده و فرمایش او را قبول می کرده و عمده به جهت ترک دنیا و قناعت کردن و چشم از همه خلق پوشیدن بوده است.

و در زمان غلبه افغان و گرفتاری اهل اصفهان و آن واقعهء عظیمه مبتلی شده، و گرفتار صدمات آزردن و حبس شدن و مال او را بردن. همین قدر خود فرموده که به حمد الله عرض و زندگی و ایمان و نقص اهل و اولاد و خویشان او باقی مانده، در آن زمان که همه اینها در مسلمانان اصفهان بر باد رفته، نعوذ بالله.

بالآخرهٔ به جهت سختی اصفهان به خاتون آباد دو فرسخی اصفهان منزل نموده که آنجا آسوده بوده، و اگر بعد از وقعهء افغان باقی نمانده بود شاید اسمی از او نمیماند با این همه کمالات.

و آن بزرگوار کتابهای خوب و رسالههای مرغوب دارد: شرح اربعین، شرح مدارک، فوائد رجال، جامع الشتات در متفرقات، حاشیهء اربعین شیخ بهائی، حاشیهء آیات الاحکام اردبیلی، هدایهٔ الفؤاد در معاد، رسالهء امامت، رسالهء حرمهٔ غنا در رد آخوند ملا محمد باقر سبزواری، رسالهء فارسیه رد بر صوفیه، و رسالهای در ما لا یتم فیه الصلاهٔ، ورسالهء رضاع در رد میر داماد، رسالهای در

تفصیل عید نوروز که چه روزی است، ورسالهء ابطال زمان موهوم، شرح دعای صباح، و رساله‌ای در فضل اولاد فاطمه (سلام الله علیها) و این که نسب شریف که از مادری منتسب به آن حضرت باشد در این فضیلت داخل است. و خود آن بزرگوار خیلی اخلاص و محبت به سادات فاطمیه داشته، و رساله‌های دیگر هم

(۳۸)

صفحه مفاتیح البحث: السیدة فاطمة الزهراء سلام الله علیها (۱)، مدینة إصفهان (۵)، الشیخ البهائی (۱)، الزهد (۱)، الرضاع (۱)، الصّلاة (۱)

در تعیین قبر فاضل هندی و شمه‌ای از حالات آن بزرگوار و مصنفات او

دارد، گفته اند به قدر صد و پنجاه کتاب و رساله است.

و کرامات بسیار و مقامات بلند از آن بزرگوار معروف و منقول است.

و بسیاری از کاملین از علماء از شاگردان ایشان بوده، مثل: آخوند ملا مهدی نراقی، و آقا محمد بید آبادی، و آقا میرزا ابو القاسم مدرس اصفهانی، وملا محراب حکیم.

مادة تاریخ أو ": خانهء علم منهدم گردید (" ۱).

و در قرب و اطراف قبر مرحوم آخوند نیز قبور علماء و صلحاء بسیار است.

در تعیین قبر فاضل هندی وشمه أی از حالات آن بزرگوار و مصنفات او و از اینجا بالا می‌روی می‌رسد به قبر فاضل هندی که" فاضلان (" ۲) هم می‌گویند، سکویی بسته و دو قبر در بالای آن است که سنگ راست بالای سر آنها نصب کرده اند، بیرون سنگ سیاه و در توی آن سنگ مرمر کار کرده اند، قبر عقبی قبر فاضل هندی است. و اسم آن بزرگوار محمد بن تاج الدین حسن، اصل او اصفهانی است که علماء هم تعبیر می‌کنند در کتابها به فاضل اصفهانی.

در اوایل امر در بلاد هند نشو و نما نموده و مخالفین را در مباحثات ملزم نموده، به " فاضل هندی " ملقب شده، و از شاگردان مجلسی بوده. و در اواخر دولت صفویه بوده. و گویند: شاه سلطان حسین برای تعلیم مسائل حرم، غیر بالغی خواسته (۳)، گویا مجلسی او را معین نموده، وقتی چشمش را گرفته، بیرون

۱ - این مادة تاریخ را دبیر، شاعر اصفهانی در ضمن قطعه أی گفته است.

۲ - چون قبر حاج ملا محمد نائینی نیز در پهلوی قبر فاضل هندی است لذا این مکان را " فاضلان " نیز گفته اند. رک ": ریحانة الادب، " ج ۴ / ۲۸۵.

۳ - تولد فاضل هندی ۱۰۶۲ بوده، وبلوغش ۱۰۷۷ مقارن با سلطنت شاه عباس ثانی بوده، فتأمل.

(۳۹)

صفحه مفاتیح البحث: محمد (بن) تاج الدین (۱)، القبر (۸)

آمده، بعد گفته: این وقت بالغ شدم ترسیدم چشمم به آنها بیفتد.

و پدر بزرگوار او تاج الدین حسن، از جملهء علماء کاملین و استاد فاضل بوده. و اصل او را بعضی فلاورجانی (۱)، و بعضی رویدشتی نوشته اند، و جمعش هم ممکن است.

فاضل، کتابهای خوب دارد: کشف اللثام در فقه که شرح بر قواعد علامه است، در اولش اظهار نموده که: از تحصیل به معقول و منقول فارغ شدم و هنوز سیزده سالم تمام نبود، مناهج السویه در شرح بر شرح لمعه، کتاب شرح قصیدهء حمیری، وملخص التلخیص و شرح آن، رسالهء کلید بهشت در اصول دین، تلخیص شفاء در حکمت، شرح عوامل، تفسیر، وزبده أی در اصول دین، وخور

البدیعهٔ فی اصول الشریعهٔ و غیر اینها.

و کمالات و مقامات این بزرگوار مشهور است، و مؤمنین مخصوصا به جهت بر آمدن حاجت به سر قبر او به زیارت می‌روند و توسل می‌جویند. بسا باشد که بعضی از مؤمنین تخت فولاد می‌روند محض زیارت فاضل و اکتفا به زیارت آن بزرگوار نموده به مزارهای دیگر نمی‌روند، که او را اهم از همه می‌دانند.

وفات آن بزرگوار در ماه رمضان سنهء (۱۱۳۷) هزار و صد و سی و هفت، و بعضی سی و یک گفته اند. و دور نیست اول درست تر باشد که در زمان غلبهء افغان در اصفهان وفات نموده باشد، و اگر پیشتر بود قبر او باید دستگاه و عمارت داشته باشد.

و در همین سنه، بزرگان بستگان شاه سلطان حسین را افغان کشت و خودش را هم حبس نموده و نگاه داشته تا در صد و چهل شهیدش کردند.

۱ – فلاورجان، معرب پل ورگان است که قریب چند فرسخ بالای اصفهان است. مؤلف رضوان الله علیه.

(۴۰)

صفحه مفاتیح البحث: کتاب کشف اللثام للفاضل الهندی (۱)، شهر رمضان المبارک (۱)، مدینهٔ إصفهان (۲)، القبر (۲)

در ذکر قبر مرحوم حاجی ملا محمد نائینی و شرح حال او

در ذکر قبر مرحوم حاجی ملاـ محمد نائینی و شرح حال او و جلوی روی قبر فاضل، قبر حاجی ملا محمد نائینی است، که از اهل علم و تقوی بوده و شوهر همشیرهء حاجی کرباسی (اعلی الله مقامه) بوده و یک وقت امامت مسجد حکیم را به او واگذار نموده و مؤمنین و مقدسین بسیار به او اعتماد داشتند و این هم از آثار جلالت او است که با فاضل کذائی، قرین و هم عنوان شده.

و پسری داشت اسم او آقا علی رضا مجاور عتبات عالیات که اغلب سند خوابهای صادقه مؤثره که جناب حاجی میرزا حسین نوری که از علماء متتبعین عصر و از مخصوصین حضرت حجهٔ الاسلام آیهٔ الله حاجی میرزا حسن شیرازی (اعلی الله مقامه) که مجدد المذهب و رئیس الملهٔ در این مأهٔ بودند، بوده است. در کتاب " دار السلام " که در رؤیا نوشته و کتاب پرفائده‌ای است واسطهء نقل آقا علیرضای مرقوم است. و از اهل زهد و ریاضت و مواظبت اعمال و عبادات در آن عتبات بوده. در کربلا وفات نموده و مدفون شد.

بعد طرف پائین پای قبر فاضل متصل به سکو، قبر آقا میر محمد حسین است که برادر مرحوم آقا میر سید حسن مدرس است. و او نیز از علماء و فضلاء و ائمهء جماعت و محل اعتماد خلق بوده و هست.

قدری جلوتر سکویی بسته است. در آن، قبر حاجی سید یوسف خراسانی از علماء و ائمه جماعت در اصفهان که فعلا هم امامت مسجد جارچی و مسجد حاجی رضا با اولاد او است.

و جلو روی قبر فاضلان قدری فاصله، قبر حاجی میرزا علی نقی زنجانی است که از علماء اصفهان و امام جماعت در مسجد خیاطها که به اسم خود ایشان نیز می‌گویند و صاحب تصنیف و تألیف و فعلا هم امامت مسجد با اولاد واحفاد آن مرحوم است.

(۴۱)

صفحه مفاتیح البحث: مدینهٔ کربلاء المقدسهٔ (۱)، مدینهٔ إصفهان (۲)، القبر (۸)، الزهد (۱)، الحج (۱)، السجود (۴)، الدفن (۱)

در بیان حال میرزا رفیعا و مصنفات آن مرحوم و بعضی از علماء و اجلاء

در بیان حال میرزا رفیعا و مصنفات آن مرحوم و بعضی از علماء واجلاء بعد از آن برگردی مقابل قبر فاضل طرف دست راست راه که میان تخت فولاد و به طرف شیراز می‌رود – به فاصلهء زیادی – تکیهء میرزا رفیعا است که گنبدی هم دارد و از بنای شاه سلیمان

صفوی است و در توی عمـارت میـان آن، قبر مرحوم میرزا رفیعـای نـائینی است که از جمله علمـای کاملین بوده. قبر او توی ایوانچه جلو گنبد است. صاحب تصنیف و تألیف، و کتابهای بسیار وقف نموده که فعلا نزد اولاد اوست، و محل انتفاع علما است.

و اولاد او ساداتی هستند اردستانی، دور نیست بعد از آن مرحوم به اردستان رفته اند.

و آن بزرگوار از بزرگان علماء زمان شاه صـفی بوده، و کتاب شـجره الهیه در اصول دین فارسی برای شاه نوشته، و رسالهء ثمره هم نوشته (مختصر شجره)، و رسالهء تشکیک وحواشی بر مختلف علامه، و شرح اصول کافی. و از استادهای مجلسی است.

وفات او در هزار و هشتاد یا هشتاد و دو.

و بیرون عمارت طرف جلو رو که با قبر میرزا رفیعا که توی عمارت است فاصـله کمی دارد، قبر مرحوم میرزا محمد علی میرزا مظفر است. سـنگ سیاهی روی قبر اوست به خـط رقـاع نوشـته و آن بزرگوار از زهـاد و از دنیـا گذشـته‌های کامل و عالم و فاضل و امام مسجد علی بوده.

گوینـد هیزم و روغن چراغ خود از بازار می‌گرفته، وقت امامت کنار محراب می‌گـذارد، من بعد به خانه می‌برده و با وضع فقر کمال مواظبت در آداب شریعت داشته. از بیاعتنائیهای او به دنیا وضعهای غریب نقل می‌کنند: گویند وقتی

(۴۲)

صفحه مفاتیح البحث: القبر (۶)، السجود (۱)

در ذکر حال بابا رکن الدین و بعضی از علما و صلحا

پادشـاه آقـا محمـد خان قاجار به دیـدن او می‌رفته، نوکرها دیـده بودنـد میرزا از بیرون می‌آیـد در حالتی که زیر جامه یا لباس دیگر خود را برده شسته و سر چوبی کرده که بخشکد و می‌آید توی خانه. و از این گونه زهدها خیلی از او واقع شده. و از مردمان عارف و بزرگ، اظهار کمال اعتقاد آن بزرگوار شده و می‌شود.

از آنجا از تکیهء میرزا رفیعا قدری پائین، عمارت چهار طاقی است، در میان آن قبر مرحوم آقا سـید محمد کتاب فروش مشهور میان عمارت که از جمله علماء و فضلاء اصفهان و بسیار معمر شده بود.

و قبر مرحوم آقا میر محمد صادق ولد او که ملقب به کتابفروش معروف شده و از جملهء فقهاء ممتازین اصـفهان بودند، و نزد علماء اصـفهان به فقاهت معروف بودنـد، و فرد گوشه گیر و مشـغول تحصـیل و مطالعه و تـدریس و اهل تهجـد و عبادت بودند. شاگردان ایشان در اصـفهان فعلا بسیارند. حقیر نیز در زمان سـطح خوانـدن مـدتی شـرح لمعه خـدمت ایشان می‌خوانـدم. و نوشـتجات خوب متفرقه در فقه دارند.

در ذکر حال بابا رکن الـدین و بعضـی از علما و صـلحاء بعـد از آن برگردی جلو تکیهء میرزا رفیعا، می‌رسد به تکیه بابا رکن الدین که گنبـد ترک ترکی دارد در توی گنبـد آن دست چپ، در ایوان، قـبر بابـا رکن است. و او از فضـلاء و عرفـا بوده، مرحوم حـاجی کرباسی اعتماد تامی به او داشته، مخصوصا به زیارت او می‌رفته.

وآخونـد ملا محمـد تقی مجلسـی وشـیخ بهائی هم اظهار جلالت شأن از او نموده که آخونـد نقل نموده با شـیخ بهائی بر سـر قبر او رفتیم، شیخ بهائی به من فرمودند: شنیدی چه گفت؟ عرض کردم: چیزی نفهمیدم، فرمودند: خبر وفات مرا دادند.

(۴۳)

صفحه مفاتیح البحث: مدینة إصفهان (۴)، الشیخ البهائی (۳)، القبر (۳)، الزهد (۱)، اللبس (۱)

در بیان قبر مرحوم شیخ محمد تقی (ره) و شرح حال و مصنفات آن مرحوم و بعضی از علما و صلحا و اجلاء

و این مطلب از آخوند در شرح مشیخه نقل شده. آنچه ذکر شد اجمال آن واقعه است.

ولی بعضی از علماء او را سنی وصوفی دانسته. و بابا شرحی بر فصوص محیی الدین نوشته. و جمعی از علماء محیی الدین را از زنادقهٔ شمرده اند، ولی از بعض کلمات شیخ بهائی تمجید محیی الدین نیز مستفاد می‌شود.

علی کل حال مناسب آن است که زیارت بابا به رجاء و امیدواری شیعی و کامل بودن به ملاحظهٔ اخبار و اعتماد بعضی علماء بشود.

و در ایوان بیرون جلو گنبد کنار دیوار طرف راست قبر مرحوم آخوند ملا حسن نائینی است که مردی زاهد بوده در مدرسه نماورد منزل داشته. در لباس و خوراک نهایت پستی صرف می‌کرده و توی اطاق قدری جل کهنه داشته که زیر او می‌رفته و شب بیدار و خیلی به دنیا بی اعتناء بوده.

در علم حکمت و بخصوص در ریاضی با اطلاع، بلکه مسلط بوده. خیلی از بزرگان اصفهان مرید او بوده اند و اعتنائی نمی‌کرده. بعضی از موثقین بعضی مقامات درباره او نقل می‌کنند و اعتقاد دارند.

در بیان قبر مرحوم شیخ محمد تقی (ره) و شرح حال و مصنفات آن مرحوم و بعضی از علماء و صلحاء واجلاء از تکیه بابا رکن که بیرون آیی دست چپ قدری پائین‌تر تکیهء مادر شاه زاده است و تکیه شیخ محمد تقی هم می‌گویند، تکیهء خوبی است و در آن جماعتی از علماء و کاملین مدفونند. در عمارت میان تکیه وسط آن قبر مادر شاه زاده است که دایهء سیف الدولهٔ بوده و به توصیت او ووجه او این تکیه بنا شده، و وصی او مرحوم شیخ محمد تقی بوده.

و جلو روی او قبر مرمرین و بلند بسته است، قبر مرحوم شیخ محمد تقی (اعلی

(۴۴)

صفحه مفاتیح البحث: مدینهٔ إصفهان (۱)، الشیخ البهائی (۱)، القبر (۵)، اللبس (۱)

الله مقامه) است. وجلالت شأن و مقامات آن بزرگوار در علم و عمل محتاج به بیان نیست. مجاهدات و ریاضات و کمالات نفس آن بزرگوار و بعضی استبصارات وختومات از او در نزد اهل معرفت معروف است. و در مقام علم او کتاب حاشیهء معالم که نام او را " هدایهٔ المسترشدین " قرار داده، و در میان علماء حاشیهء شیخ و حاشیهء مطلق که گویند این کتاب است.

بس است در بلندی تحقیق و بلندی وتبحر ذهن و فکر او که می‌توان گفت اکثر تحقیقات اصولیهء این زمانها در پیش علماء، مأخوذ از آن بزرگوار است.

و اصل ایشان از ایوان کیف (۱) بوده، و از شاگردان شیخ جعفر نجفی - که پدر زن او است - بوده، و آقا سید محسن کاظمینی و آقا سید علی صاحب شرح کبیر نیز بوده.

و مرتبهء فضل ایشان زیاده از این است که نقل توان نمود، اول در احمد آباد درس می‌گفتند از اطراف اصفهان فضلا حاضر می‌شده اند. بعد در مسجد شاه درس می‌گفته. قریب سیصد نفر مجلس درس او حاضر می‌شده. و کتاب فقه استدلالی هم نوشته و رسالهء عملیه فارسیه هم دارد. و وفات او سنهء هزار و دویست و چهل و هشت (۱۲۴۸) بوده و او داماد مرحوم شیخ فقیه کبیر شیخ جعفر نجفی است که دختر مرحوم شیخ هم عالمه و عامله (۲)، و در همین عمارت جلو روی قبر شیخ، مدفونه است.

و فرزند ایشان مرحوم حاجی شیخ محمد باقر (اعلی الله مقامه) بود که آثار سعادت دارین از او به ظهور رسیده و به زیارت عتبات عالیات مشرف شده، بعد از زیارت امیر المؤمنین (علیه السلام) در نجف اشرف وفات نموده، در سنه هزار و

(۱) ایوان کیف، در راه مشهد دو منزلی طهران است. مؤلف (ره).

(۲) نسمه خاتون نام داشته و در حدود ۱۲۹۵ وفات کرده. رک ": رجال اصفهان / " ۷۳ و " تذکرهٔ القبور " استاد مهدوی / ۳۷.

(۴۵)

صفحه مفاتیح البحث: الإمام أمیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیهما السلام (۱)، مدینهٔ إصفهان (۲)، القبر (۲)، السجود (۱)، النوم

(۲)، مدينة طهران (۱)، الشهادة (۱)

سيصد و يك (۱۳۰۱)، و در قرب قبر مرحوم شيخ جعفر مدفون است.

و اولاد امجاد ايشان فعلا- از رؤساء علماء ايران و در اصفهان مرجع خلق، در احكام و مرافعات پناه مردم هستند در بسيارى از ابتلاءات. و گويا از اثر خلوص و جلالت آن بزرگواران در اولاد ايشان علم و رياست باقى و با استمرار است.

و در همين گنبد پشت سر قبر مادر شاهزاده قبر مرحوم آخوند ملا محمد صالح جويباره‌اى است و آن بزرگوار از علماء اين اعصار در مسجد معروف به مسجد شيره پزها، قرب ميدان كهنه امامت مى‌نموده و مرجع در فتوى و مرافعات بوده و صاحب نوشته‌جات و جواب و سؤالات بوده. و مسجدى هم طرف جويباره و طوقچى به اسم ايشان تعمير يافته. وفات او در سنهء هزار و دويست و هشتاد و پنج (۱۲۸۵) و فعلا هم در مسجدهاى آن مرحوم اولاد ايشان امامت دارند.

و ولد ارشد ايشان حاجى ميرزا محمد مهدى جويباره أى است كه از علماء و مرجع در مرافعات و احكام اصفهان هست.

و زوجهء آن مرحوم دختر مرحوم آقا سيد صدر الدين (اعلى الله مقامه) كه با سواد و علم و معرفت بوده در جنب آن مرحوم پشت سر او مدفون است.

و طرف بالا سر مادر شاهزاده قبر مرحوم حاجى ميرزا زين العابدين خونسارى است كه صاحب نسب عالى است. روى قبر او نسب او را تا به امام، معين نموده و اين بزرگوار از كسانى است كه مردم كمال اعتقاد و اخلاص به او داشته بلكه فعلا بر سر قبر او استمداد مى‌جويند و از خداوند حاجت مى‌خواهند و به تجربه رسيده بود كه نذر ايشان زود اثر مى‌بخشيده و نذورات براى او مى‌آوردند و از اهل علم و عمل و تقوى. و در دعائى كه مى‌نوشته اثر تامى يافته بودند مانند پدر بزرگوارش آقا سيد ابو القاسم - كه اسم او آقا سيد جعفر بوده - و جد او مرحوم آقا سيد حسين مجتهد خونسارى است كه استاد ميرزاى قمى بوده است.

(۴۶)

صفحه مفاتيح البحث: دولة ايران (۱)، مدينة إصفهان (۲)، القبر (۶)، السجود (۲)، الدفن (۲)، الجنابة (۱)

در ذكر بعضى از مصنفات مرحوم والد آقا ميرزا محمد هاشم چهارم سوقى

و گويا از بركات انفاس شريفهء آن مرحوم است كه اولاد امجاد او از رؤساء علماء ايران و در اصفهان مرجع احكام وملجأ انام و بعضى در علم و عمل و فضل كم نظير، و دو نفر از اولاد آن مرحوم اعلم واكمل از ساير اولاد بلكه قليل النظير در بلاد، يكى مرحوم آقا ميرزا محمد باقر چهار سوقى كه ذكرش بعد مى‌آيد، ديگرى مرحوم آقا ميرزا محمد هاشم كه اين بزرگوار از محققين و متبحرين علماء و مجتهدين بوده.

در ذكر بعضى از مصنفات مرحوم والد آقا ميرزا محمد هاشم چهار سوقى (ره) ومرحوم حاجى ميرزا زين العابدين مذكور بر حسب آنچه آقاى ولد اكبر مشار إليه ايشان مذكور داشته صاحب كتابها و تصنيفات است:

شرح بر معالم اصول، شرح زبدهء شيخ بهائى، رساله‌اى در قواعد عربيه، رسالهء اجماع، رسالهء تداخل اسباب، رسالهء نيت، رسالهء احباط و تكفير، رسالهء نوادر الاحكام، رسالهء تعارض حقيقة مرجوحه و مجاز راجح، حواشى بر كتب علامه، خطب و اشعار بسيار، و صلواتى كه انشاء كرده.

فوت او سنهء هزار و دويست و هفتاد و پنج (۱۲۷۵). و از اولاد امجاد آن مرحوم و اقارب او در اين گنبد و اين تكيه مدفونند كه مخصوصا به زيارت آنها مى‌روند.

و بيرون گنبد توى تكيه، دست راست، درب تكيه قبر حاجى صادق تخت فولادى كه در همين تكيه منزل كرده بوده، و شب بيدار بوده، و جمعى اعتقادات بسيار به او داشته اند، اگر چه عامى بود، مردم اعتقادى به او داشتند كه به نبات دعا مى‌خواند و مى‌داد براى

صدمه جن یا بعضی صدمات و ابتلاءات، خیلی محل اعتماد بوده نزد عوام شهر و دهات، از این جهات.

(۴۷)

صفحه مفاتیح البحث: دولة ایران (۱)، مدینة إصفهان (۱)، الشیخ البهائی (۱)، القبر (۱)

در شرح حال آقا محمد بید آبادی

در شرح حال آقا محمد بید آبادی (ره) و بیرون این تکیه طرف دست راست برگردی، طرف پشت تکیه - که پشت تکیهء خونساریها هم می‌شود - قبر مرحوم آقا محمد بید آبادی - که ولد ملاـ محمد رفیع است - عمارت چهار طاقی دارد که در این زمانها جناب میرزا سلیمان خان رکن الملک - که نایب الحکومهء اصفهان است و از اولاد خلف به یک که موقوفاتی از او در اصفهان و توابع آن هست، می‌باشد بنا نهاد چنانچه طاق گنبد و تعمیرات تکیهء مرحوم حاجی محمد جعفر را نیز او بنا نهاد، و تعمیر تکیهء میر نیز او نموده و بنای مسجد بزرگی هم این اوقات پائین تکیهء حاجی محمد جعفر نهاده و گویند آن مرحوم خودش فرموده بوده تکیه و دستگاه بنا نکنند.

و این بزرگوار در زهد و ورع و تقوی و ریاضات ممتاز بلکه معروف است. از او کرامات بسیار ظاهر شده، و فعلا نیز در زیارت قبر او مردمان بزرگ استمدادات و توسلات بلکه مواظبت به زیارت او از جمله ختومات قرار داده شده است.

و از جمله علماء کاملین بخصوص در حکمت و کلام و از شاگردان مرحوم میرزا محمد تقی الماسی - که از نوادهء مجلسی است - بوده، و جمعی از محققین علما و حکما در خدمت او درس خوانده اند مانند مرحوم میرزا ابو القاسم اصفهانی مدرس مدرسهء چهار باغ، و آخوند ملا علی نوری که استاد حکماء این اعصار بوده، وملا محراب حکیم عارف مشهور، و حاجی محمد ابراهیم کرباسی که بعد از فوت پدر حاجی، او وصی بوده و مواظبت حال حاجی را داشته که اوایل تکلیف، حاجی را روانهء حج نموده و در تواضع به حدی بوده که از سوار شدن الاـغ رعیتی و رفتن بیرونها امتناعی نداشته. و سلاطین و حکام کمال احترام و اظهار اخلاص به او می‌نموده و او اعتنائی نداشته، بلکه کراهت از آمد و شد و ملاقات داشته

(۴۸)

صفحه مفاتیح البحث: زیارة القبور (۱)، مدینة إصفهان (۲)، القبر (۱)، الزهد (۱)، الحج (۱)، السجود (۱)

در ذکر حال آقا حسین خونساری و مصنفات آن بزرگوار

و چون نماز جمعه را واجب عینی می‌دانسته هر جمعه می‌رفته به قریهء رنان نماز جمعه می‌کرده. حاجی کرباسی نقل کرده که در سال گرانی و تنگی اصفهان آقا محمد خود و عیالش تا شش ماه به زردک خام یا پخته اکتفا کرده با کمال شعف و بدون کراهت و انزجار. و معروف است که علم کیمیا داشته بلکه طلائی که او می‌ساخته اگر یک چهار یک آن را داخل سه چهار یک طلای بد می‌کردند، تمامش خوب می‌شده. وفات او سنهء هزار و صد نود و هفت (۱۱۹۷).

وحواشی بسیار بر کتب حکماء و علماء نوشته، و از او بعض نوشته‌جات ارشاد و هدایت و موعظهء مریدین و کاملین در نزد اهل سلوك هست.

و جلو روی قبر آقا محمد قدری پائین سکو، قبر میر معصوم است که ظاهرا از علماء واجلاء بوده. سنگ بلندی بالای سر قبر بلند کرده است، شبیه قبر فاضل هندی و مردم اعتقاد تامی به او دارند در زیارت قبر او، و او از سلسلهء سادات پای قلعه است. و منقول است که آقا محمد خوابی در جلالت قدر او دیده، وصیت نموده نزدیک او دفن نمایند و کثرت اعتماد مردم به او از این جهت است.

و باز بعضی قبور دیگر هم هست در این اطراف که مخصوصا به زیارت آنها می‌روند.

در ذکر حال آقا حسین خونساری (ره) و مصنفات آن بزرگوار و از آنجا دست راست بر می‌گردد تکیهء خونساریها که وصل به تکیه مادر شاهزاده است و در توی گنبد ایوان جلو آن قبر آقا حسین (۱) و آقا جمال خونساری است. قبر آقا حسین جلو است و آن بزرگوار از محققین علماء و مجتهدین کاملین است، و در حق او گفته اند استاد الکل فی الکل، و استاد البشر بل العقل

(۱) میرزا ابو المعالی کرباسی رساله‌ای در " ترجمه احوال آقا حسین خوانساری " نوشته که مرحوم معلم حبیب آبادی بر آن حواشی غیر مدون دارد.

(۴۹)

صفحه مفاتیح البحث: زیارة القبور (۱)، مدینة إصفهان (۱)، القبر (۷)، الدفن (۱)

الحادی عشر. او در میان محققین کم نظیر و در فقه شاگرد آخوند ملا محمد تقی مجلسی است و در حکمت و معقول، شاگرد میر فندرسکی است و آخوند ملا حیدر خونساری صاحب زبدة التصانیف.

و اجازه از آخوند ملا محمد باقر مجلسی و آخوند ملا محمد باقر سبزواری و غیر ایشان دارد. و خواهر سبزواری زوجهء او بوده، و در خانهء سبزواری منزل کرده بود.

و شاگردهای او جماعتی از علماء محققین اند مانند آقا جمال و آقا رضی فرزندان ایشان و آقا میر محمد صالح خاتون آبادی - داماد مجلسی - وملا میرزا شیروانی، وشیخ جعفر قاضی، و سید نعمة الله جزائری، و فاضل سراب، وملا علی رضا تجلی شیرازی و غیر ایشان.

اوایل امر در مدرسهء جنب مسجد شیخ لطف الله تحصیل می‌کرده و خیلی سخت بر او می‌گذشته از خودش نقل شده که شب زمستان یک لحاف پاره داشته دور خود می‌گرفته و توی حجره راه می‌رفته که از سرما آسوده باشد، و آخر به جائی رسیده که گویند منزل شاه سلیمان آمد، شاه جبهء جواهر نشانی پوشیده آقا دست زیر آن جبه کرده و تعریف نموده، بعد از رفتن، شاه جبه را فرستاد برای آقا با عذر خواهی.

و آن بزرگوار کتابهای خوب نوشته: مشارق الشموس شرح دروس در طهارت است و ناتمام است و خیلی با تحقیق است، رساله‌ای در توحید، حاشیه بر شرح اشارات، و رسالهء مقدمهء واجب در رد سبزواری، و رساله در رد بر مدقق شیروانی، و رساله‌های رفع شبهات، شبههء ایمان و کفر، و شبههء استلزام، و شبههء طفره و غیر اینها از حواشی بر شرح اشارات، و حاشیهء جلالیه و غیر اینها. و عمدهء زحمات او در کلام و حکمت بوده و استحکام قواعد ایمان اسلام نموده و بواسطه او کسر سورت حکماء شده. و اشعار خوب و خطب و انشاءات خوبی

(۵۰)

صفحه مفاتیح البحث: کتاب مشارق الشموس للمحقق الخوانساری (۱)، السجود (۱)، الجنابة (۱)

در شرح حالات آقا جمال خونساری و مصنفات آن مرحوم

دارد. و سنگ قبر او یشم گران بها بوده و افغانها شکسته اند و بعد از مدتی سنگ آن تازه شده که خط سنگ او با قبر آقا جمال یکی است.

وفات او سنه هزار و نود و نه (۱۰۹۹)، مادهء تاریخ ": امروز هم ملائکه گفتند یا حسین " و به عربی " ادخلی جنتی."

در شرح حالات آقا جمال خونساری و مصنفات آن مرحوم و در جنب آن قبر آقا جمال خونساری ولد آقا حسین است که در فضل و کمال معروف و در علم حکمت و کلام و اصول و فقه دانا و در اصفهان ریاست تدریس با او شده. خیلی از علماء از مجلس

درس او برخاستند و با آخوند ملا محمد باقر مجلسی معاصر بودند. و خودش نزد آقا حسین مرحوم والد خود و نزد آخوند ملا محمد باقر سبزواری خالوی خود درس خوانده. و معروف است از او شوخی‌ها و خوش طبعیها به حیثیتی که شوخیها که نقل می‌شود و می گویند اگر از او نباشد هم نسبت به او می‌دهند مثل مرحوم حاجی محمد جعفر آباده‌ای در این اواخر.

و صاحب کتابهای خوب است مثل: حاشیه أی بر شرح لمعه که بسیار با تحقیق و پر فائده است، و ترجمه مفتاح الفلاح شیخ بهائی در اعمال و ادعیهء شبانه روزی، خیلی پر فائده، حاشیه شرح مختصر، حاشیه أی بر حاشیهء ملا میرزا جان، و حاشیه‌ای بر حاشیهء خفری، وحواشی بر کتاب تهذیب حدیث، حاشیه أی بر من لا یحضر، و حاشیه‌ای بر شرایع، و حاشیه‌ای بر شفاء، و حاشیه‌ای بر شرح اشارات، و شرح فارسی بر غرر ودرر، و شرح حدیث بساط، و رساله نیۀ، و رساله صلوۀ جمعه، و غیر اینها.

وفات او سنهء هزار و صد و بیست و پنج (۱۱۲۵).

و نقل شده است که قبر مرحوم آقا رضی برادر کوچکتر آقا جمال، پشت قبر آقا جمال است که عالم فاضل کامل، و شرح دروس را صوم و اعتکاف آن را تمام

(۵۱)

صفحه مفاتیح البحث: کتاب مفتاح الفلاح للبهائی العاملی (۱)، مدینۀ إصفهان (۱)، الشیخ البهائی (۱)، القبر (۴)، الصیام، الصوم (۱)، الجنابۀ (۱)

در شرح حال مرحوم حاج ملا حسینعلی تویسرکانی و مصنفات آن مرحوم

نموده آثار فضل و تحقیق از آن کتاب ظاهر می‌شود و دور نیست زمان افغان، مرحوم شده. آثار قبر هم به نحو واضح معلوم نشده است.

در شرح حال مرحوم حاجی ملا حسین علی تویسرکانی و مصنفات آن مرحوم و طرف پائین پای آقا حسین و آقا جمال قدری جلو تر که دم ایوان می‌شود، قبر مرحوم حاجی ملا حسین علی تویسرکانی است که آن بزرگوار نیز در اصفهان ریاست تدریس و فتوی داشتند. بسیاری از علماء و فضلاء از مجلس درس ایشان برخاستند و زیادتی منفعت درس ایشان و ممتاز بودن مجلس درس ایشان در شهر مشهور بود. و بسیاری از عوام و خواص نیز تقلید ایشان می کردند. امام جماعت مسجد ایلچی محله احمد آباد بودند و به جهت احتیاط در نماز جمعه، جمعه‌ها را به درچه می‌رفتند نماز جمعه می کردند، چون آنجا مزرعه أی داشتند و عمده تحصیل او نزد مرحوم شیخ محمد تقی (اعلی الله مقامه) بوده - چنانچه از ملاحظهء کتاب فصل الخطاب او معلوم می‌شود - و در تقوی و قدس هم معروف و کامل بود.

و کتابهای خوب نوشته: کشف الاسرار، شرح شرایع که فقه استدلالی است، یازده جلد، مقاصد العلیه حاشیه بر قوانین، فصل الخطاب در اصول، کتابی در اصول دین و اخلاق مسمی به نجاۀ المؤمنین، بسیار کتاب مختصر مفید پرفائدهء خوبی است، و رسالهء رد بر حاجی کریم خان، و رسالهء رد بر رد که به وضع ملائمت نوشته، کتاب خوبی است، وجامع عباسی را هم حاشیه کرده و باز هم نوشتجات و جواب مسائل دارند.

وفات آن مرحوم در سنهء هزار و دویست و هشتاد و شش (۱۲۸۶) ایام گرانی اصفهان که سال بعد سخت تر شد و از برای آن مرحوم لحد آماده ساخته پیدا شد.

(۵۲)

صفحه مفاتیح البحث: کتاب فصل الخطاب لسلیمان أخ محمد بن عبد الوهاب (۲)، مدینۀ إصفهان (۲)، القبر (۱)، السجود (۱)، الکرم، الکرامۀ (۱)

در شرح حال مرحوم آخوند ملا محمد باقر فشارکی و مصنفات آن مرحوم

و طرف بالا سر حاجی در ایوان قبر مرحوم حاجی سید علی بروجردی است که از علماء اصفهان و امام جماعت و مرجع بود.
در شرح حال مرحوم آخوند ملا محمد باقر فشارکی و مصنفات آن مرحوم در محلهء درب کوشک و جلو آن که دم ایوان میشود قبر مرحوم آخوند ملا محمد باقر فشارکی است که منبع فوائد کثیره برای عوام و خواص بودند. شصت و سه سال عمر کردند و در شهر رجب سنهء هزار و سیصد و چهارده (۱۳۱۴) وفات کردند. امام مسجد غدویه (قدویه) یا قطبیه که در خیابان چهار سوق شیرازیها است و مسجد محلهء نو و احیای شبهای جمعه و غیرها در تخت فولاد در مسجد مصلی از ایشان رواجی تام داشت که فعلا از رشتهء آن مرحوم در اصفهان در تخت فولاد و توی شهر در مساجد و غیرها این احیاءات رواجی گرفته.
و منبری داشتند برای عوام و خواص پر منفعت که بسیاری از آقایان بلوکات و غیرها بیانات منبری آنها مأخوذ از اوست، و عوام مریدهای آن مرحوم از مطلعین بر اخبار و اصول و فروع و غیرها بوده اند و هستند. درسی هم داشتند خوش ترتیب و با سلیقه، جمعی از فضلا از مجلس درس ایشان برخاستند. و کتابهای پر فائده دارند در فقه: رساله رضاع، رسالهای در شرط، رسالهء حیض، رسالهء عدم جواز صلح حق الرجوع، رسالهء قرعه، رسالهء شهرت، رسالهء عدم لزوم تقلید اعلم، رسالهء منجزات مریض، رسالهء صحت عبادت جاهل مطابقهء با واقع، رسالهء غنا، رساله ء طهارت، رسالهء خیار عیب، رسالهء تداخل اسباب، وحواشی هم بر قوانین و فرائد ومتاجر که اینها جزئی است، و حاشیه فارسی بر شرح لمعه، و عنوان الکلام که شرح دعاهای هر روزهء ماه مبارک رمضان است که عنوان مجالس

(۵۳)

صفحه مفاتیح البحث: شهر رجب المرجب (۱)، شهر رمضان المبارک (۱)، مدینة إصفهان (۲)، صلح (یوم) الحدیبیة (۱)، القبر (۲)، السجود (۴)، الرضاع (۱)، الجهل (۱)، الحیض، الإستحاضة (۱)، الإختیار، الخیار (۱)

در بیان تکیهء آقا رضی و قبر آقا میرزا محمد باقر پیشنماز مسجد عباسی

مواعظ قرار داده و اهل منبر به جهت ارشاد خلق همیشه در کار دارند، و چند عشریه که چند مجلس دهه محرم است، ذخیرة المعاد در اصول دین که قدری نا تمام است، و رسالهء آداب الشریعة، و رسالههای دیگر از چهل حدیث، و اصول دین، و فروع دین و ادعیه مختصره پر فائده که مکرر چاپ خورده و محل انتفاع عامه است.
و جلو روی قبر مرحوم حاجی که جلو ایوان توی صحن تکیه میشود، قبر مرحوم آقا سید شفیع شوشتری است، از اولاد مرحوم سید نعمة الله جزائری صاحب " - انوار نعمانیه " است - و سنگی راست بالا سر قبر او هست. و آن مرحوم از علماء و فضلاء اصفهان بوده و در خصوص علم رجال هم خیلی مهارت داشته، حواشی بر شرح کبیر نوشته، فوائد متفرقه در رجال و غیره دارد.
و ولد آن مرحوم آقا سید محمد از علماء گوشه نشین، فاضل و مدرس و مطلع برفقه و رجال در سنه هزار و سیصد و بیست و سه (۱۳۲۳) وفات یافته، در تکیه مرحوم آقا میر سید محمد شهشهانی مدفون شده.
بالا- سر قبر آقا سید شفیع قبر سنگ مرمری است، قبر مرحوم آقا میرزا حیدر علی که از اولاد ملا عزیز الله - که از اولاد مرحوم مجلسی بوده - میباشد، و از اهل علم و فضل بوده. و از توی گنبد محاذی در تکیه از طرف بالا که بیرون روی در ایوانچه بیرون متصل به گنبد دست چپ قبر آخوند ملا محمد صادق پیکانی است که از جملهء علماء و فضلاء کاملین بود، و از شاگردان مرحوم شیخ مرتضی انصاری، و او در اصفهان مدتی مشغول تدریس بوده و امید ترقیها و ریاست کامل در حق او بود طلاب هم دور او را گرفته بودند، ملای با تحقیق و تدقیق بوده ولی دنیا با او موافقت نکرده به زودی مرحوم شد.

(۵۴)

صفحه مفاتیح البحث: کتاب ذخیرة المعاد للمحقق السبزواری (۱)، مدینة إصفهان (۲)، القبر (۶)، الدفن (۱)

در بیان قبر آقا میرزا محمد باقر پیش نماز مسجد عباسی از تکیهء خونساریها که بیرون می‌روی، محاذی آن تکیه أی هست معروف به تکیهء آقا رضـی که بالای سر مسجد مصلی است و در توی گنبـد آن، قبر مرحوم آقا میرزا محمـد باقر پیش نماز مسجد جدید عباسـی که از علماء بوده و کتابهای بسیار از اخبار و غیر اخبار وبحار و غیر آن وقف نمودنـد و فعلا هم قـدری از آنها باقی است. و قبور اولاـد واحفـاد آن مرحوم که از اهـل علم و فضـل بوده انـد آنجا است از آن جمله قبر مرحوم میرزا مهـدی نایب الصـدر، طرف ایوان عقب که از علمـاء و فضـلاء ممتـازین بوده خیلی با اطلاع در علوم و اخبار، و در دیانت و تقوی هم معروف، خط ایشان وضع مخصوصـی است بر اغلب یا کل کتب موقوفه مرحوم جد خود و غیر آن کتب حاشـیه‌ها و مطالب بسـیار نوشته، در هر علمی گویا و هر کتابی که به دست او افتاده تحقیقات و فوائدی می‌نوشته.

در این سـنوات مرحوم حـاجی میرزا محمـد تقی نقشـینه‌ای تـاجر معروف را که قبرش در اطـاق دم تکیهء خونساریها است و با زینت است و گنبـد کاشـی کوچکی دارد و بعضـی خواب دیـده و پرسـش حـال نموده در جواب اشـاره به تکیه و قـبر مرحوم میرزا محمد مهـدی نموده و اظهـار نموده که به برکت این بزرگوار و در پنـاه او آسوده ایم. ومرحوم حاجی میرزا محمـد تقی مردی بود که آثار خیر بسـیار از او ظاهر شد، تعمیر دیوار مسـجد مصلی نمود و شبستان آنجا را بنا نمود و با سخاوت بوده هفته و ماه و عید غدیر و غیر اینها به فقراء احسانها می‌کرده و صاحب سفره و اطعامات بوده سیما در ایام روضه خوانی و دههء عاشوراء که وضع کاملی داشت.

آن طرف تکیهء آقا رضـی مذکور قبر مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهار سوقی است که این اوقات مرحوم شده و تکیهء بزرگ عالی برای او طرح ریخته و بنا

(۵۵)

صفحه مفاتیح البحث: یوم عاشوراء (۱)، القبر (۵)، السجود (۴)

در شرح حالات آقا حسین جیلانی

می کننـد. والـد ایشان مرحوم حاجی میرزا زین العابدین خونساری مذکور در تکیهء خونساریها (۱) صاحب مقامات مذکوره. و این بزرگوار از رؤساء علماء اصفهان بلکه سید العلماء مطلق و در احترام مقدم بر کل وعمر ایشان قریب به نود سال.

وفات او سنه هزار و سیصد و سیزده (۱۳۱۳). بر حسب وصیت خود آن مرحوم در این محل جلو قبر مرحوم آقا حسین جیلانی که از اعاظم علماء و صاحب تصنیفات است چون جد اعلای او بوده مدفون گردیده.

در شـرح حـال آقـا حسـین جیلانی (ره) آقا حسـین جیلانی مشـهور به لنبانی که از حکما و علماء و ادباء ومحـدثین در مسـجد لنبان اصـفهان مدرس بوده و شرح بزرگی بر صحیفهء سجادیه نوشته که جامع است، و کتابهای دیگر دارد: شرح مفاتیح فیض، حواشی بر ذخیره، و رسالهء فارسیه در زیارات و غیر اینها.

وفات او سـنهء هزار و صد و بیست و نه (۱۱۲۹). و نقل شـده که در قبرش کراماتی دیده شده. آملا حسن جیلانی پدر او از حکما و اهل عرفان بوده.

در ذکر بعض مصـنفات مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهار سوقی و آقا میرزا محمد باقر از شاگردان مرحوم شیخ محمد تقی و آقا میر سید محمد شهشـهانی (اعلی الله مقامهما) بوده و اجازه‌های کثیره از علماء نجف و کربلا و اصـفهان از مشایخ و بزرگان داشـتند مثل شیـخ محمد بن شـیخ علی بن شـیخ جعفر کبیر، وشـیخ قاسم نجفی، و صاحب ضوابط، و آقا میر سـید حسن مدرس، و فضل وتبحر و فقاهت وجلالت ایشان به ذکر کتابهای پر فائده که تصـنیف نموده اند اولی است " روضات الجنات " که معروف به رجال آقا میرزا

محمد باقر است در

۱ - تکیهء مادر شاهزاده صحیح است.

(۵۶)

صفحه مفاتیح البحث: مدینة کربلاء المقدسة (۱)، مدینة إصفهان (۳)، القبر (۱)، الدفن (۱)

در ذکر بعض مصنفات مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهار سوقی

می کنند. والد ایشان مرحوم حاجی میرزا زین العابدین خونساری مذکور در تکیهء خونساریها (۱) صاحب مقامات مذکوره. و این بزرگوار از رؤساء علماء اصفهان بلکه سید العلماء مطلق و در احترام مقدم بر کل وعمر ایشان قریب به نود سال.

وفات او سنه هزار و سیصد و سیزده (۱۳۱۳). بر حسب وصیت خود آن مرحوم در این محل جلو قبر مرحوم آقا حسین جیلانی که از اعاظم علماء و صاحب تصنیفات است چون جد اعلای او بوده مدفون گردیده.

در شرح حال آقا حسین جیلانی (ره) آقا حسین جیلانی مشهور به لنبانی که از حکما و علماء و ادباء ومحدثین در مسجد لنبان اصفهان مدرس بوده و شرح بزرگی بر صحیفهء سجادیه نوشته که جامع است، و کتابهای دیگر دارد: شرح مفاتیح فیض، حواشی بر ذخیره، و رسالهء فارسیه در زیارات و غیر اینها.

وفات او سنهء هزار و صد و بیست و نه (۱۱۲۹). و نقل شده که در قبرش کراماتی دیده شده. آملا حسن جیلانی پدر او از حکما و اهل عرفان بوده.

در ذکر بعض مصنفات مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهار سوقی و آقا میرزا محمد باقر از شاگردان مرحوم شیخ محمد تقی و آقا میر سید محمد شهشهانی (اعلی الله مقامهما) بوده و اجازه‌های کثیره از علماء نجف و کربلا و اصفهان از مشایخ و بزرگان داشتند مثل شیخ محمد بن شیخ علی بن شیخ جعفر کبیر، وشیخ قاسم نجفی، و صاحب ضوابط، و آقا میر سید حسن مدرس، و فضل وتبحر و فقاهت وجلالت ایشان به ذکر کتابهای پر فائده که تصنیف نموده اند اولی است " روضات الجنات " که معروف به رجال آقا میرزا محمد باقر است در

۱ - تکیهء مادر شاهزاده صحیح است.

(۵۶)

صفحه مفاتیح البحث: مدینة کربلاء المقدسة (۱)، مدینة إصفهان (۳)، القبر (۱)، الدفن (۱)

این اوقات هر کتابی از علماء چاپ خورده بیان حال مصنف از این کتاب مبارك ثبت می‌شود وانیس خوبی است برای اهل علم و فوائد رجالیه هم بسیار دارد، ولی عنوان رجالی که از مقدمات فقه قرار داده اند نیست، بلکه در احوال علماء و فضلاء شیعه و سنی است و از بسیاری از علوم و فنون فوائدی، و کتاب احسن العطیه شرح بر الفیهء شهید استدلالی مبسوط، وقرة العین منظومه فارسیه است در اصول دین زاید بر سه هزار بیت، رسالهء ضروریات دین و مذهب، رسالهء امر به معروف و نهی از منکر، رسالهء بلایا نازلهء بر سعید وشقی، رسالهء شرح حدیث حماد، رسالهء فضیلت جماعة، رسالهء عملیه، منظومهء عربیه در اصول، تسلیة الاحزان فارسی در اجر مصیبت و تسلی مصیبت زدگان که نظیر " مسکن الفؤاد " شهید ثانی و " مسلی المصابین " حاجی میرزا محمود بروجردی است، و مجالسی در مصیبت ابا عبد الله (ع)، و قصائد عربیه در تحیت بر اهل بیت (علیهم السلام)، و اشعار و مراثی عربیه و فارسیه که بعضی نوحه‌های جانسوز از آنها معروف ما بین ذاکرین است. و در امر انشاءات و خطب و نوشتجات مسجع ومقفی به حدی بود که بنای قلم بر آن بود، حتی جواب استفتاء و حکم که می‌نوشتند منشیانه بوده، وحواشی هم بر قوانین و شرح لمعه نوشته اند.

و در این تکیه است قبر ملاـ محراب و او از حکماء معروف و شاگرد آقا محمد بید آبادی است. معروف است که مشهور شده به

وحدت وجودی و شخصی لعنت می‌کرده او را، خود ملاـ محراب بـه او گفتـه: چرا او را لعن می‌کنی؟ گفته: این ملعون قائل به وحدت واجب الوجود شده! ملا محراب گفته: پس او را لعن کن.

و قبر آقا ملا حسن جیلانی پدر آقا حسین جیلانی نیز در این تکیه است از پهلوی مصلی که فرود آئی، طرف راست تکیهء خاتون آبادی‌ها است که گنبد کاشی دارد، در توی گنبد قبر میر محمد اسمعیل که کرامات و مقامات بسیار از او نقل می‌کنند. و صاحب تصنیفات است من جمله: تفسیر کبیر چهارده مجلد. و

(۵۷)

صفحه مفاتیح البحث: أهل بیت النبی صلی الله علیه وآله (۱)، القبر (۳)، الشهادهٔ (۱)

در بیان تکیهء میر فندرسکی و شرح حالات میر ابو القاسم فندرسکی

اول بناء او از صفویه شده، من بعد خراب شده. گویند: نانوائی از دست فراشهای حاکم گریخته در این تکیه آمده و این تکیه مخروبه بوده، با خود نیت می‌کند که اگر این مرد بزرگوار و صاحب مقامات است فراشهای حاکم مرا نمی‌بینند، تعمیر این گنبد و این جا را می‌کنم بعد فراشهای حاکم آمده توی همانجا گشته و او را ندیدند، بعد آن مرد نانوا تعمیر آنجا نموده و رفع خرابی آنجا کرده.

وفات او در هزار و صد و شانزده (۱۱۱۶).

و آن بزرگوار جد سادات پای قلعه که از اکابر اصفهان هستند و جمعی از آنها از فضلا و اهل علم وتولیت مدرسهء چهار باغ در دست بعضی از ایشان است و این سلسله با سلسلهء امام جمعه اصفهان، و با سلسلهء امام جمعهء طهران از یک طائفه اند.

گویند میر عماد، ومیر حسن جد ایشان از مدینه آمدند در اصفهان و در جورت وخاتون آباد منزل کردند که همانجا فوت شده و در دامنهء کوه جورت مدفونند و به زیارت ایشان هم می‌روند و این سلسله‌های جلیله به ملاحظهء بودن اجداد آنها در خاتون آباد، خاتون آبادی معروف شده. و در این تکیه از اجلاء اولاد آن مرحوم و این سلسلهء جلیله جمعی مدفونند.

از آنجا پائین می‌آیی فی الجمله عمارت و باغ فاصله است، می‌رسد به قبرستان کوچکی در توی قبرستان کوچک قبر عبد المجید درویش، خوش نویس معروف در خط شکسته پهلوی.

در شرح حالات میر ابو القاسم فندرسکی راه که می‌روی رو به تکیه در اواسط قبرستان است از آنجا می‌رود تکیهء میر که قبر مرحوم میرزا ابو القاسم فندرسکی که از جملهء بزرگان حکما و عرفا است، در آنجا است و صاحب این قصیدهء معروفه است:

(۵۸)

صفحه مفاتیح البحث: مدینهٔ إصفهان (۳)، مدینهٔ طهران (۱)، القبر (۱)

در بیان کرامتی از میر فندرسکی

چرخ با این اختران نغز و خوش و زیباستی * صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی که هر شعری از آن مطلبی از حکمت را داراست. بر او بعضی از حکماء شرح نوشته اند.

و این بزرگوار غیر از میر داماد است که قبر میر داماد بعد از مدتی تتبع مستفاد شد که ما بین نجف و کربلا است و فعلا معین و معروف نیست. و غیر از میر عماد نستعلیق نویس خوشنویس است که خطش در کتیبهء ارسی همین تکیه است و غزل حافظ است":

روضهء خلد برین خلوت درویشانست " تا آخر این غزل که از روی او مشق می‌کنند و نقشه بر می‌دارند.

بالجمله میر فندرسکی از حکما است و قبر او مرمری بلند بسته در سکوی این تکیه که در صحن تکیه است، می‌باشد و خیلی از

مردم از قدیم تا کنون اعتقادات به مقامات ایشان داشته و دارند و بر سر قبر او توسلات می‌جویند و قضاء حاجات می‌خواهند. معروف است بین عوام که بدن او کیمیا است و بعضی چیزها از این جهت نقل می‌کنند که ظاهرا دروغ باشد.

در بیان کرامتی از میر فندرسکی بلی مرحوم حاجی ملا احمد نراقی در کتاب " طاقدیس (" ۱) که مثنوی او است کرامت بزرگی از او به نظم آورده و ذکر کرده که مرحوم میر به ولایت کفر رفته و عمارت عبادتخانهء آنها خیلی قدیمی و محکم بوده و حضرات کفار بر میر حجت گرفته که دلیل حقیت دین ما و محکمی آن و سستی دین شما آنکه مساجد شما به زودی خراب می‌شود و این بناها و عبادتخانه‌های ما چندین سال است بدین محکمی باقی است. میر در جواب گفته آن ذکرها که در مساجد خودمان

۱ " – طاقدیس / " ۱۲۲.

(۵۹)

صفحه مفاتیح البحث: مدینة کربلاء المقدسة (۱)، القبر (۳)، السجود (۲)

می گوئیم و گفته می‌شود، اگر اینجا گفته شود هر آینه خراب خواهد شد. آنها گفته اند تو اهل اسلام حاضر و این جا بگو آن ذکرها را. مرحوم " میر " مهلتی خواسته و رفته پیش خود با خداوند در این باب در مقام تضرع و زاری بر آمده، بعد آمده مشغول به گفتن ذکر در عبادتخانهء آنها، ناگاه در آنجا شکاف به هم رسیده خراب شده.

و همین مطلب را نیز در " خزائن (" ۱) نقل می‌کند و می‌گوید طاق آنجا خراب شد و دیوارها نزدیک بود روی هم بریزد که " میر "بیرون آمده و جمع کثیری از آنها مسلمان شده.

و " میر " معاصر آخوند ملا محمد تقی مجلسی و در مذاق عرفان با او موافقت داشته.

و بعضی نقل کرده آخوند ملا محمد باقر مجلسی میر را خوب نمی‌دانسته و حکایتی هست که آخوند ملا محمد تقی، توصیف " میر " را نزد آخوند ملا محمد باقر نموده و وقتی او را برد نزد " میر " ماه مبارک بود "، میر " کاسهء آلو طلبیده در دهن گذشته! آخوند ملا محمد باقر متغیر شده بر خاسته و با پدر اعتراض کرده. من بعد میر به آخوند ملا محمد تقی گفته: من دیدم این اهل شریعت است و از او ترویجات کامله به ظهور می‌رسد، خواستم میل به طریقهء ما نکند و آلوها را در دهان نگاه داشته و بعد بیرون آوردم.

۱ " – خزائن / " ص ۲۲.

صفحه(۶۰)

باب دویم در قبور سر قبر آقا است

باب دویم در ذکر قبور سر قبر آقا است که بیرون دروازهء در دشت است، عمارتی بلند بنیان دارد و توی عمارت، گنبد بزرگی دارد. وسط گنبد چند قبر است متصل به هم از مرمر، وسط آن، قبر مرحوم حاجی میرزا حسن امام جمعه که از علماء و رؤساء و با جمال و کمال و مرجع و پناه خلق. و در نماز جمعهء او در مسجد شاه نقل شده که تا سیزده صف این طرف میلهای بیرون مسجد که در میدان شاه است می‌آمده.

وفات او سنهء هزار و دویست و چهل و هشت (۱۲۴۸).

و دیگر قبر مرحوم آقا میر سید محمد امام جمعه که قبر او جلوی است و روی آن کمی بلندتر بسته شده. و در جلالت و ریاست و بزرگی شهرهء آفاق شده و با وجود و پناه خلق که در امام جمعه‌های بلاد به این تشخص شنیده نشده، و در فطانت و زیرکی و وقار و مهابت و سخاوت و شجاعت، ممتاز، بلکه از حسن کفایت، حافظ ولایت و مملکت و رافع بعضی مفاسد دولت بوده.

وفات او در سنهء هزار و دویست و نود و یک (۱۲۹۱).

و این سلسله از اولاد دختری مجلسی وابا عن جد امام جمعه و رئیس اصفهان بوده اند.

و قبر میر محمد مهدی که بزرگتر از آقا میر سید محمد بوده و بعد از پدر، امام

(۶۱)

صفحه مفاتیح البحث: مدینة إصفهان (۱)، القبر (۷)، السجود (۲)

جمعه بوده و به جوانی وفات نموده با والدهء ایشان به آنها متصل است و در این صندوق مرمر بزرگ است.

وفات او در سنهء هزار و دویست و پنجاه و کسری.

و جلو روی قبر آقا میر سید محمد که از بالا سر بیائی، اول ایوان جلوی توی گنبد است و با زمین صاف است، قبر آخوند ملا محمد حسین [بن] ملا ولی الله است که در علم ریاضی استاد کامل و دارای علم کلام و حکمت. خیلی از فضلاء این عصر شاگردان اویند. و خیلی با احتیاط و تقوی و مواظب طاعات و ادعیه و از جمله معمرین بود. عمرش قریب به صد شده بود.

وفات او در سنهء هزار و دویست و نود و کسری.

و جلو روی قبر آخوند، قبر آقا میرزا عبد العلی هرندی است که از علماء و فضلاء گوشه نشین بود و مشغول تدریس از مقدمات تا شرح لمعه و غیر آن و در نحو معروف بود و دو شرح بر سیوطی نوشته یکی سی هزار بیت و یکی شصت هزار بیت، و بر بسیار از کتب نحو و غیر آن از اصول وفقه و غیر اینها حواشی نوشته، و رسالهء عیدیه در بیان فضایل عیدها و ما یتعلق به نوشته، و رسالهء صیغ عقود، و شرح دعای " یا من أرجوه " و غیر اینها.

وفات او در سنهء هزار و سیصد و هفت (۱۳۰۷). ۱

۱ - در سال ۱۳۰۶ فوت کرده است. ر ک ": رجال اصفهان / " ۱۷ با حاشیه مرحوم معلم و " تذکرة القبور " استاد مهدوی / ۲۳۴.

(۶۲)

صفحه مفاتیح البحث: جلال الدین السیوطی الشافعی (۱)، القبر (۵)، مدینة إصفهان (۱)

باب سیم در قبر مجلسی (ره)

باب سیم در مقبرهء مجلسی (علیه الرحمه) در مقبرهء مجلسی که سر قبر آخوند معروف است و ظاهرا مرداشان آخوند ملا محمد باقر مجلسی است. و این مقبره در دالان مسجد جمعه اصفهان است. و قبری که در میان قبه است، چند قبر است که به هم متصل کرده اند.

قبر جلو، قبر مرحوم آقا میرزا محمد علی امام جمعه است که از سلسله امام جمعه‌های اصفهان بوده و تقریبا چهار سال در اصفهان امام جمعه بوده، و مردی عالم و فاضل و با جود و سخا وحسن خلق و کمالات بسیار داشت. اگر چه خیلی مردم به جهت خدمتی که مرحوم آقا میر محمد حسین امام جمعه سابق به خلق کرده بود در باب جنس و معارضه خلق با حکومت اصفهان از شدت محبت و اخلاص به او، با آقا میرزا محمد علی بد بودند که امام جمعه شده بود، ولی بسیار سید عزیز جلیلی بوده (رحمة الله علیه).

و بعضی رساله‌های با استدلال نوشته به طریق فارسی مثل: رسالهء تقلید و جواز تقلید میت، و رسالهء کفایت هر غسلی از وضوء و غیر آن.

وفات او در سنهء هزار و سیصد (۱۳۰۰).

و آخر قبرهای آن سکو بسته قبر حاجی سید (۱) جد او است.

۱ - میر سید محمد بن میر سید عبد الباقی.

(۶۳)

صفحه مفاتيح البحث: مدينة إصفهان (۴)، القبر (۴)، السجود (۱)، الجود (۱)، الوضوء (۱)

در شرح حالات ملا محمد تقی مجلسی و بعضی از مصنفات آن مرحوم

دیگر قبر آخوند ملا محمد تقی مجلسی است، عقب قبر آقا میرزا محمد علی واقع است که طرف بالای سر او به دیوار قبر سنگ لوح نصب است و چند شعر با تاریخ در آن است.

و او پسر ملا مقصود علی نطنزی است. و بعضی نظیری گفته و از دهات عربستان دانسته اند که ظاهرا شاعر بوده و تخلص او مجلسی بوده که این غزل که اولش این است منسوب به او است: تا شد قدح کش از می‌عشق آرزوی ما * بر دوش می‌کشند ملا یک سبوی ما اگر چه بعضی گفته اند " مجلس " اسم ده ایشان بوده یا آنکه چون قنداقهء آخوند ملا محمد باقر را در مجلس امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) حاضر کرده "، مجلسی " گفته اند. به هر حال آخوند ملا محمد تقی از اهل ریاضت و عبادت و ذکر و فکر، و عالمی با تحقیق، سیما در رجال و شرح معانی و دقایق اخبار، کتاب شرح مشیخه در رجال دارد خیلی با فائده است، و دو شرح بر من لا ـ یحضر نوشته (یکی فارسی که معروف است، دیگری عربی که روضة المتقین است)، و حواشی بر اصول کافی که اخبار مشکله را حل نموده، و رسالهء حدیقه فارسی، در مسألهء عملیه برای عوام نوشته که طریق احتیاط هم دست داده است و تا کنون هم نزد بعضی از عرفا و صوفیه شیعه عمل به او می‌نمایند. حتی آنکه مرحوم آقا محمد بید آبادی، مرحوم آخوند ملا علی نوری را اوایل به عمل او در مقام احتیاط وا داشته، دیگر شرح صحیفه، و رساله رضاع، و رساله اوزان، و غیر اینها.

و از او کرامات نقل شده. و در سند زیارت " جامعه " خودش نوشته که در زیارت جناب امیر (علیه السلام) مکاشفات روی داده در آن عالم یا میان خواب و بیداری دیدم در سر من رأی هستم و حرم با زینت و ارتفاع و بر قبر عسکریین لباس سبز بهشتی و امام عصر (عجل الله فرجه) نشسته تکیه به قبر، رو به در بنا کردم زیارت جامعه را بلند مثل مداح خواندن. چون که تمام شد امام (ع) فرمود: خوب زیارتی است. عرض کردم: زیارت جد شما است (و اشاره به قبر کردم) فرمود:

(۶۴)

صفحه مفاتيح البحث: القبر (۶)، الرضاع (۱)، الفرج (۲)

در ذکر مکاشفه از مرحوم ملا محمد تقی مجلسی (ره)

دیگر قبر آخوند ملا محمد تقی مجلسی است، عقب قبر آقا میرزا محمد علی واقع است که طرف بالای سر او به دیوار قبر سنگ لوح نصب است و چند شعر با تاریخ در آن است.

و او پسر ملا مقصود علی نطنزی است. و بعضی نظیری گفته و از دهات عربستان دانسته اند که ظاهرا شاعر بوده و تخلص او مجلسی بوده که این غزل که اولش این است منسوب به او است: تا شد قدح کش از می‌عشق آرزوی ما * بر دوش می‌کشند ملا یک سبوی ما اگر چه بعضی گفته اند " مجلس " اسم ده ایشان بوده یا آنکه چون قنداقهء آخوند ملا محمد باقر را در مجلس امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) حاضر کرده "، مجلسی " گفته اند. به هر حال آخوند ملا محمد تقی از اهل ریاضت و عبادت و ذکر و فکر، و عالمی با تحقیق، سیما در رجال و شرح معانی و دقایق اخبار، کتاب شرح مشیخه در رجال دارد خیلی با فائده است، و دو شرح بر من لا ـ یحضر نوشته (یکی فارسی که معروف است، دیگری عربی که روضة المتقین است)، و حواشی بر اصول کافی که اخبار مشکله را حل نموده، و رسالهء حدیقه فارسی، در مسألهء عملیه برای عوام نوشته که طریق احتیاط هم دست داده است و تا کنون هم نزد بعضی از عرفا و صوفیه شیعه عمل به او می‌نمایند. حتی آنکه مرحوم آقا محمد بید آبادی، مرحوم آخوند ملا علی نوری را اوایل به عمل او در مقام احتیاط وا داشته، دیگر شرح صحیفه، و رساله رضاع، و رساله اوزان، و غیر اینها.

و از او کرامات نقل شده. و در سند زیارت " جامعه " خودش نوشته که در زیارت جناب امیر (علیه السلام) مکاشفات روی داده در آن عالم یا میان خواب و بیداری دیدم در سر من رأی هستم و حرم با زینت و ارتفاع و بر قبر عسکریین لباس سبز بهشتی و امام عصر (عجل الله فرجه) نشسته تکیه به قبر، رو به در بنا کردم زیارت جامعه را بلند مثل مداح خواندن. چون که تمام شد امام (ع) فرمود: خوب زیارتی است. عرض کردم: زیارت جد شما است (و اشاره به قبر کردم) فرمود:

(۶۴)

صفحه مفاتیح البحث: القبر (۶)، الرضاع (۱)، الفرج (۲)

بلی داخل شو. داخل شدم، دم در ایستادم. فرمود: پیش بیا. عرض کردم:

می ترسم به سبب بی ادبی کافر شوم. فرمود: به اذن ما است باکی نیست. کمی پیش رفتم با ترس و لرز، فرمود: پیش بیا، پیش رفتم تا نزدیک آن جناب. فرمود:

بنشین. عرض کردم: می‌ترسم، فرمود: مترس. نشستم مثل غلام نزد آقا. فرمود:

راحت کن، مربع نشین. پیاده و پا برهنه آمده أی، باری خیلی مرحمت فرمود. از خواب بیدار شدم، اسباب زیارت فراهم و راه که مسدود شده بود مفتوح شد.

رفتم به سامره و در راه و آن جا کرامات عجیبه ظاهر شد. و معروف است که مقامات آخوند ملا محمد باقر از برکت دعای او است. و در تأثیر کلام او نقل شده که شخصی شکایت از همسایهء خود که از اشرار بوده و با جماعتی مهمانی می‌کردند و اسباب طرب و هرزگی در کار بود نزد آخوند برد. آخوند فرمود: آنها را و مرا مهمانی کن، آن شخص قبول نمود، و دعوت کرد، رئیس آنها با تعجب قبول کرده شب را اول آخوند رفته گوشهء مجلس نشسته، آنها که آمدند آخوند را دیدند ناگوار شد که عیششان منغص می‌شود، بزرگشان خواست که آخوند را به نحوی بیرون کند، به آخوند گفت: کارهای شما بهتر است یا ما؟ آخوند گفت: هر کدام کار خود را می‌گوئیم تا معلوم شود، او گفت: ما نمک کسی را که خوردیم با او خیانت نمی‌کنیم. آخوند گفت: قبول ندارم. گفت: مسلمی این طایفه است. آخوند گفت: شما هر گز نمک خدا را نخورده اید؟ آن بزرگ ساکت ومتأمل شد و از مجلس برخاستند. میزبان گفت:

بدتر شد، به قهر رفتند، صبح شد بزرگ آنها خدمت آخوند آمده توبه کرد و احکام شریعت تعلیم گرفت.

و گویند: آخوند تسخیر قاضی جنها را نموده که عروسی را در اصفهان اجنه (۱) برده بودند. آخوند قاضی را خواسته گفته آورده اند. والعهدهٔ علی الراوی.

۱ " – جن " صحیح است. اجنه جمع جن نیست.

(۶۵)

صفحه مفاتیح البحث: مدینهٔ إصفهان (۱)

در ذکر قبر ملا محمد باقر مجلسی و بیان مقامات آن بزرگوار

بلی چیزی که مسلم است آن است که اهل ریاضت و فکر و ذکر بوده، اربعین‌ها ریاضت کشیده. رسالهء کوچکی در ریاضت شرعیه در اربعین نوشته و با صوفیه هم ارتباطی داشته که صوفیه او را از خود می‌دانند، و سلسلهء سند به او می‌رسانند. و حقیر کتابی منسوب به او دیدم که با بعضی علماء در معارضه و جواب اشکال بر ملای روم بر آمده و توجیه کلمات و اشعار ملا کرده، ولی مرحوم آخوند ملا محمد باقر ولد او نوشته که صوفی نبودند، و به جهت مصلحت وقت و شرع با آنها مخالطه داشتند و باید همین نحوها باشد.

این طریقهء منقوله از صوفیه که می گویند لابد هر زمانی غیر از امام، شخص کامل ظاهری بوده باشد و معرفت او را لازم می‌دانند و او هم یکی می‌باشد و هر کسی یک نفر را انتخاب می کند و قطب و پیر و امثال آن می گویند، بلکه ظاهر بعضی از شیخیه که رکن رابع یا ناطق واحد تعبیر می کنند، بلکه اول عنوان باب و بابیه، این طریقه است. اگر چه با هم، همه ضدند و بی دلیل و باطل است که در آخوند نباید باشد و از او ظاهر نشده و شأن ایشان اجل از این است.

وفات آن مرحوم در سنهء هزار و هشتاد (۱۰۸۰).

در ذکر قبر ملا محمد باقر مجلسی و بیان مقامات آن بزرگوار و دیگر قبر آخوند ملا محمد باقر مجلسی، که قبر آخوند می گویند ظاهر به اسم ایشان است، و عمده او است، و به حدی احترام دارد که مردم جرئت قسم خوردن به قبر او نمی کنند، بلکه در ادعای طلب راضی می‌شوند که پول روی قبر بریزند و مدعی بر دارد.

اگر چه اینها قسم شرعی نیست، لکن عظم و شأن آن بزرگوار در پیش مردم به این مقام رسیده است و خداوند احترام و عزت به او به این حد داده. والحق در خدمت به شریعت از هر جهت کامل کرده است، و در زمان حیاتش مردم

(۶۶)

صفحه مفاتیح البحث: القبر (۴)

در بیان مصنفات ملا محمد باقر مجلسی (علیه الرحمه)

اعتقادات غریب از کرامات و عجایب به او داشته اند که بعضی از آنها بی جا است، چنانچه مرحوم میر لوحی که جد سادات درچه است و از فضلاء آن عصر بوده در اربعین که نوشته در مقام رد این مطالب بر آمده که مردم می گفتند که در راه مکه حضرت امام (علیه السلام) پای رکاب آخوند تا مدتی راه می‌رفته، و غیر اینها و مذمت این حرفها را کرده. و بسیاری از این حرفها و مذمت بجا است دربارهء مردم چنانچه بعضی صوفیه نسبت به مرشدین، و بعضی عوام زمان نسبت به بعضی علماء می‌دهند و اظهار اعتقادات غریبه می کنند که اینها باعث سستی امر معجزات ائمه هم می‌شود بلی کرامات از علماء کاملین و اولیاء، ممکن و واقع است، لکن نه به این حدها. نباید شخص زیاد شکاک باشد، و نه زیاد گول خور و زود قبول کن.

مجملاـ مقامات آخوند مجلسی بالاتر از آن است که به این رقم مطالب عامیانه بیان شأن او شود و شرح حال این بزرگوار خیلی از آنها به جهت شهرت، حاجت به بیان ندارد. و رساله‌ها در حال او نوشته شده (۱)، و کتابهای او که عامی و عالم به

۱ - دربارهء غواص بحار احادیث علامهء مجلسی تاکنون کتابهای مستقل فراوانی نوشته شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الفیض القدسی * میرزا حسین نوری.

زندگینامه علامه مجلسی * سید مصلح الدین مهدوی ۲ جلد چاپ اصفهان حسینیه عماد زاده، ۱۳۵۵ - ۱۳۶۰ ش.

علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین * علی دوانی، تهران - امیر کبیر. * کارنامه علامه مجلسی * عطائی خراسانی، مشهد، کتابفروشی اسلامی.

تذکرة المجلسی * مولوی محمد باقر صاحب مولوی، چاپ هند - به لغت اردو.

انساب المجلسیین * حیدر علی بن میرزا عزیز الله.

تراجم آل مجلسی * از همو.

نور القدسی * سید محمد علی موسوی مبارکه أی.

تلامذة العلامة المجلسی والمجازون منه، جمع و تدوین سید احمد حسینی، به اهتمام سید محمود مرعشی، قم کتابخانهء عمومی

آیت الله العظمی مرعشی نجفی.

(۶۷)

صفحه مفاتیح البحث: مدینة مکة المکرمة (۱)، مدینة إصفهان (۱)، العلامة المجلسی (۲)، الشهادة (۱)

در بیان جلالت شأن و مقامات ملا محمد باقر مجلسی

او منتفع، بلکه حفظ دین و نظم شریعت به آنها می‌شود بسیار معروف، و طریقهء او بین بین اخباری و اصولی است. چنانچه در رساله‌ای که در جواب ملا خلیل نوشته، خود تصریح کرده، و کتابهای او زاد المعاد که برای مؤمنین بعد از قرآن است در قرائت و همراه داشتن آن، و حق الیقین که به نظر حقیر برای طالب معرفت به اصول دین، بلکه بسیاری از احکام شریعت بی نظیر است، که هم مقام علم آخوند معلوم می‌شود و هم خوش اعتقادی او، و کسی [که] مواظبت در او نماید اعتقادات او صحیح و بی شبهه می‌شود.

نوشته اند که " حق الیقین " به شامات برده شد، به مطالعهء او و معرفت به آن هفتاد هزار سنی، شیعه شد، دیگر عین الحیوة، در موعظه، وحلیة المتقین، در آداب شریعت، وحیوة القلوب، جلد اول در احوالات انبیاء (ع)، و جلد دویم در احوال خاتم النبیین (صلی الله علیه وآله)، و جلد سیم در امامت که تمام نشده، و جلاء العیون، در مصیبت، و مقباس در تعقیب و دعا، وتحفة الزائرین در زیارات، و غیر آنها از کتب فارسیه، و ترجمه‌های دعاها و بعضی حدیثها.

و در عربی: بحار الانوار بیست و پنج جلد، و شرح اصول کافی، و اربعین، و کتب دیگر که ذکر و تفصیل آنها مناسب این رساله نیست.

در بیان جلالت شأن و مقامات ملا محمد باقر مجلسی و مقامات و کرامات ایشان که علماء، اعتناء به آن نموده اند، بسیار است. یکی حکایت آخوند عالم خراسانی که به عتبات رفته در بین مراجعت خواب دیده که در خانهء پیغمبر و ائمه (صلوات الله علیهم) به ترتیب نشسته اند و آخر همه حضرت حجت است، وارد شده و با اذن نشسته، و بعد آخوند ملا محمد تقی وارد شده با شیشهء گلاب و پیغمبر (صلی الله علیه وآله) و ائمه (علیهم السلام) آن گلاب را استعمال کرده به آخوند خراسانی هم داده بعد رفته و قنداقهء طفلی آورده داده خدمت پیغمبر (صلی الله علیه

(۶۸)

صفحه مفاتیح البحث: الأنبیاء (ع) (۱)، الرسول الأکرم محمد بن عبد الله صلی الله علیه وآله (۱)، کتاب حق الیقین للسید الشبر (۲)، کتاب بحار الأنوار (۱)، الصّلاة (۱)، التعقیب (۱)

وآله) در حق او دعا نموده و همچنین جناب امیر (ع) تا حضرت حجت (علیهم السلام) و آخر آن آخوند خراسانی دعا در حق او نموده، وقتی که آن آخوند اصفهان آمده چون با آخوند ملا محمد تقی رفاقت داشته وارد منزل او شده، آخوند ملا محمد تقی قنداقهء آخوند ملا محمد باقر را آورده به آخوند داده در حق او دعا کند.

و آن بزرگوار نشر حدیث از همه کس در ولایت عجم - بلکه در بیشتر ولایات - بیشتر کرده و بسیاری از اوضاع صوفیه و اهل بدعت را بر هم زده و " شیخ اسلام " و امام جمعه بوده و در امر به معروف و نهی از منکر اهتمام تام داشته، بلکه نظم مملکت می‌داده. و بسیار مواظبت در قضاء حوائج مسلمین واعانت ایشان و رفع ظلم و رسانیدن عرایض خلق به حکام و سلاطین داشته. بلکه در لؤلؤه (۱) نقل کرده تا مجلسی بود، نظم مملکت شاه سلطان حسین را می‌داد، و بعد از فوت او کم کم رخنه شد و با وجود کمال حسن خلق و خنده روئی کمال هیبت را داشته و نقل شده که آخوند ملا محمد تقی، والدهء ایشان را امر فرموده که در حال جنابت شیر به او ندهد و از طفولیت تا بزرگی مرحوم مجلسی تربیت در علم و عمل یافته. و از جمله مجددین مذهب است در رأس مأة که

معروف است (۲)، یا تجربه، یا از روی حدیث که در هر صدی مجددی پیدا می‌شود که دین را تازه کند و ترویج تامی در

۱ " - لؤلؤة البحرین، " ص ۵۵.

۲ - استاد شهید آیت الله مرتضی مطهری در صحت این حدیث اشکال کرده و گوید ": قبل از اینکه تحقیق بکنم باور نمی‌کردم که رسول اکرم صلی الله علیه وآله یک همچو جمله أی را فرموده باشد، باز هم تحقیق کردم در تحقیق معلوم شد: اما در طرق شیعه که اساسا این حدیث نیامده است، بعد با کمک یکی از دوستان بالآخرة در سنن ابی داود پیدا کردیم ... در بعضی کتب دیگر حدیث اهل تسنن هم هست ... از نظر سند، آن کسی که از رسول اکرم صلی الله علیه وآله این حدیث را نقل کرده ابو هریرة، همان وضاع و کذاب معروف است (" ... ده گفتار، ص ۱۱۴).

و دوست این بنده جناب آقای رضا مختاری در مقاله أی تحت عنوان " پژوهشی پیرامون یک حدیث معروف " تحقیقی درباره ناقلان این حدیث و نیز تطبیق متن و مضمون آن با خارج و واقع انجام داده که در مجله نور علم، ش ۱۰، از ص ۱۱۴ به بعد، چاپ شده است، علاقمندان رجوع فرمایند.

(۶۹)

صفحه مفاتیح البحث: مدینة إصفهان (۱)، أبو هریرة العجلی (۱)، کتاب سنن أبی داود (۱)، الشهادة (۱)

دین می‌کند و تجدید و ترویج و احیاء (۱). شاید آخوند مجلسی از همه کس بیشتر کرده باشد که احکام و اخبار را در عالم بر عالم و عامی منتشر ساخت، و بسیاری از کتابهای اصحاب ائمه که مفقود شده بود در اطراف عالم فحص و جمع نمود و ظاهر کرد. و بعضی علماء گفته که ما اینها را اسباب ثوابها و فیضها [ی] او می‌دانیم، و انکار نموده نقل خوابی که در میان مردم معروف شده که مجلسی را در خوابی دیدند و از او سؤال از حال او شد جواب گفت: کتابها و زحمتها سبب نجات نشد، و سبب نجات سیبی شد که به طفل یهودی بی خیال و بی غرض ترحما دادم. و گفته است: دور نیست این خواب را صوفیه جعل کرده باشند. و بر فرض صدق هم ضرر به مقامات مجلسی نمی‌زند.

وعمر مجلسی را هفتاد و چهار سال گفته اند.

و وفات او در سنهء هزار و صد و یازده (۱۱۱۱).

در تاریخش خیلی اشعار گفته اند، در سنگ لوح که به قبرش در بالا سر به دیوار قبر است، مادة تاریخ این است ": باقر علم شد روان به جنان."

و این تاریخ جامعیت دارد:

ماه رمضان که بیست و هفتش کم شد * تاریخ وفات باقر اعلم شد شب بیست و هفتم ماه رمضان وفات او بود و از شماره حروف ماه رمضان که بیست و هفت کم شود مطابق تاریخ می‌شود. و به عربی " حزن و غم " تاریخ او است.

(۱) رک ": سنن ابی داود، " ج ۴ / ۱۷۸ "، جامع الاصول " ج ۱۲ / ۶۳ ح ۸۸۴۱ "، مستدرک الوسائل " ج ۲ / ۵۴۱ و ۵۲۷ "، فتح الباری " ج ۱۷ / ۵۸ "، المستدرک علی الصحیحین " ج ۴ / ۵۲۲ چاپ بیروت "، الجامع الصغیر / " ۷۴ حرف همزه.

(۷۰)

صفحه مفاتیح البحث: شهر رمضان المبارک (۳)، الحزن (۱)، التصدیق (۱)، القبر (۱)، الضرر (۱)، کتاب المستدرک علی الصحیحین للحاکم النیسابوری (۱)، کتاب سنن أبی داود (۱)، کتاب مستدرک الوسائل (۱)، کتاب فتح الباری (۱)، مدینة بیروت (۱)

در ذکر قبور علما و صلحاء سر قبر آخوند

در ذکر قبور علماء و صلحاء سر قبر آخوند و باز قبر یکی از برادران او که گویند ملا محمد رضا است متصل به آنها است و گفته

اند ما بین مجلسیین است.

و دیگر قبر مرحوم آقا میرزا محمد تقی الماسی است که او پسر میرزا محمد کاظم، پسر ملا عزیز الله، پسر ملا محمد تقی مجلسی است که در زمان نادر شاه امام جمعه بوده و عالم و فاضل و عارف و از اهل تهجد و عبادت و طاعت. و جماعتی از علماء نقل شده که از شاگردان ایشان بوده اند. و نقل شده که قبر او جلو مجلسی اول است، بنابراین وسط قبر آقا میرزا محمد علی امام جمعه و مجلسی اول می‌شود و ظاهر این است که در این صندوق که نشان قبور این بزرگواران ساخته شده زیاده از پنج شش نفر مدفونند که قدر معلوم آقا میرزا محمد علی امام جمعه، و میرزا محمد تقی الماسی، وملا محمد تقی مجلسی، و ملا محمد رضا ولد او، و آخوند ملا محمد باقر مجلسی، و حاجی سید است.

و پائین پای مجلسی در ایوانچه قبر مرمر بلند بسته است که اول، قبر آخوند ملاـ محمد علی استر آبادی – که یکی از دامادهای مجلسی اول است – بوده و از اهل علم و فضل، بلکه نقل شده از عرفا و اهل مقامات و کمالات بوده، و بعد از سالها که طول کشیده مرحوم حاجی سید محمد باقر اذن داده، آقا میرزا جعفر پدر آقا میرزا محمد علی امام جمعه را در همان محل دفن نموده.

در شرح حالات و مقامات آخوند ملا محمد صالح مازندرانی (ره) و پهلوی آن که پائین و پشت این قبر مرمر است قبر کاشی پست بسته أی است قبر آخوند ملاـ محمد صالح مازندرانی است که داماد مجلسی اول است، و عالمی کامل و فاضل و خوش بیان در کتاب نوشتن، کتاب شرح بر اصول کافی نوشته

(۷۱)

صفحه مفاتیح البحث: القبر (۱۱)، الدفن (۱)

در شرح حالات و مقامات آخوند ملا محمد صالح مازندرانی

در ذکر قبور علماء و صلحاء سر قبر آخوند و باز قبر یکی از برادران او که گویند ملا محمد رضا است متصل به آنها است و گفته

اند ما بین مجلسیین است.

و دیگر قبر مرحوم آقا میرزا محمد تقی الماسی است که او پسر میرزا محمد کاظم، پسر ملا عزیز الله، پسر ملا محمد تقی مجلسی است که در زمان نادر شاه امام جمعه بوده و عالم و فاضل و عارف و از اهل تهجد و عبادت و طاعت. و جماعتی از علماء نقل شده که از شاگردان ایشان بوده اند. و نقل شده که قبر او جلو مجلسی اول است، بنابراین وسط قبر آقا میرزا محمد علی امام جمعه و مجلسی اول می‌شود و ظاهر این است که در این صندوق که نشان قبور این بزرگواران ساخته شده زیاده از پنج شش نفر مدفونند که قدر معلوم آقا میرزا محمد علی امام جمعه، و میرزا محمد تقی الماسی، وملا محمد تقی مجلسی، و ملا محمد رضا ولد او، و آخوند ملا محمد باقر مجلسی، و حاجی سید است.

و پائین پای مجلسی در ایوانچه قبر مرمر بلند بسته است که اول، قبر آخوند ملاـ محمد علی استر آبادی – که یکی از دامادهای مجلسی اول است – بوده و از اهل علم و فضل، بلکه نقل شده از عرفا و اهل مقامات و کمالات بوده، و بعد از سالها که طول کشیده مرحوم حاجی سید محمد باقر اذن داده، آقا میرزا جعفر پدر آقا میرزا محمد علی امام جمعه را در همان محل دفن نموده.

در شرح حالات و مقامات آخوند ملا محمد صالح مازندرانی (ره) و پهلوی آن که پائین و پشت این قبر مرمر است قبر کاشی پست بسته أی است قبر آخوند ملاـ محمد صالح مازندرانی است که داماد مجلسی اول است، و عالمی کامل و فاضل و خوش بیان در کتاب نوشتن، کتاب شرح بر اصول کافی نوشته

(۷۱)

صفحه مفاتیح البحث: القبر (۱۱)، الدفن (۱)

بسیار خوش بیان کرده و تحقیقات با معنی دارد، و حاشیه بر معالم نوشته، توضیحات خوب کرده، و شرحی بر زبدهء شیخ بهائی نوشته که با تحقیق است. و معروف است کم حافظه بوده به حدی که خانهء استاد را گم می‌کرده، (!!!) بالای در نوشته. و گفته اند خیلی فقیر بوده که از بس لباسش کهنه بوده در مجلس درس مجلسی اول بیرون می‌نشسته و مطالب را هم بر استخوان و برگ چنار می‌نوشته.

وقتی مسألهٔ أی مشکل می‌شود که چند روز رفع اشکال نمی‌شود، یکی از شاگردان مرحوم مجلسی اتفاقا نزد آخوند ملا محمد صالح می‌بیند در برگ چنارها رفع آن اشکال را نوشته، بعد در مجلس، جواب مجلسی می‌گوید، مجلسی می‌فهمد از او نیست و اصرار می‌کند تا ابراز می‌کند، مجلسی نگاه می‌کند آخوند بیرون در نشسته لباس به او می‌دهد و حاضر مجلس می‌نماید و مقرری برایش معین می‌کند تا به جائی می‌رسد که او را به خانه می‌برد و دختر خود را به او می‌دهد، و در کتابخانهء خود منزل می‌دهد.

دیگر قبر آقا هادی ولد آخوند ملا محمد صالح است که صندوق چوبی دارد، در کنار ایوانچه که در گاه مقبره است که رو به قبر مجلسی بایستی، طرف چپ است. و مردی عالم و فاضل بوده، غالب کتابهای او فارسی و ترجمهء عربی‌ها و او را آقا هادی مترجم می‌گویند، شرح فارسی بر معالم، و بر شرح شمسیه، و بر شافیهء صرف که متن شرح نظام معروف است نوشته، و حاشیهء عربی بر تفسیر بیضاوی نوشته، و ترجمهء قرآن با شأن نزول و نیک و بد استخاره نوشته، و گویند به جهت نذر توی قبر این را نوشته، چون به جهت ناخوشی صرع یا سکته وقتی اعتقاد فوت او شده دفنش نموده در قبرستانی و سوراخی به بالای قبر برای نفس احتیاطا گذارده. او در قبر به هوش آمده نذر نوشتن ترجمهء قرآن هر گاه بیرون آید، کرده، اتفاقا شتری آنجا می‌چریده، از صدای توی قبر رم کرده، ساربان فهمیده خبر به اهل

(۷۲)

صفحه مفاتیح البحث: الشیخ البهائی (۱)، القبر (۶)، اللبس (۱)

شهر داده، بیرونش آورده اند.

و در همین صندوق، قبر آخوند ملا مهدی هرندی است که از علماء و فضلاء و متتبعین بوده.

(۷۳)

صفحه مفاتیح البحث: القبر (۱)

باب چهارم در قبور علماء دروازه طوقچی در شرح حال صاحب بن عباد و مقامات و مصنفات او

باب چهارم در شرح حال صاحب بن عباد و مقامات و مصنفات او در طرف طوقچی نرسیده به دروازهء طوقچی که از مقبرهء بابا قاسم که حالش مثل سایر باباها که در اصفهان متفرقا مدفونند، واضح نیست، خیلی بالا ـ می‌رود و به دروازهء طوقچی نزدیک می‌شود، مقبرهء صاحب بن عباد است که اسم او اسماعیل است. قبر بلند کاشی وسط گنبد دارد و گویند اینجا دالان خانه اش بوده و او دارای علم و دولت و ریاست. و در بیان حالات و مقامات او بعضی یک رساله نوشته اند (۱). و پدرش عباد طالقانی وزیر رکن الدولهٔ است و اسماعیل را مؤید الدولهٔ، پسر رکن الدولهٔ وزیر خود قرار داده و از طفولیت تا بزرگی مصاحب

۱ - منظورش اولین رساله است:

الارشاد فی احوال الصاحب بن عباد * سید ابو القاسم کوهپایه اصفهانی، به اهتمام سید جلال الدین تهرانی در سال ۱۳۵۴ ق همراه" محاسن اصفهان " چاپ شده است و نسخهء خطی آن در کتابخانهء سپهسالار موجود است. و فهرست کتابخانه سپهسالار، بخش سوم، ص ۱۰۹، ش ۱۵۳. و کتابهای مستقل دیگر هم در شرح حال آن بزرگوار دیده شده که عبارتند از:

الصاحب بن عباد شیخ محمد حسن آل یاسین.

صاحب بن عباد " شرح احوال وآثار " احمد بهمنیار، بکوشش باستانی پاریزی.

هدیة العباد عباس علی ادیب حبیب آبادی.

رساله در شرح حال صاحب بن عباد محمد علی ناصح.

(۷۵)

صفحه مفاتیح البحث: مدینة إصفهان (۲)، القبر (۱)، جلال الدین (۱)

هم بوده اند ملقب به " صاحب " شده، یا آنکه اولا صاحب بن العمید می گفته اند چون نزد ابن العمید وزیر تحصیل علوم ادب و حکمت و نجوم و غیرها نموده و مصاحب او بوده، بعد که وزیر شده به صاحب مطلق ملقب شده. و در دولت و عزت و احسان به فقراء بخصوص شیعیان و اجتماع شعراء در درگاه او و اعطاء به آنها و مرجعیت عامه و خاصه مراتبی از او نقل می‌شود که معلوم نیست احدی از وزراء به این مرتبه باشند ولی عمده فضل او است که در علوم و معارف کامل و چندین شتر کتابخانهء او را می کشیده. و در ترویج فضایل اهل بیت (ع) و احیاء امر آنها تکمیل تام نموده با آنکه در اصفهان بوده و آن زمان سنی خانه جبری مذهب بوده، او شیعه و از عدلیه بوده.

وقتی زنی زنا داده شوهرش به او اعتراض کرده گفته: خدا مرا واداشت.

شوهرش در مقام انکار بر آمده. زن گفته: مگر تو مذهب صاحب بن عباد داری که قائل به اختیار است؟ آن مرد چون سنی وجبری بوده تسلیم شده.

و قصیده‌های خوب در مدح اهل بیت با اظهار برائت از دشمنان ایشان گفته که مجلسی هم در عاشر بحار قدری نقل کرده و سید مرتضی هم در غرر و درر و غیر آنها نقل کرده، و کتابهای خوب نوشته: کتاب المحیط در لغت، هفت جلد یا ده جلد، کتاب اسماء الله وصفاته، کتابی در علم کلام، تصریح به امامت و اولویت امیر المؤمنین (ع) نموده، و کتاب تذکره، و انوار، و تعلیل، و وقف، و ابتداء، و عروض، وجوهرة الجمهرة، و کتاب الوزراء، و کتاب قضاء و غیر اینها از رساله‌ها و کتابهای منسوبهء به او.

و در مجلسی که درس و مطلب می گفته این قدر جمعیت می‌شده که هفت نفر یا دوازده نفر کلمات او را بلند می گفته اند و به یکدیگر می‌رسانیده اند تا آخر مجلس.

و در ری وفات نموده، و نقل به اصفهان شده، و وفات او در سنهء سیصد و

(۷۶)

صفحه مفاتیح البحث: فضائل أهل البیت علیهم السلام (۱)، الإمام أمیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیهما السلام (۱)، مدینة إصفهان (۲)، ابن العمید (۱)، الإختیار، الخیار (۱)

در شرح حال علی بن سهل و مقامات او

هشتاد و پنج (۳۸۵) بوده، و در قبهء بدریه (۱) در محله طوقچی که گویند در دالان خانه خودش که خیلی عالی بوده دفن شده و آن قبر قدری مخروبه شده، مرحوم حاجی کرباسی او را تعمیر نموده و خود حاجی مواظبت به زیارت او داشته و گفته اند به تجربه رسیده که زیارت او باعث رسیدن به خیر است به زودی. و بیان خصوصیات و حالات و مقامات و فضایل او را این رساله گنجایش ندارد والله أعلم به حقایق الامور.

از دروازه طوقچی بیرون روی دست راست قبرستان قدیمی است، وارد که شوی طرف چپ می‌رسد به تکیهء معروفه به امام زاده ابراهیم بن موسی بن جعفر، اگر چه در اصفهان غیر از اینجا در محله شمس آباد به همین اسم امام زاده‌ای هست با دستگاه تر از این، و در قریه نرمی بر خوار دیگری هست خیلی با دستگاه تر از اینها، و اعتقاد غریبی مردم اطراف به او دارند و از قسمش میترسند

و از دور به زيارتش مى‌رونـد و نـذرها مى‌برند و در جاهاى ديگر نيز به اسم ابراهيم بن موسـى بن جعفر هست مثل فاغسـتان و رواق حضرت سيد الشهداء (ارواحنا و ارواح العالمين له الفداء) مقابل رواق زنانه كه ابراهيم مجاب معروف است و غير اينها و شايد بعضى نواده‌هاى حضرت باشند رجاء زيارت و توسل به آنها شود خيلى خوب است.

در شـرح حـال على بن سـهل و مقامات او از اين امام زاده طوقچى قـدرى پائين‌تر مى‌رود قبر على بن سـهل است كه از عرفاء بوده و تكيه اش سابقا خيلى دستگاه داشته و خراب شده. عمارت جديدى دارد، قبرش ميان گنبد است و اگر چه مرحوم آقا محمد على

(۱) مؤلـف اشـتباه كرده، به " دريه " دريه معرب درى است كه سابقـا نـام محله أى بـوده كه اينـك طـوقچى است. (از مرحوم معلم حبيب آبادى).

(۷۷)

صفحه مفاتيـح البحث: مدينهٔ إصـفهان (۱)، إبراهيـم بن موسـى بن جعفر (۱)، إبراهيم بن موسـى (۱)، على بن سـهل (۲)، القبر (۲)، الشهادهٔ (۱)، الدفن (۱)، النوم (۱)

كرمانشاهى (اعلى الله مقامه) در كتاب خيراتيه (۱) كه در رد صوفيه نوشته اند او را سنى صوفى دانسته ولى مرحوم شيخ بهائى (اعلى الله مقامه) در " كشكول (" ۲) خود تمجيد او نموده حكايتى نقل كرده كه شـيخ على بن سهل اصفهانى انفاق بسيار مى كرده، وقتى سؤالى شـد و نداشت از شخصـى وجهى براى فقراء خواست، آن شـخص قدرى فرسـتاده و عذر آورده كه مى‌خواهم خانه‌اى بسازم. شيخ گفت:

وجه خـانه را بـده به فقراء بـدهم و من ضـامن مى‌شوم خانه أى در بهشت به تو بدهنـد، او به جهت اعتمادى كه به شـيخ داشت قبول كرد ووجه را داد و ضـمانت نـامه گرفت و در همـان سال مرد و وصـيت نمود او را در كفنش گذاردنـد، بعـد آن نوشـته در جا نماز شـيخ پيـدا شـد كه پشتش نوشـته بود " تو را از ضـمانت بيرون آورديم " و آن نوشـته در صـندوق كتاب شـيخ بود، مردم استشـفاء مى كردند تا وقتى كه صندوق را دزد برد.

و ظـاهر اين است كه اين مطلب را شـيخ بهـائى از كتب صوفيه نقـل كرده و آنها اين گونه حكايتها خيلى از پيران خود نقل مى كنند كه بعضـى واضح است كه دروغ و جعلى است. و بعضـى احتمال صدق مى‌دهد ولى شيخ بهائى خودش نوشته كه شب خواب ديدم در حرم امـام رضـا (عليه السـلام) بودم و شبيه به بارگاه على بن سـهل بود و خوابم فراموشم شـده وقتى به زيارت على بن سـهل (۳) آمـدم يـادم آمـد آن خواب و اعتقـادم به شـيخ على بن سـهل زيادتر شـد. پس رجاء زيارت و استمداد شود خوب است، ان شاء الله تعالى.

(۱ ") خيراتيه " ج ۲ / ۴۵۰.

(۲ ") كشكول " ج ۱ / ۲۲۷ و ۲۲۸.

(۳) سـيد عبد الحجهٔ بلاغى كتاب مسـتقلى نوشـته به نام " كتاب زندگانى عارف مولانا على بن سهل اصفهانى " كه به چاپ رسيده است.

(۷۸)

صفحه مفاتيح البحث: الإمام على بن موسى الرضا عليهما السلام (۱)، الشيخ البهائى (۳)، على بن سهل (۴)، التصديق (۱)، النوم (۱)

باب پنجم در قبرستان آب بخشان در شرح حال آخوند ملا حسين تفليسى

بـاب پنجم در شـرح حـال آخونـد ملاـ حسـين تفليسـى است در قبرسـتان آب بخشان است و در آنجا قبر مرحوم آخونـد ملا حسـين تفليسـى وسط قبرسـتان است قريب به شارع، عمارت مختصرى دارد. و او از اهل علم و فضل و رياضت و مجاهده، معاصر آقا محمد

بید آبادی است. از بعضی علما نقل شده که گفته به جهت رفع شهوت آب اسفرزه با نان یا بی نان می‌خورده. گویند:
وقتی گماشتهء او غذائی گرفته آورده آخوند خورده صفای قلب خود را مبدل به کدورت دیده، پرسیده معلوم شد با او قمار بازی شده، بعد قی کرده.
و بسیاری از اهل علم و کمال به او اعتماد و اعتقاد داشته و دارند. و عالمی دانا و با تقوی بوده، مرحوم عالم ثقه أی از مرحوم آخوند ملا محمد حسین [بن] ملا ولی الله سابق الذکر که خود ملا ولی الله شاگرد آخوند تفلیسی بوده نقل نموده که مجرب است.
هر کس برود به زیارت قبر آخوند تفلیسی و همان جا نذر کند که هر گاه موفق به زیارت کربلا شود آنجا در حرم حضرت و قریب آن یک ختم مثلا قرآن برای آخوند ملا حسین تفلیسی بخواند به زودی اسباب سفر زیارت او فراهم آید، و خود آخوند ملا محمد حسین تجربه نموده در حق خود.
مرحوم حاجی آقا محمد قزوینی (اعلی الله مقامه) که امام مسجد آقا نور بود و زود اعتقاد هم نبود، نقل کرد که خود برای مطلبی چند هفته مواظبت زیارت قبر

(۷۹)

صفحه مفاتیح البحث: زیارهٔ القبور (۲)، مدینهٔ کربلاء المقدسهٔ (۱)، القمار (اللعب بالقمار) (۱)، القبر (۱)، السجود (۱)

او نموده، حاصل شد. ظاهرا بسیاری از مردم زیارت قبر او را ختمی برای بر آمدن حاجات قرار می‌دهند.
بیرون بقعه طرف چپ قبر حاجی محمد هادی هرندی برادر ملا محمد مهدی که در مقبرهء مجلسی است او را از اجله و مقدسین شمرده اند. اولاد او تاکنون از علماء و ائمه هرند پسرش حاجی ملا عبد الله مؤلف سه کتاب است: دلایل الدین سه جلد، نور القبور، اصول دین، مجمع اسرار القرآن.
قدری فاصله، قبری بلند بسته است. وسط قبرستان قبر میرزا ابراهیم جوهری است که کتاب مصیبت و اشعار سوزناکی دارد وآثار خلوص نیت و اخلاص به حضرت سید الشهداء (ارواحنا و ارواح العالمین له الفداء) از کتاب او ظاهر است و امید است که زیارت قبر او فیوضاتی داشته باشد که خادم الحسین (علیه السلام)، مخدوم الملائکه.

(۸۰)

صفحه مفاتیح البحث: الإمام الحسین بن علی سید الشهداء (علیهما السلام) (۱)، زیارهٔ القبور (۲)، القرآن الکریم (۱)، القبر (۳)، الشهادهٔ (۱)

باب ششم در تعیین قبور علماء در مقبره مرحوم حاجی سید محمد باقر (ره) در مقبرهء مرحوم حجهٔ الاسلام، حاجی سید محمد باقر (اعلی الله مقامه) است که در دالان مسجد سید - که بنای خود آن مرحوم است - واقع است و عمارت با زینت خوش وضعی دارد.
قبر آن مرحوم از مرمر و بلند بسته است، و جلو روی او قبور جمعی از اولاد او است. دم ارسی رو به مسجد که قدری بلند بسته است، قبر میر محمد مهدی پسر بزرگ آن مرحوم که از اهل علم و فضل بوده، و قبر میرزا ابو الفضل نوهء آن مرحوم، پسر میرزا زین العابدین است. و پائین آن که جلو قبر سید است، قبر میرزا زین العابدین، و حاجی سید محمد علی و آقا سید مؤمن اولاد آن مرحوم که قدری قبرها پست تر بسته است و ما بین قبر سید و آن دو قبر می‌شود ولی محل دفن آقا سید مؤمن قدری پائین‌تر از محلی است که سنگ و نشان گذارده اند. طرف پائین پای سید است، قدری پیش رو، و حاجی سید محمد علی و آقا سید مؤمن از اهل علم و فضل بوده اند، و حاجی سید محمد علی صبح مسجد سید را امامت داشته و نقل عبادت و تقوی از او می‌شود، و آقا سید مؤمن بعد از مرحوم حاجی سید اسد الله مرجع ریاست بید آباد و امام مسجد سید و پناه خلق و با علم و فضل بوده و تدریس هم داشت. بعد از مرحوم حاجی سید اسد الله او اعلم از سایر اولاد سید بوده. و اما حاجی سید اسد الله که ولد افقه و

(۸۱)

صفحه مفاتيح البحث: القبر (۸)، الحج (۱)، السجود (۳)، الدفن (۱)

باب ششم در مقبرهء مرحوم حجهٔ الاسلام در شرح حالات و مقامات مرحوم حاجی سید محمد باقر

اتقی واکمل آن مرحوم بوده، بلکه در مراتب تقوی و قدس و عمل از بعضی جهات از پدر گذرانیده که اخلاص بسیاری از مردم هم زیادتر بود به او و پناه بزرگ خلق به اصفهان و غیره بود.

در مسافرت به عتبات در راه وفات نموده سنهء هزار و دویست و نود (۱۲۹۰)، در نجف اشرف از در قبلهء صحن که بیرون روی در ایوانچه طرف چپ دالان مدفون است.

و ایوان طرف راست قبر مرحوم حاجی شیخ مرتضی (اعلی الله مقامه) است و در اطاقهای طرفین از دالان جمعی از علماء و کاملین مدفونند که زیارت آنها خیلی خوب است. مجملا اینها به مناسبت، مرقوم شد. مقصود بیان حال خود مرحوم سید است.

آن بزرگوار اصلش از شفت رشت است و چندی در نجف اشرف خدمت بحر العلوم درس خوانده و در آنجا با حاجی کرباسی رفاقت و مراوده داشتند که بعد از ریاستشان در اصفهان هم به حدی موافق بوده اند که ما بین احدی از علماء رفاقت به این حد معهود نیست. هر مطلبی خدمت حاجی می‌شده می‌فرموده بروید خدمت سید، جائی می‌رفته اند سید با آن دستگاه سوار می‌شده درب خانهء حاجی و حاجی را بر می‌داشته و همراه حاجی می‌رفته. حاجی برای سید رفته در زواره، و به جهت تزویج، عیالی برای ایشان آورده. یک دختر سید را آقا محمد مهدی [فرزند] حاجی [کرباسی] داشته که هنوز میان دو طائفه موافقت و مواصلت برقرار است.

گویند در نجف اشرف حاجی به دیدن سید رفته دیده سید افتاده است.

معلوم شده سید از گرسنگی غش کرده، حاجی رفته برای او غذای مناسبی تحصیل کره به او خورانیده به حال آمده و سید بحر العلوم هم فهمیده شدت فقر سید را، اصرار نموده که وقت غذا را به خوان او حاضر شود قبول نکرده. و

(۸۲)

صفحه مفاتيح البحث: مدينهٔ إصفهان (۲)، القبر (۱)، الزوج، الزواج (۱)

چندی هم در کربلای معلی درس آقا سید علی صاحب شرح کبیر حاضر می‌شده، و آقا سید علی برای سید روزی دو نان مقرر داشته، وخدمت آقا سید محسن کاظمینی هم به جهت درس حاضر شده و از عتبات که بر گشته در قم قریب هشت سال درس میرزای قمی (اعلی الله مقامه) حاضر شده و می گفته در مدت قلیل نزد میرزا بیش از عتبات ترقی حاصل شد بعد به اصفهان آمده.

وقتی هم که اصفهان آمده یک دستمال که سفرهء نان خوری او بوده داشته و یک کتاب مدارک و در اصفهان چندی در مدرسهء چهار باغ مانده مدرس با او موافقت نکرده بیرونش کرده، یا خود رفته، و در اصفهان عیال داشته و به سختی می گذرانیده.

گویند: در ایام بی اسم و رسم [بودن] اسباب سازی را شکسته او را گرفته و صدمه زده اند و گویا همین شدت غیرت او در دین و همت او در نهی از منکر یکی از اسباب ترقی واشتهار او گردیده.

آقا سید محمد کربلائی که از اولاد صاحب شرح کبیر است و یک سفر به جهاد روس به طرف ترکستان رفته وقتی اصفهان بوده اجتهاد سید را از او می‌پرسند. گفته: اجتهاد مرا از سید باید پرسید. و چون آقا سید محمد خیلی عنوان داشته این کلام خیلی اسباب ترقی سید شده. میرزای قمی هم خیلی ترویج و تمجید سید کرده و کم کم در اشتهار و اعتبار شخص اول روزگار و با وجود مخالفت پادشاه و حکام در کمال اقتدار و دولت و وسعت او هم بیشمار گردیده.

ووجه ظاهری دولت او آنکه بعضی از بزرگان وجه قابلی به سید داده، سید در آن تجارت و معامله نموده، خداوند اعانت نموده مداخل کلی برده کم کم املاک زیاد تحصیل نموده تا به حدی که مسجدی چنین بنا نموده و آن همه دستگاه و عیال و اولاد و

کتاب به هم بسته، پادشاه را به تفصیل مهمانی نموده.
و بعضی گویند علم قرطاس داشته که کاغذ را می‌پیچیده و عملی کرده که پول
(۸۳)
صفحه مفاتیح البحث: مدینة إصفهان (۵)

در ذکر مصنفات مرحوم حاجی سید محمد باقر (ره)

می شده! ولی مناسب نیست نسبت این عمل به سید، و احتمال کیمیا هم داده می‌شود چون خانهء آقا محمد بید آبادی را هم داشته. و بسیاری از عوام را اعتقاد آن است که از غیب برایش می‌رسیده و به طریق کرامت نقلها می‌کنند که مثلا می‌دیدند محلی را که پول میداده چیزی در او نیست بعد که می‌آمده از آنجا پول میداده و امثال اینها که محل تأمل است. ولی جلالت قدر سید به حمد الله به حدی است که محتاج به این مطالب موهومه نیست. حالات عبادات و نماز شبها و گریه‌ها و زاری و ناله‌های شب او و رسیدگی به خلق و این همه اعانت به فقراء و سادات و این همه نهی از منکرها و اجراء حدود حتی کشتن جمعی که تا صد و بیست نفر نقل شده که در قبرستان قبله دعا یا جای دیگر مدفونند به حکم شرع مطهر و بعضی را به دست خود.
در ذکر مصنفات مرحوم حاجی سید محمد باقر (ره) و زحماتی که در علوم کشیده چنانچه از کتابهائی که نوشته معلوم می‌شود مثل مطالع الانوار فقه استدلالی که چقدر با تفصیل نوشته و اطلاع او بر علوم معلوم می‌شود، رساله‌ء تحفة الابرار فارسی در نماز شب که خیلی پر فائده و سزاوار است هر کسی داشته باشد و رجوع نماید، و رساله‌ای در شکوک صلوة که تتمهء تحفه می‌شود، و رساله‌های بسیار خوب در رجال که کمال مهارت در این علم داشته، رساله‌ء اسحق بن عمار، رساله‌ء ابان بن عثمان، رساله‌ء ابراهیم بن هاشم، رساله‌ء محمد بن عیسی یقطینی، و کذا عده کافی، وحماد بن عیسی، وعمر بن یزید، وسهل بن زیاد، و محمد بن اسماعیل، وبرقی، وعبد الحمید بن سالم، و والد أو ومحمد بن سنان، ورساله‌ء اتحاد معاویة بن شریح با ابن میسره، وغیر آنها، ورساله‌ء معنی " اجمعت العصابة " واصحاب اجماع، وکتاب زهرة البارقة در چند مسألة، مباحث الفاظ اصول، سؤال و جواب که مسائل بسیار در آن تنقیح کرده،
(۸۴)
صفحه مفاتیح البحث: الأحکام الشرعیة (۱)، عبد الحمید بن سالم (۱)، معاویة بن شریح (۱)، محمد بن إسماعیل (۱)، أبان بن عثمان (۱)، حماد بن عیسی (۱)، سهل بن زیاد (۱)، محمد بن عیسی (۱)، محمد بن سنان (۱)
رساله در عقد بر خواهر مطلقه، رساله در قبول قول زن در بلا مانع بودن، رساله در هبه ولی مدت متعه را، رساله‌ء مناسک حج که خیلی مناسک خوبی است و هنوز هم محل رجوع است، و رساله‌ء اقامهء حدود در زمان غیبت که واجب می‌دانسته بر مجتهدین، و رساله‌ء اوقاف و بطلان وقف بر نفس که خیلی وقفها را بر وارث بر گردانیده، و رساله‌ء زیارت عاشورا، و حاشیه‌ای بر سیوطی که اوایل امر در کاظمین نوشته.
و در سفر مکه غرائبی از او نقل می‌کنند که یکی پس گرفتن فدک باشد. ولی همین قدر معلوم است تصرفات بسیار کرده.
وفات او در سنهء هزار و دویست و شصت (۱۲۶۰) از اشعار دور مقبره که به خط مرحوم حاجی سید اسد الله است ملاحظة شود (۱).
(۱) دانشمند گرانمایه آقای سید مصلح الدین مهدوی کتاب ارزشمندی در باره عالم جلیل صاحب مناقب ومآثر حجة الاسلام شفتی بید آبادی به نام " بیان المفاخر " در دو جلد نوشته که توسط انتشارات کتابخانه مسجد سید اصفهان در سال ۱۳۶۸ ش چاپ شده است.
(۸۵)

صفحه مفاتيح البحث: مدينة الكاظمين (١)، مدينة مكة المكرمة (١)، جلال الدين السيوطي الشافعي (١)، زيارة عاشوراء (١)، الباطل، الإبطال (١)، الحج (٢)، مدينة إصفهان (١)، النوم (١)

باب هفتم در شرح حالات آقا میر سید حسن مدرس (ره)] در مقبرهء مرحوم آقا میر سید حسن مدرس عمارت و گنبدی دارد کنار دالان مسجد آن مرحوم در محله نو که اصل بنیان مسجد را آن مرحوم نهاده و به اسم او معروف است و اتمام آن را رحیم خان کرد. و او پسر آقا میر سید علی بن میر محمد باقر بن آقا میر اسماعیل واعظ اصفهانی است. اوایل امر در اصفهان مدتی تحصیل نموده، بعد در کربلا و نجف درس شریف العلماء در اصول و صاحب جواهر در فقه حاضر شده باز مراجعت به اصفهان نموده، ثانیا درس حاجی کرباسی حاضر شده تا آنکه فضلاء اصفهان مقامات فضل او را یافته در مجلس درس خودش اجتماع نموده و در خوش بیانی و استقامت سلیقه وحسن ترتیب مطالب و زیادتی تحقیقات و مطالب حسنه به مدرس مطلق معروف شده. و کمال حسن خلق و تسلیم و رضا را دارا بوده. و نفس او در ترقی شاگرد مؤثر بوده که جمع کثیری از علماء و فضلاء کاملین و محققین و مروجین از مجلس درس او بر خاسته. چنانچه جماعتی از آنها رؤساء علماء اسلام و مرجع انام شده: یکی آیة الله فی العالمین آقای حاجی میرزا محمد حسن شیرازی که ریاست عامه در رجوع به فتوی و تقلید او در تمام کرهء ارض مستقر گردیده و مروج و مجدد مذهب در رأس این مأهء هزار و سیصد شده و تعمیراتی در سر من رأی. و اجتماع

(٨٧)

صفحه مفاتيح البحث: مدينة كربلاء المقدسة (١)، مدينة إصفهان (٣)، السجود (١)

باب هفتم در مقبرهء مدرس و شرح حالات آقا میر سید حسن مدرس در ذکر مصنفات مرحوم آقا میر سید حسن مدرس

شیعه در آنجا به برکت وجود ایشان حاصل شده و مقامات او بالاتر از احتیاج به بیان است (اعلی الله مقامه). دیگر مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی اصفهانی که از محققین مشهورین متبحرین بوده. دیگر آقا میرزا ابو المعالی پسر کوچک حاجی کرباسی که مذکور شد. دیگر آخوند ملا محمد باقر فشارکی که مذکور شد و غیر ایشان از اکابر علماء و فضلاء (کثر الله أمثالهم و أصلح حالهم).

در ذکر مصنفات مرحوم آقا میر سید حسن مدرس و آن مرحوم کتابهای با تحقیق خوب نوشته: کتاب فقه استدلالی شرح بر نافع که تمام نشده، و کتاب جوامع الکلم در اصول که خیلی کتاب با تحقیق پر مطلب مرغوبی است، و جواب سؤالات متفرقه، و رسالهء لا ضرر، و رسالهء اصالهٔ صحهٔ، و رسالهء عدالت، و رسالهء فارسیه در عبادات، و مناسک حج و غیر اینها.

وفات او در سنهء هزار و دویست و هفتاد و سه (١٢٧٣)، تقریبا دوازده سال بعد از حاجی کرباسی (اعلی الله مقامه) حیات داشته.

(٨٨)

صفحه مفاتيح البحث: الحج (١)، الضرر (١)

باب هشتم در مقبرهء مرحوم حاجی محمد ابراهیم کرباسی در شرح حالات و جلالت شأن حاجی محمد ابراهیم کرباسی

باب هشتم در شرح حالات وجلالت شأن حاج محمد ابراهیم کرباسی (ره) در مقبرهء مرحوم حاجی محمد ابراهیم کرباسی که واقع است در بیرون در مسجد حکیم از دری که طرف مدرسه شاهزاده‌ها و بازار صباغان و میدان شاه می‌رود و عمارت و قبه و بارگاه عالی دارد، قبر آن مرحوم وسط گنبد است و پشت سر او، قبر آقا محمد مهدی، اعظم اولاد او است. و این دو قبر بلند بسته است و جلو روی قبر حاجی طرف بالا سر متصل به دیوار قبر بلند بسته است، قبر حاجی میرزا محمود ولد آقا محمد مهدی است که چندی در نجف اشرف تحصیل نموده به اصفهان آمده مردم اخلاص تامی به او داشتند و در مسجد حکیم جمعیت و ازدحام غریبی به

جماعت او می‌شده ولی در جوانی وفات نمود. و پدر مرحوم حاجی کرباسی حاجی محمد حسن کرباسی بوده که اول امر در محله حوض کرباس هرات که محله کرباس هم می گفته اند متوطن بوده و به این جهت به کرباسی معروف شده و بعد در کاخ که از توابع خراسان است آمده و بعد آمده به اصفهان و حاجی در اصفهان متولد شده و ده ساله بوده که پدرش وفات نموده. آقا محمد بید آبادی (اعلی الله مقامه) وصی و قیم او بوده که اول تکلیف حاجی را به مکهء معظمه روانه کرده! بلی مربی که مثل آقا محمد باشد

(۸۹)

صفحه مفاتیح البحث: مدینهٔ إصفهان (۳)، خراسان (۱)، القبر (۵)

مثل حاجی پیدا می‌شود که به این حد احتیاط در شریعت و دقت در امر دین و مواظبت بر دقایق آداب شریعت وتعبد صرف در احکام از برای کم کسی ممکن است و به حدی بوده که او را مردم صاف و صادق شمرده اند مانند اولاد امجاد ایشان که مضمونها از ایشان نقل می کنند. مثل آنکه حاجی میرزا احمد روضه خوان " أعوذ " را به آواز خواسته بخواند، حاجی فرموده ": حاجی میرزا احمد! اعوذ که مد ندارد، " و این از بابت حمل بر صحت است که حمل بر غنا خواندن ننموده است.

و آن مرحوم در مسجد شعر نمی‌خوانده و شعر را از شعریت می‌انداخته معروف است گفته: ز عشق تا به صبوری - چنان که می گویند العهدهٔ علی الراوی - یا کم یا زیاد هزار فرسنگ است. چون در اخبار کراهت شعر در مسجد و شب و روزه و ماه مبارک رمضان و روز جمعه هر چند شعر حق باشد وارد شده إلی غیر ذلک.

از آن مرحوم این رقم حکایات خیلی کرده اند و آن مرحوم خیلی بی اعتنا به اهل دنیا بوده و زاهد و با قناعت بوده، گویند گندم در خانهء خود آسیاء [ب ظ] می کرده و یخ اصفهان را هم نمی‌خورده و غیر اینها.

و با مرحوم سید خیلی موافق و خود در بسیاری از امور شرعیه که محل می‌شده سیما در اوقاف و مساجد ونحو اینها که جای شبهه و اشکال و احتیاط بوده مداخله نمی کرده و محول به مرحوم سید می‌نموده.

و در مستجاب الدعوه بودن معروف است صدمه و وفات بعضی از دیوانیان و بعضی از آقایان را از نفرین حاجی می‌دانند.

و حکایت آن مردی که حاجی در مقام نهی از منکر او بر آمده، او گفته بوده است غول به خایه ام بگذارد! خبر برای حاجی آورده اند، حاجی گفته خدایا غولی ندارم و نفرین کرده تخم او باد کرده، و وفات نموده، مشهور است.

(۹۰)

صفحه مفاتیح البحث: شهر رمضان المبارک (۱)، مدینهٔ إصفهان (۱)، السجود (۳)

در ذکر مصنفات حاجی کرباسی (اعلی الله مقامه)

و ریاست و تدریس او در اصفهان با عنوان بوده. کرسی می‌نشسته و جمعی از علماء درس او حاضر می‌شده اند مانند: آقا میر سید حسین، و آقا میر سید محمد شهشهانی، و غیر ایشان.

و خود مدتی در نجف اشرف خدمت بحر العلوم، وشیخ جعفر و مدتی در کربلا نزد آقا سید علی صاحب شرح کبیر، بلکه اندکی خدمت آقای بهبهانی و در کاظمین خدمت آقا سید محسن کاظمینی و در عجم هم چندی با میرزای قمی (اعلی الله مقامه) بوده که میرزا اجازه فتوی دادن و رجوع مردم به او داده و با هم خیلی خصوصیت داشته.

در ذکر مصنفات حاجی کرباسی اعلی الله مقامه و کتابهای آن مرحوم معروف است: اشارات در اصول خیلی پر مطلب است اگر چه به جهت بعضی اتفاقات و خصوصیات از مرجعیت قدری افتاده، شوارع در فقه، شرح کفایه سبزواری که خیلی مبسوط و با تحقیق است، منهاج در فقه که بسیار خوب کتابی است پر مسألهٔ، سیما مسائلی که این اوقات محل حاجت شده و می‌شود با اشاره به دلیل

در غير عبادات آن، رساله‌ء صحيح واعم، رساله‌ء مفطريت قليان، رساله‌ء تقليد ميت، كتاب ايقاظات در اصول كه در اوايل نوشته، رساله‌ء ارشاد، و نخبه‌ء فارسى كه هر دو عمليه است و فعلا نخبه به جهت حاشيه كردن مرحوم حاجى [شيخ] مرتضى [انصارى] و حاجى ميرزا محمد حسن شيرازى (اعلى الله مقامهما) و ديگران از زمان شيخ تا كنون مرجع عوام و خواص است، و رساله‌ء مناسك، و غير اينها.

و حاجى امامت مسجد حكيم را داشته كه مسجدى است بزرگ و با معنويت و هميشه عباد وزهاد در او بوده اند و گفته اند اولش از بناهاى صاحب بن عباد بوده و بعد از خرابى حكيم داود هندى تعمير نموده و از اين جهت مسجد حكيم گويند.

(۹۱)

صفحه مفاتيح البحث: مدينة كربلاء المقدسة (۱)، مدينة الكاظمين (۱)، مدينة إصفهان (۱)، السجود (۲)

در بيان قبر آقا محمد مهدى كرباسى و بيان حال او

در بيان قبر آقا محمد مهدى كرباسى و بيان حال او و آقا محمد مهدى كه قبرش پشت سر حاجى است، اعظم اولاد حاجى بوده و بعد از حاجى بلكه در زمان او از رؤساء علماء اصفهان و امامت مسجد حكيم هم عمده با ايشان بوده كه هنوز هم اولاد آن مرحوم دارند و مرجع در فتوى و احكام بوده و صداقتهاى غريبه از او نقل مى‌شود مانند خود حاجى و بعضى ديگر از اولاد او و ظاهر اين است كه اينها از شدت مواظبت آداب شرع و عدم توجه به اهل دنيا و تدبيرات عمليه دنيا است چنانچه در بعضى اخبار هست كه اهل دنيا اهل طاعت را مى‌گويند ديوانه است. و گويا عمده اين بوده كه حاجى نمى‌گذاشته بيرون روند و با مردم متفرقه آميزش كنند وعمده‌اش مشغول خدمت حاجى بوده و زحمت در علوم مى‌كشيده. به هر حال عالمى بوده است با اطلاع و تحقيق و اجازه از مرحوم سيد داشته.

در بيان مصنفات آقا محمد مهدى كرباسى (ره) و در اصول وفقه و غير اينها كتابها نوشته: عيون الاصول، اصول مختصر پر مسألهٔ خوبى است، شرح منهاج حاجى كه فقه استدلالى است و خيلى خوش بيان است، هشت جلد، مصابيح، يك دوره اصول، نه جلد، شرح بر قدرى از لمعه، چهار جلد، رساله‌ء استصحاب، رساله‌ء در اراضى مفتوح العنوه، مشارق الانوار، نور العيون، متن فقه، متنى در طهارهٔ، هدايهٔ الطالبين كه رساله عمليه است و فارسى است.

و آن مرحوم مواظبتها در آداب شريعت داشته. و آن بزرگوار به جهت ناخوشى تب و لرز سه يك دعائى به بادام مى‌نوشته و مى‌داده و مردم هم مى‌گرفته به مريض مى‌داده، مريض خوب مى‌شده و مجرب شده بود. همان

(۹۲)

صفحه مفاتيح البحث: مدينة إصفهان (۱)، القبر (۱)، السجود (۱)، الطهارة (۱)

در بيان مصنفات آقا محمد مهدى كرباسى (ره)

در بيان قبر آقا محمد مهدى كرباسى و بيان حال او و آقا محمد مهدى كه قبرش پشت سر حاجى است، اعظم اولاد حاجى بوده و بعد از حاجى بلكه در زمان او از رؤساء علماء اصفهان و امامت مسجد حكيم هم عمده با ايشان بوده كه هنوز هم اولاد آن مرحوم دارند و مرجع در فتوى و احكام بوده و صداقتهاى غريبه از او نقل مى‌شود مانند خود حاجى و بعضى ديگر از اولاد او و ظاهر اين است كه اينها از شدت مواظبت آداب شرع و عدم توجه به اهل دنيا و تدبيرات عمليه دنيا است چنانچه در بعضى اخبار هست كه اهل دنيا اهل طاعت را مى‌گويند ديوانه است. و گويا عمده اين بوده كه حاجى نمى‌گذاشته بيرون روند و با مردم متفرقه آميزش كنند وعمده‌اش مشغول خدمت حاجى بوده و زحمت در علوم مى‌كشيده. به هر حال عالمى بوده است با اطلاع و تحقيق و اجازه از

مرحوم سید داشته.

در بیان مصنفات آقا محمد مهدی کرباسی (ره) و در اصول وفقه و غیر اینها کتابها نوشته: عیون الاصول، اصول مختصر پر مسألهٔ خوبی است، شرح منهاج حاجی که فقه استدلالی است و خیلی خوش بیان است، هشت جلد، مصابیح، یک دوره اصول، نه جلد، شرح بر قدری از لمعه، چهار جلد، رسالهء استصحاب، رسالهء در اراضی مفتوح العنوه، مشارق الانوار، نور العیون، متن فقه، متنی در طهارهٔ، هدایهٔ الطالبین که رساله عملیه است و فارسی است.

و آن مرحوم مواظبتها در آداب شریعت داشته. و آن بزرگوار به جهت ناخوشی تب و لرز سه یک دعائی به بادام می‌نوشته و می‌داده و مردم هم می گرفته به مریض می‌داده، مریض خوب می‌شده و مجرب شده بود. همان

(۹۲)

صفحه مفاتیح البحث: مدینهٔ إصفهان (۱)، القبر (۱)، السجود (۱)، الطهارهٔ (۱)

در بیان مصنفات حاجی آقا محمد کرباسی

وقت شرط می‌کرده عمامه سر مریض بگذارند که عمامه را آن مرحوم در اصفهان رواج تام داده. و غالبا خدمت آن مرحوم کسی که می‌رفته مسألهٔ از آن کس می‌پرسیده که مردم را مسألهٔ دان کند. و چون حکایات بسیار از آن مرحوم نقل می‌شود که دلالت بر صداقت آن مرحوم دارد هر چند از بعضی جهات دلالت بر حسن حال آن مرحوم دارد لکن از بعضی جهات موهن است به کلی ترک ذکر آنها شد.

و دیگر قبر مرحوم حاجی آقا محمد پسر مرحوم حاجی که طرف بالا سر قبر آقا محمد مهدی کنار دیوار که در ایوان جلوی گنبد است و نشان بلندی ندارد. و آن مرحوم مشغول بود به نوشتن کتابها و مواظبت آداب شرعیه، و از شدت مواظبت بر آداب شرعیه و بعضی وضعها مردم او را صاف و صادق می‌خواندند و گفتار و کردارهای صادقانه اش بسیار بود. در مجلس که نشسته بود هر سیدی را می‌دید تمام قد بر می‌خاست و می‌نشست اگر چه سید دور بود و اصلا ملتفت نمی‌شد که برای او بر خاست، به ملاحظهء حدیثی که از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) روایت شده: کسی که ببیند اولاد مرا و قیام تام به جا نیاورد جفا کرده یا مبتلا به بلاء بی دوا شود که دو حدیث در کتاب " کلمهء طیبه " حاجی میرزا حسین نوری (اعلی الله مقامه) دیده شد به این مضمونها. و هر مجلسی که می‌نشست غالبا فضیلت اعمال خیر را نقل می‌کرد و یک وقت امامت مسجد حکیم را هم داشت. مرجع در مرافعات هم بود. معروف بود که زود قسم می‌دهد.

[در بیان مصنفات حاجی آقا محمد پسر حاجی کرباسی] و کتابهای او بسیار است: کتاب منبع الحیوهٔ که به فرموده حاجی جمع عبارات علماء اصول نموده از متقدمین و متأخرین در هر مسألهٔ، پانزده جلد، شرح تهذیب علامه، مفصل، شرح نتایج آقا سید ابراهیم، مفصل، خود می گفت از صد هزار بیت متجاوز است، کتابی در حدود و دیات، کتاب مفصلی در

(۹۳)

صفحه مفاتیح البحث: مدینهٔ إصفهان (۱)، القبر (۱)، السجود (۱)

عبادات، رساله‌ای در میراث، کتاب طهارت وصلوهٔ، با استدلال، شرح خلاصهٔ الحساب، هدیهٔ الشیعهٔ که رسالهء تقلیدی بزرگ است، کتاب نور حدقهٔ الناظرین در آداب و اخلاق وادعیه ومواعظ، خیلی بزرگ است. گویا همین کتاب است که خود نقل می کرد که در محضر شاه گفتم: شاه به این خوبی چرا باید زنا کند؟ شاه وحشتی کرد کتاب را باز کردم و این حدیث را خواندم که هر که شارب نزند چنان است که با مادر خود در خانهء کعبه زنا کند و به تفصیلی حکایت را نقل می کرد، و رساله‌های چند در رجال، و رساله‌ای در آداب و سنن وصوم وجنائز.

دیگر قبر مرحوم آقا شیخ جعفر پسر دیگر حاجی است. و طرف پشت قبر آقا محمد مهدی جنب دیوار واقع است. ولی قدری طرف بالا سر است نه محاذی قبر آقا محمد مهدی و آن مرحوم نیز از علماء و فضلا و بعضی اوقات امامت مسجد حکیم را داشته و وضع تقوی ودیانت داشته و خیلی متواضع بوده، رساله‌ای در دیات نوشته، و بعضی نوشته‌جات دیگر دارد.

و باز از سلسله و اولاد (۱) واحفاد مرحوم حاجی در این مقبره جمعی مدفونند.

و خیلی مناسب و شایسته است مخصوصا زیارت این مقبره و در خواست حاجات و مهمات از خداوند در آن نمودن به ملاحظهٔ مراتب ترویجات و زحمات که مرحوم حاجی در دین کرده که هنوز هم بسیاری از آثار او در میان مردم باقی است. و در مقام احتیاط در دین گفتار ها و رفتارها او ضرب المثل و در مقام تنبیه والتفات علماء و غیر هم از جمله شواهد مطلب و اسباب آگاهی است غفر الله لهم.

(۱) استاد فقید معلم حبیب آبادی رساله‌ای در شرح حال خاندان حاجی کرباسی در سال ۱۳۷۵ تألیف کرده که نسخه آن نزد استاد بزرگوار سید مصلح الدین مهدوی موجود است.

(۹۴)

صفحه مفاتیح البحث: القبر (۲)، الضرب (۱)، الوراثهٔ، التراث، الإرث (۱)، الجنابهٔ (۱)

خاتمه در قبور خارج از اصفهان در بیان قبر آقا محمد علی نجفی و شرح حالات او

خاتمه [در بیان بعضی از قبور خارج اصفهان از بلوکات و توابع] یکی از آنها قبر مرحوم آقا محمد علی نجفی است که در امام زاده معروف به شاه سید علی - که شاه سید علی اکبر هم می‌گویند - از اصفهان که طرف قمشه به روی دو فرسخ مانده به قمشه، طرف چپ راه قدری فاصله واقع است و گنبدی دارد و صحنی، قبر امام زاده توی گنبد طرف جلو واقع است و از اطراف به زیارت او می‌آیند و خیلی اعتقاد به او دارند. حقیر وقتی به زیارت او رفتم در حرم او حالت خوشی در خود یافتم بهتر از حالت در شاه رضا.

[در بیان قبر آقا محمد علی نجفی و شرح حالات او] و قبر آقا محمد علی پشت سر قبر امام زاده طرف پائین پا واقع است و آقا محمد علی پسر مرحوم آقا [محمد] باقر هزار جریبی است که قبرش در نجف در ایوان علماء است. ومرحوم آقا محمد علی دختر میرزا محمد باقر نواب لاهیجانی را که در اصفهان بوده و قبرش در حضرت عبد العظیم است داشته که مجملی از حال آن مذکور شد.

بالجمله آقا محمد علی، اول امر در عتبات تحصیل نموده و از اساتید او سید جواد عاملی، وبحر العلوم، و میرزای قمی، و حاجی ملا احمد نراقی، و آقا شیخ

(۹۵)

صفحه مفاتیح البحث: مدینهٔ إصفهان (۳)، القبر (۶)

در مصنفات آقا محمد علی نجفی (ره)

جعفر بحرینی (۱) را شمرده اند.

و مدتی در ارومیه و تبریز و آن صفحات بوده و تدریس داشته و رساله در این مسألهٔ که آنجا اتفاق افتاده نوشته که زنی ذمیه و شوهرش ذمی بود به جهت عشق مرد مسلمانی، مسلمان شده و در بین عده، آن مسلمان با او وطی کرده و بعد او را تزویج نموده و علماء آن بلد حکم به بطلان نکاح کرده و آقا محمد علی حکم به صحت، و رساله‌ای نوشته مشتمل بر هفتاد فرع، و بعد مدتی در قم نزد میرزای قمی بوده، و بعد مدتی کاشان نزد نراقی، و بعد در اصفهان، و مشغول به تدریس شده و معروف به فقیه مطلق بوده و در مسجد ذو الفقار امامت داشته و تصنیفات بسیار، سیما در فقه نوشته که پر فائده و پر فرع است و بالاخرهٔ به اصرار و خواهش اهل

قمشه، و جهاتی رفته در قمشه آنجا مشغول به ترویج و از او استجابت دعا و کرامات از قبیل به طلب باران رفتن و باران آمدن و گرفتاری و صدمات که بر دشمنان او وارد آمده و غیر اینها معروف است، و ترویجات مسائل در آنجا بسیار از او شده. و مراتب تقوی ودیانت و زهد و ورع و فضایل در هر حالی از او مسلم و معروف است، اگر چه قمشه ماندن او باعث گمنامی او گردیده چون شأن او اجل از این بود به حسب اوضاع حالیه و آخر الامر به فرار از وباء، از قمشه به شاه سید علی آمده.

وفات نموده در سنه هزار و دویست و چهل و پنج (۱۲۴۵).

در مصنفات آقا محمد علی نجفی (ره) و کتابهای او یکی حاشیه بر شرح لمعه است که بسیار کتاب پر فرع خوبی است، دیگر کتاب فقه استدلالی در صلوة مسافر و نکاح و طلاق و دیات، خیلی مبسوط و مفصل و با فائده است، و حاشیهء قواعد علامه، و حاشیهء قواعد شهید،

(۱) نجفی، بحرینی ظاهرا اشتباه است.

(۹۶)

صفحه مفاتیح البحث: مدینهٔ إصفهان (۱)، الباطل، الإبطال (۱)، الزهد (۱)، الشهادهٔ (۱)، السجود (۱)

و حاشیهء طهارت مدارک، حاشیهء نکاح شرایع، کتابی در اصول، و حاشیهء معالم، حاشیهء قوانین، حاشیه أی بر شوارق، و تجرید، رسالهای در رجال، انیس المشتغلین در مطالب متفرقه از حکایات و بعضی مطالب کلامیه و غیر آنها، و باز کتابی در قصاید و در شرح آنها، و رسالهای در امامت، و رسالهء بزرگی در نماز و متفرقاتی در مسائل، و رسالهای در نکاح در عده ذمیه که ذکر شد.

دیگر در خود شاه رضا که امام زاده با دستگاه هست در قرب قمشه در صحن بزرگ قدیم رو به حرم شاه رضا که به روی طرفی که اطاقهای بلند بسته است در ایوان بزرگی که میان عمارت واقع است و به وضع حوض خانه است در آن حوض خانه از قبور علماء و فضلاء قمشه چند قبر هست، در میان آن قبر مرحوم آخوند ملا محمد باقر قمشه أی است که او عالمی حکیم وکامل و فاضل و با تقوی بوده ودیانت و مواظب عبادات و در نزد خواص از علماء و غیر علماء اصفهان و قمشه مکرم و محترم بلکه ارادت به او داشتند و در انشاء نوشتهجات، ممتاز و در قمشه شخص اول ائمه و علماء آنجا بوده.

در این ایوان قبور علماء قمشه و سلسلهء جلیله هست، مرحوم میرزا نصر الله قمشه أی حکیم که در این زمان اعلم حکماء شمرده میشد صاحب تصنیف با تحقیق و با تقوی و احتیاط در دین.

حجرهء جنب حرم قبر مرحوم میرزا محمد خلیل امام جمعه قمشه از اجلهء سادات بوده.

و دیگر بیرون از صحن کوچک رو به قمشه که میروی طرف راست راه، دم راه قبر مرحوم میرزا محمد علی خلیفه سلطانی است که از مقدسین ممتاز و از اهل علم ودیانت و مجاهدات و حالات. ومرحوم آخوند ملا محمد باقر قمشه أی کمال اعتقاد و اظهار اخلاص حتی بعد از فوت به او مینمود.

و در سایر قریهها و بلوک اصفهان، علما و صلحاء و مقدسین بسیار مدفونند

(۹۷)

صفحه مفاتیح البحث: مدینهٔ إصفهان (۲)، القبر (۶)، الجنابهٔ (۱)

که مقصود ذکر آنها نیست، ولی اداء لبعض الحقوق ختم میکنم به قبر جد امی خود مرحوم آخوند ملاـ محمد تقی جزی که در قریهء جز، اول قبرستان تکیه أی دارد معروف به مقبره در وسط گنبد آن دفن است. و او از مقدسین و پیشوایان بوده و خیلی آثار خیر از او در " جز " باقی مانده. و نزد مرحوم سید و حاجی مقبول القول ومعتمد و به تقوی و قدس در بلد نیز معروف بوده.

و از میان قبرستان " جز " که به روی طرف رباط، قبر مرحوم حاجی ملا مهدی والد حقیر کنار راه طرف چپ است سنگ لوح تمام قدی دارد. در خیر خواهی و اصلاح امور شرعیه و غیرها ممتاز بوده (رحمهٔ الله علیه وعلیهم والحمد لله رب العالمین).

هذه السنة (۱۳۲۴) آقا ميرزا حسن [بن] ميرزا ابراهيم مرحوم، قبر او تكيهء شهشهانى جنب مرحوم حاجى ميرزا بديع. عالمى غيور در نهى از منكر و رفع ظلم، و در اشتغال به تدريس و امور شرعيه و طريقه زهد و تقوى ممتاز، امام مسجد سلام كه براى او بنا شده مساجد ديگر هم احياء نمود (۱).

ديگر آقا شيخ عبد الحسين محلاتى عالم متتبع با فكر صاحب تصنيف و تأليف كتاب مغتنم الدرر در فوائد تفسيرى و اخبارى، و متفرقات نافعه، و رساله‌ها در فقه و اصول. قبر او نزديك فاضلان جنب راه (رحمة الله عليه وبركاته).

پايان

(۱) وفاتش در سال ۱۳۲۳ بوده و ۲۴ غلط است.

(۹۸)

صفحه مفاتيح البحث: القبر (۴)، الزهد (۱)، السجود (۱)، الدفن (۱)، الجنابة (۲)

اشعار و مثنويات مرحوم آخوند گزى

اشعار و مثنويات مرحوم آخوند گزى

صفحه(۹۹)

بسم الله الرحمن الرحيم [مجسمهء علم و عمل و تقوا آيت الله گزى شعر نيز مى‌سروده و " مهدوى " تخلص مى‌كرده است. اشعارى كه در پى مى‌آيد بخشى از سروده‌هاى او به طريق مثنوى است:] اى كه از هستت به پا شد هست و نيست * غير هستت در حقيقت هست نيست با وجود تو است هستيها وجود * ورنه اعدامند يكسر در شهود آه از اين اعدام و اين شور و شرور * آه از اين اعدام و اين كبر و غرور از پس حمد خداوند احد * احمد او را درود افزون ز حد علت و معلول موجود ووجود * ساجد و مسجود و هم عين سجود علت مادى وغائى بى خلاف * صورت و فاعل هم اندر انكشاف گر چه باشد اين بيان رمز و مجاز * مى‌ندارد از حقيقت امتياز زان سپس بر آل اطهارش تمام * از على تا مهدى آن آخر امام آن مظاهر مر صفات پاك را * و آن علل مر خلقت افلاك را نور بخش عالم كون و مكان * روشن از ايشان زمين و آسمان

صفحه(۱۰۱)

(در آنكه انوار موجودات از ائمه (ع) و به حسب مراتبشان ظهور دارد) هستى نورى ذرات وجود * هست از ايشان در كمون يا در شهود گشت ز ايشان بى حجاب اندر ظهور * ليك اندر ما سوى شد در ستور با حجاب واحد اندر انبياء * جلوه گر شد با دو اندر اولياء با سه ستر آمد عيان در مؤمنين * وز دگر مردم به ستر چارمين پنج ستر آمد ز حيوانش عيان * در نبات اندر ششم آمد نهان در جماد آمد چو در هفتم حجاب * در كمون او شد و ننمود تاب چون ترقى گيرد آيد در نبات * افكند يك پرده تابد در جهات همچنان رو برتر و انوار بين * تا در افتد از حجاب هفتمين نور بگرفته جهان را بالتمام * ليك بر ظلماتيان گشته حرام بسته بر خود حجرهء تاريك را * كى شود بر تو عيان نور وضيا برگشا در را برون آ از حجاب * بين جهان روشن زنور آفتاب زين جهان تار و ظلمات قيود * هان برون آ در بيابان شهود تا ببينى نورها در نورها * بس كليم افتاده اندر طورها (در آنكه رسيدن به انوار و اسرار به القاء قيود و خضوع كامل است) در كمونت هست بس اسرارها * طورها و نورها و نارها تا به قيد خويشى و در فكر تن * مى‌نگردد سر مكنونت علن از خود آرائى و از تن پرورى * بگذر و از خويش شو يكسر عرى تا كمالات تو آيد در ظهور * نورها بينى همى بالاى نور

صفحه(۱۰۲)

(تمثيل للتواضع) دانه گندم بودش اندر كمون * بس كمالات وبروزات و شئون گر نهيش اندر مكانى خوب و پاك * داريش

محفوظ از هر آب و خـاک بـا هزاران احترام و احتشـام * گرد از او گیری و بنوازیش تام سالها باشـد همان گنـدم که هست * بلکه گردد سست و خشک و خار و پست لیک چون افتاده شد در خاک و آب * از علا بگذشت و شد یار تراب پایمال و پست و خار و زار شـد * در پی اظهار آن اسـرار شـد در بروز آورد از شق جیوب * ریشه و عقـد که و خار وحبوب همچنین می‌دان تو خود را ای فلان * داری اندر بس کمالات نهان تا نگردی این چنین افتاده پست * بر نیایی آن کمالاتت که هست (اختیار بندگی حق و آزادی از غیر) بنـدهء خلقی و آزادی ز حق * ای عجب گردانـده ای یکسـر ورق بنـدگی کن خـالق قهـار را * یار را جو و بهل اغیار را غیر چون آمـد میان آمـد میان * ورنه جز یک رو نمی‌بینی عیان شاهـد این مـدعا و گفتگو * کل شـئ هالک الا وجهه وجه حق بین وز روهـا رو بتـاب * نیست شـو در هست وزان هسـتی بیـاب زان که سـر هست و هستیهـا از اوست *هـا درون مغز شـو بیرون ز پوسـت (حکایت) داد عثمان کیسهء زر بر غلام * کین ببر بر بوذر آن مرد تمام گر کند بوذر قبول زر ز ما * سازمت آزاد در راه خدا

(۱۰۳)

صفحه مفاتیح البحث: الهلاک (۱)، الإختیار، الخیار (۱)، الزیارة (۱)

برد زر را نزد بوذر آن غلام * کرد بس الحـاح وإبرام تمـام زر نیفتادش قبول بوذری * که ز حب سـیم وزر بودی بری آری آن کو چشم بر حق دارد او * سـنگ را بازد یکی پنـدارد او گفت گر سازی قبول این شادی است * که مرا از این قبول آزادی است گفت آزادی است دانم مر تو را * لیک زانو بنـدگی باشد مرا بنده ای و طالب آزادیئی * وز رسوم بندگی بس دادیئی من که آزادم ز بند این و آن * از چه رو خود را کنم از بنـدگان (۱) رق سـلطان باش نی رق عبید * یاری از حق جوی ای مرد رشید بندگی کن آنکه آزادت کند * و از رضای خویشتن شادت کند بندگی غیر تا چند ای فلان * شرم بادت از خدای راز دان (اشاره به بندگی شیطان و آنکه نجات از او به علم است) (و حکایت عالم و شیطان) العجب ثم العجب زاین بندگیت * کو بود سـرمایهء شرمندگیت یعنی این فرمان بریت ابلیس را * آن رجیم شوم پر تلبیس را این همه خاصیت بی دانشی است * نزد دانا نیست بر ابلیس زیست (حکایت عالم و شیطان) آن یکی دانا به بیدا باز ماند * تشـنگی بر جان وی آتش فشاند بود اندر اضـطراب والتهاب * کامدش ابلیس با یک کوز آب گفت بنما سجدهء بت تا دهم * آب سردت از پی قرب صنم گفت چبود بت نما بر من بیان * تا نمایم سجدهء او را به جان

(۱) نثر آن در " مع علماء النجف الاشرف " ص ۶۴ آمده است.

(۱۰۴)

صفحه مفاتیح البحث: مدینة النجف الأشرف (۱)

پـای جـان چون در میـان از تشـنگی است * هر چه گوئی آن کنم فرما که چیست گفت باشـد صورتی از سـیم وزر * یا جواهر یا ز چوب و یا حجر گفت اینها از کجا آرم به دست * چاره ام کن تشـنگی از حد گذشت گفت از گل ساز او را ای فقیر * الیسیر لیس یسـقط بالعسـیر چون وضو نتوان تیمم جای اوست * جو اگر گنـدم نباشد بس نکوست چون نباشد ظرف چینی وزجاج * از سـفالی بایـدت کأس وسـراج چون نیابی خانه‌های زرنگار * بایـدت در خشت و گل کردن قرار گفت عالم از کجا کو آرم آب * تا عجین سازم ازو اکنون تراب اضطراب من خود از بی آبی است * می‌نبینم آبی از بالا وپست گفت بنشین بول کن روی زمین * خاک را با بول کن آنگه عجین گل کن وبت ساز از بهر سـجود * تا نباشد تشنگی بر تو خلود گفت من بت می‌ندانم ساختن * بول این تو ساز بت ای اهـل فن سـاخت شـیطان یک بتی زان بول و خاک * سـجده کن اکنون نگردی تا هلاک گفت سـجده می‌نـدانم ای فلان * سجده ای کن تا ازو یابم نشان کرد شـیطان سـجدهء بت از ادب * عالمش زد مشت بر پشت از طرب گفت ملعونا تو کردی امتناع * از سـجود بو البشـر از ارتفاع احمقا اکنون چو خوش کردی سـجود * بول فرزنـد ورا یا ذالجحود آری آن کو از معارف یافت نور * می‌زنـد ابلیس را گول وغرور (اشاره به فوائـد علم و معرفت و طریق و شـرائط آن) کوش انـدر علم و عرفان ای پسـر * تا بر آری از ملایـک بـال و پر مکر شـیطان را کنی از خـویش دور * گردد از حـق زان به قلبت قـذف نـور علم خواهی در عمـل کوش و نیـاز *

همچنان کامد عمل از علم باز

(۱۰۵)

صفحه مفاتیح البحث: السجود (۳)، البول (۶)

دور در علم و عمل جایز شده است * و اندر این دورش تسلسل آمده است علم آن باشد که باز آرد عمل * نی غرور ونخوت وکبر ودغل علم از دراعه ودستار نیست * سالکی دست آر کش او زار نیست از بیان آن امام راستین * خوش فرا بنگر که یا بی راه دین گفت بنگر من لدینه صائنا * ولنفسه فی الامور حافظا من یخالف نفسه فیما هواه * امر مولاه یتابع فی هداه للعوام أن یقلدوه فی * دینهم إذ هو بالعهد وفی (۱) عالمی کو کرد حفظ نفس ودین * دین مردم را سزد گردد امین که مخالف گشت با نفس و هوا * پس موافق بایدش خلق خدا برد چون فرمان مولی را به جان * بنده باید گرددش خلق جهان لیک آن عالم که باشد دزد راه * دین مردم را چسان گردد پناه (نکته) ای بسا دانا که نادان زوست به * وی بسا شهری وبدتر زاهل ده گفت پیغمبر ز ده دوری کنید * زانکه در ده جهل می گردد مزید پس هر آن شهری که جهل آرد ده است * ده که علم افزاید از وی بس به است لیک آن علمی که بردارد حجاب * نه حجاب افزاید از کبر وعجاب علم کامد فائده اش کبر وغرور * کی ز وی قرب خدا یابد ظهور علم باید کاورد عجز ونیاز * عزلت وخلوت به حق از بهر راز (بیان عزلت معنوی) نیست عزلت کنج غار وشام تار * عزل دل از ما سوی عزلت شمار

(۱) رک ": وسائل الشیعه " باب ۱۰ از ابواب صفات قاضی، ج ۲۰ / ۹۴.

(۱۰۶)

صفحه مفاتیح البحث: الجهل (۲)، الزیارة (۱)، کتاب وسائل الشیعة للحر العاملی (۱)

ای بسا گوشه نشین معتزل * که دلش با خلق باشد مشتغل وی بسا در جمع و دل مشغول حق * جسم با تو روح با حق ملتحق چشم سر این سو و چشم دل بیار * زین زبان با تو وزان با کردگار (مضار بعضی عزلتها) آن یکی عزلت گزیند تا مگر * وا رهد از معصیتهای نظر زان سپس دل گرددش غرق خیال * فارغ از یاد خدای لا یزال گاه از عجب وغرور افتد به ناز * خویش را بر عرش می‌بیند فراز وحی شیطانش رسد هر دم به گوش * وحی حق پندارد وآرد خروش گاه بیند خویش را باب امام * که امامت را به خود بیند تمام گاه از اینها پای خود برتر نهد * دعوی إنی أنا اللهی کند خلقی از راه هدی بیرون کند * عالمی را سر به سر مجنون کند در میان خلق گر بود ابتدا * یافتی از وی جهانی اهتدا در جهالت داشت خلق و رفت پس * در ضلالت خواندشان از آن سپس بست یک راه وبسی رهها گشود * با زیان شد هم عنان وخواست سود (تمثیل به حکایت) همچو آن زن که بدش یک پیرهن * ساتر و بالا ـ و پای او به تن ناگهان نامحرمی را دید باز * بر کشید آن پیرهن برزخ فراز رخ ز نامحرم نهان کرد و عیان * گشت از وی رازهای بس نهان فاش را بر بست و پنهان را گشود * حسن پنهان کرد و ما یقبح نمود (عزلت مطلوبه)

صفحه(۱۰۷)

عزلت ار خواهی سحر گاهان گزین * خلوتی با دوست در سوز وانین بو العجب وقتی است هنگام سحور * با صفا حالی است خلوت با غفور ای خوشا خلوت گزینان سحر * وی خوشا شب زنده داران از سهر وی خوشا شیرینی راز و نیاز * وی خوشا زان لذت سوز و گداز تلخ کامم بار الها آگهی * کی ز حلوای مناجاتم دهی (اشاره به امتحان خلوص در طلب علم و امتحان در ریا) در حدیث قدسی آمد این خطاب * کش عتاب اندر بود اندر عتاب علم جوئی کش غرض جز ذات ما است * او ز حلوای مناجاتم جداست این نشانی بو العجب رمز آمده است * عالم از وی نزد خود رسوا شده است امتحانی هست بس نغز و عجیب * خویش را زو امتحان کن ای حبیب همچو آن رمز دگر کاندر عمل * آمده اندر طریقت بی خلل از ریا آن کس بود خالی و دور * کز ثنای خلق ناید در سرور کن کلاه خویش قاضی ای کیا * بین چسان هستی گرفتار ریا این تلازم هست گر در این نشان * کم کسی

خالص شود در امتحان از صدای رهرو مور سیاه * روی سنگی نرم اندر شامگاه (۱) این ریا اندر شما مخفی تر است * کی به آسانی توان زو باز رست (بیان مرائین وآثار ریاها)

(۱) پیامبر صلی الله علیه وآله ریاء را شرك اصغر معرفی كرده است رك ": بحار، " ج ۷۲ / ۳۰۳. و امام عسکری (ع) در مورد نفوذ شرك در ضمیر مردم چنان تعبیری دارد و می‌فرماید: نفوذ شرك در ضمیر مردم، پنهان تر از آن است كه مور سیاهی در شب تیره و تاریكی روی گلیم سیاهی راه برود ". بحار " ج ۱۶ " قسمت اول / " ۱۵۸. عن ابی محمد (ع) قال: الاشراك فی الناس اخفی من دبیب النمل علی المسح الاسود فی اللیلة المظلمة.

(۱۰۸)

صفحه مفاتیح البحث: الحدیث القدسی (۱)، الإمام الحسن بن علی العسکری علیهما السلام (۱)

آن یکی گشته امام و مقتدا * خوش ریا برده به محراب خدا که تباکی آرد و سوز و گداز * تا بگویندش چو خوش خواند نماز وه چه با حالت قرائت می‌کند * وه چو خوش دم از محبت می‌زند که نماید احتیاطات شداد * فاش تا گردد بر مردم مراد و آن یکی گردیده بر منبر فراز * با کمال عجز و تسلیم و نیاز آن چنان سازد سخن از حق ادا * کو بود مستغرق خوف خدا تا که بزم خویش را رونق دهد * جلوه خود نزد چند احمق دهد تر کند ز اشك ریا ریش سیاه * گه صدا نازك كند گه آرد آه آه آه از آههای اهل حال * وان همه بی تابی ووهم و خیال شرح حال این گروه بی خبر * این زمان بگذار تا وقت دیگر و آن یکی عامی عجمی چند گاه * کرده با زحمت قرائت روبراه هر کجا خواند نمازی بو العجب * که منم نزد خدا قدسی لقب (اشاره به جمع کردن بعضی بین عجب وریا) جمع ضدینی نموده بی خلل * از ریاء و عجب اندر یک محل در مثل گویند کین عجب وریا * همچو سگ با کله پز ماند بجا کله پز چون رفت سگ جایش نشست * چون ریا بگذشت عجبش داد دست شد مرائی همچو معجب دزد دین * هر یکی بنشسته در سوئی کمین خلقی اول بر اول گردد مرید * زان سپس گردند مردود ومرید

(۱۰۹)

صفحه مفاتیح البحث: الخوف (۱)

(در اینکه مرائی موجب فساد اعتقاد مردم است و دزد دین است) مر ریائی را بود دین سخت سست * وا نما بدلیك بس سخت و درست عاقبت وارون نماید کاروبار * زآنکه از حمق است این تدبیر کار چون هویدا کرد ضعف اعتقاد * شبهه در اصحاب یابد ازدیاد چون ازو گردد عیان ضعف یقین * شبههء مردم قوی گردد بدین دزد دین خلق گردد در دیار * دزد مال از کار او جوید کنار (حکایت ایاز دزد که به جهت آیهٔ الکرسی بسته را پس داده که باعث ضعف اعتقاد صاحبش نشود) آن ایاز دزد با اصحاب عام * برد بار کاروانی را تمام بسته ای را دید اندر بارشان * کش بدی از آیهٔ الکرسی نشان بر نوشته بر وی از بهر سداد * آیهٔ الکرسی ز حسن اعتقاد گفت زود این بسته را وا پس دهید * گر چه بر بگشادنش دل بسته اید زآنکه ما دزدان مال مردمیم * دزدی دین از چه رو بر خود نهیم دزد مالستیم ما نی دزد دین * سگ مثالستم نه ابلیس لعین گر نه محفوظ آید این بسته ز راه * اعتقاد صاحبش گردد تباه ز آیهٔ الله چو اعتقادش گشت سست * کی ز ذوالایه یقین ماند درست اعتقاد خلق چون از مقتدا * نقص یابد نقص یابد از خدا وان دیگر معجب شده صوفی مثال * پای تا سر غرق دریای خیال خود همی پندارد از ذکر خفی * یا ز آه و ناله‌های مختفی در ولایت گشته سلطان الوری * می‌نبیند جز خود اندر ما سوی هیچ نشنیدم ز شاه اولیا * یا شه آن شاه ختم انبیا

صفحه(۱۱۰)

کاورد بر جستن و بر خود زدن * یا ز شعر عاشقی بی خود شدن یا خود این صوفی ز حیدر برتر است * یا که او را راه و رسم دیگر است ذکر قلبی کاورند اینان نهان * گر نه بدعت هست چون ذکر زبان زآنکه باشد صورتی اندر خیال * می کند از لفظ اخطار [ی] به بال گر خود از معنی نگردد روح یاب * در بر عارف بود ستر و حجاب در عبادت شد خیال ار غرق پیر * قلب با وی تابع آید ای

دبیر قلب با حق بودن و این سو خیال * یا محال صرف دان یا کالمحال گر توان بر پیر واقف شد خیال * هم توان واقف شدن بر ذو الجلال (حصر سلطان در امام و رجوع مذاهب مختلفه به واحد) ناطق واحد چو رکن رابع است * قطب وشیخ وباب این سو راجع است مهدی نوعی و سلطان و ولی * هم بدانها ره برد فاش وجلی جز امام مهدی آن پور حسن * شخصی و موجود در سر وعلن نیست قطب و رکن و سلطان و امام * اندر این عالم دیگر تم الکلام پس هر آن کو دیگری را بر عیان * گویدش چون او بود جان جهان واسطه فیض است ومرآت امام * واحد است و مرجع کل انام هست او بیرون ز راه دین حق * ور به عالم در عمل گیرد سبق (در آنکه به مجرد نسبت نباید آثار مترتب کرد و حمل بر صحت مقدم است لیک هر کس کو شود شیخی لقب * یا به صوفی یا به بابی منتسب می‌نه بتوان گفت کز دین شد برون * یا برون از دینی آورده درون تا نگردد فاش سوء اعتقاد * می‌نشاید بست بر وی ارتداد ان بعض الظن اثم را بخوان محمل صحت به هفتادم رسان

(۱۱۱)

صفحه مفاتیح البحث: الظنّ (۱)

در اینکه با حمل بر صحت احتیاط از دست نباید داد و حکایت لیک نزد خود نما زیشان حذر * خاصه کز مؤمن دهد زایشان خبر داد اسماعیل فرزند امام * بر یکی ز اهل زمان خویش وام او از آن پس وام را واپس نداد * نزد صادق کرد اسماعیل یاد گفت با فرزند آن میر انام * خود نه بشنیدی کند شرب مدام وام بر می‌خواره دادی ای پسر * خود فکندی خویش را اندر ضرر گفت می‌گفتند من نادیده ام * اعتمادی نیست بر بشنیده‌ام آن امام دین پی ذکر سند * گفت صدق مؤمنا فیما شهد (۱) (در جمع ما بین آنچه به نظر ضد نماید و آنکه آنها وفق است) هست در شرع و طریقت راهها * کاول آید در نظرها ضد نما لیک باشد عین عدل و راه راست * چشم ضد بین اندر این ره کج نما است کن همی از موضع تهمت حذر * لیک منما متهم آنکوست در پای تا سر باش در خوف خدا * همچنان سر تا به پا رو در رجا نیست جبر و نیست در کار اختیار * نی مرکب زین دو در بین و کنار بین امرین است امری بس وسیع * لیک بنماید بسی نغز وبدیع خالق اشیاء است در اشیاء درون * همچنان کوهست از اشیاء برون در درون بی وصل و بیرون بی فصال * عکس مرآت آر از بهر مثال عکس بیرون و درون آینه است * لیک نی ممزوج و نه از وی باینه است گر چه عکس عکس باشد کاینات * جملگی عکسند در مرآت ذات

(۱) رک ": وسائل الشیعه، "ج ۶ / ۲۳۰، ح ۲۴۲۰۷.

(۱۱۲)

صفحه مفاتیح البحث: التصدیق (۱)، الشهادة (۱)، الإختیار، الخیار (۱)، الخوف (۱)، کتاب وسائل الشیعة للحر العاملی (۱)

این سخن پایان ندارد باز گرد * تا نگردد نظم مطلب دور و سرد این ره سالم که داری بی خلاف * رو که تا سالم شوی از کذب ولاف منکر پیران نیم من در جهان * لیک نبود واحد اندر هر زمان وار یکی هم شد به عالم ز اتفاق * نیست واجب آنکه بشناسیش طاق سالک آن باشد که هر جا ره روی * یابد او با وی نماید پیروی خواه برنا خواه پیر وخواه کهل * خواه اندر کوه و دریا خواه سهل یاوری می‌جو که آگاهت کند * از عیوب خویش در قلب و جسد پیر ارشادی که آمد مشتهر * غالبا در کار او باشد خطر هان مشو مغرور گر بینی به خواب * فضلی از وی یا عتابی یا خطاب هم اگر سازد شگفتی بر عیان * یا عیان سازد تو را رازی نهان (حکایت) آن مخالف را یکی شد رهنما * از ره تحقیق با چون و چرا دید شب در خواب کامد دویمین * گفت کز چه باز گشتستی ز دین روز دیگر گفت با هادیش خواب * کو به من بنمود دوش اینسان عتاب گفت شیطان بوده است این ای فلان * کرد بازش رهرو حق را بیان دویمین شب دید آن دویم ظلام * با عتاب بی حساب اندر منام روز سیم گفت با هادی که چون * با چنین خواب از خلاف آیم برون گفت ابلیس است باز ای هوشمند * امتحانست از خرد بپذیر پند در شب سیم و یا چارم به خواب * دید رخسار جناب بو تراب از ره تحقیق چون حق یاب شد * فیض یاب بو تراب از خواب شد داد اطمینان به قلب آن سلیم * کرد از وی

دور شیطان رجیم عشق از اول سرکش و خونی بود * تا گریزد هر که بیرونی بود

(۱۱۳)

صفحه مفاتیح البحث: الکذب، التکذیب (۱)

(در اینکه عقل اصل ارشاد است و شگفتی خلاف مؤثر نیست) عقل خالی از شکوک و وهم را * بایدت کردن به هر ره رهنما گر ز گوساله طلا آید صدا * می‌نشاید گفت کاو باشد خدا همچنان گر از درخت اهل رس * آید آواز ونباشد هیچ کس (قصه اصحاب رس) جنب نهر رس ده و دو قریه بود * نام آنها را مه فرسی نمود اعظم آنها بـد اسفندار شهر * که نبد مانند أو در کل دهر شه در آنجا بود و چشمه وشه درخت * که پرستیدندی او را قوم سخت حبه ای از آن درخت اندر قری * کشته وزو گشته اشجاری به پا خود ز آب چشمه وا انهار وی * می‌نخوردی که خدایان زو است حی کرده بر انعام هم او را حرام * ور کسی خوردی بکشتندش تمام بود اندر هر چهی در قریه ای * عید گاهی بر درخت از ابلهی جمع گشتند وزدندی سازها * گوسفند و گاو کردندی فدا پس در آنها شعله ور کردند نار * تا که شد بوی ودخانها آشکار سجده کردندی به زاری سر بسر * تا شود راضی از ایشان آن شجر داد شیطان جنبشی بر شاخها * هم زساقش طفل سان کردی صدا کز شما راضی شدم ای بندگان * جمله سر برداشتندی شادمان می‌بخوردند وزدندی ساز ونی * همچنان بودند روز و شب ز پی چون در آمد عید اسفندارشان * مجتمع گشتند از خرد وکلان خیمه دیباج پر نقش وصور * که بدی ابواب أو اثنی عشر نزد آن چشمه وشجر کردی بپا * پس نمود ندی سجود والتجا

(۱۱۴)

صفحه مفاتیح البحث: السجود (۱)، النوم (۱)

بد فدا اضعاف اشجار دیگر * هم صدا وجنبش آمد بیشتر وعده‌ها می‌داد شیطان زان صدا * بس فزون از وعده‌های ما سوی پس ز سجده خواستندی با سرور * تا ده و دو روز بر پا بود سور کفر ایشان چون که از حد در گذشت * سویشان پیغمبری مبعوث گشت مدتی سوی خدا دعوت نمود * وان همه دعوت نمی‌بخشود سود تا که آمد عید اسفندار سر * گفت یا رب خشک فرما این شجر قوم چو دیدند خشکی درخت * بس بر آشفتند وترسیدند سخت فرقه ای گفتند کرده این رسول * در خدایان جملگی سحر وغلول فرقه ای گفتند کین باشد غضب * کین خدایان حسن کرده محتجب از غضب کرده بهای خود نهان * یاری آنها چو ننمودید زان زآنکه او گوید همی در جمله عیب * هم شما را باز خواند سوی غیب متفق گشتند بر قتل رسول * ساختند آنگاه انبوبات طول واسع الافواه از جنس رصاص * تا از آن آب گران باشد مناص بر نهادند آن انابیب عجاب * از ته آن چشمه تا بالای آب آنها را کشیدند وز پی * حفر کرده چاهی اندر قعر وی پس فکندند آن رسول بی گناه * نصرهٔ للآلهه در قعر چاه بر درش انداخته سنگی بزرگ * پس کشیدند آن انابیب سترگ زان سپس گفتند هست اکنون امید * کین خدایان راضی آیند از عبید که بکشتیم این نبی بی نظیر * خاصه دفن او به زیر این کبیر تا به شب بودند اندر آن رجا * می‌شنیدند از نبی آه ونوا کی خدا بینی مرا حال ومکان * رحم کن بیچارگی جانم ستان اندر آن چه مرد چون آن بینوا * سوی جبریل امین آمد ندا بنگر این از حلم ما مغرورها * که شده ایمن ز اخذ ومکر ما

(۱۱۵)

صفحه مفاتیح البحث: القتل (۱)، الدفن (۱)

عاصیی کش از عقابم نیست باک * انتقام از وی کشم سازم هلاک خورد سوگندی به عز کبریا * عبرت عالم نمایم جمله را در همان عید کبیران خسان * سرخ بادی سخت آن سو شد وزان سر به سر سرگشته و حیران شدند * سوی هم چسبنده و ترسان شدند شد زمینشان سر بسر کبریت سنگ * ز آسمان آمد سحابی سرخ رنگ زیر و بالا شد فروزان بی مناص * آب شد ابدانشان همچون رصاص هان مشو مغرور از علم قدیر * زانکه باشد دیر گیر و سخت گیر نیست لازم بر خداوند حکیم * دفع آنکه پی برد عقل سلیم

عقـل را اسـتاد کـار خویش کن * فکر پس را هر زمـان از پیش کن (در آنکه مقـابله عقـل و عشق نقص و کمال است نه تضاد) گر شنیـدستی ز اهل معرفت * عشق را گوینـد مـدح و منقبت خود کمال عقل را خوانند عشق * نی جنون وجهل را دانند عشق ور همی بینی که افتـد در قبـال * این تقابـل هست از نقص و کمـال در بیان عشق نفسانی امام * کرد تبیانی کز او تم الکلام قلب چنـد از یاد حق خـالی نمانـد * حق بر آنهـا حب غیر خود چشانـد (بیان حقیقت ذکر) ز این بیان ادراک کن معنی ذکر * کو بود مسـتلزم اطباق فکر ذکر آن باشد که اندر هر زمان * خویش را در نزد حق بینی عیان حاضـر و ناظر به حال خویشتن * می‌نجنبی جز به او از جان و تن هست این با علم و عرفان هم عنان * زو فتـد هم حب وهم خشـیت به جان لا و الا هست باری بالدوام * با بساطت نفی و اثباتش تمام

صفحه(۱۱۶)

سر به زانو ونفس حبس وبـدل * لا و الا دور دادن چون بکل گر نه زان معنی بگردد روح یاب * در بر عارف بود ستر و حجاب بار الهـا " مهـدوی " را بخش هوش * تـا کنـد این پنبه غفلت ز گوش آه از این غفلت که کفری مختفی است * در زمـان غفلت ایمان منتفی است حسـرت است این نخل غفلت را ثمر * یا رب ار ما بیـخ بر کن این شـجر غافلانیم و زما غافل نیند * آگهان حال ما اندر پیند (در بیان آنکه رضا و غضب خدا و دعای مسـتجاب و ولی خدا در اشیاء پنهان است) هست در خیرات پنهانش سرور * همچنان پنهان سـخطش اندر شـرور در دعاها هم دعای مسـتجاب * چون ولی حق میان شـیخ وشاب پس به عالم عاقلا کوچک مگیر * هیچ خیر وشـر دعا برنا و پیر آن یکی تشنه سگی را داد آب * از رضای ایزدی شد کامیاب وان دیگر سیبی به آن طفل یهود * داد و شد مرضـی خلاق ودود وان یکی در مشـهد شاه رضا * مدتی کردی زیارت وز قضا بازگشـتن حاجتی گشـتش عیان * کز ره بیچارگی شد در فغان در میان ره یکی گفتش به من * یک زیارت بخش وشو آسوده تن گفت با خود کان زیارات عظام * جملگی با غسـل و آداب تمام می‌نشاید داد لیک آمد به یاد * یکی سلام خارجی وان را بداد در میان راه روزی بی مقام * گنبد شه دید و بنمود این سلاـم پس نمودنـدش حقایق آگهان * که همین یک بود مقبول ای فلان شاهـدان غیب را حسـی دیگر * باشـد و بس برتر از حس بصر نور دیگر هست آن ابصار را * هم ببیند دیده هم دیدار را

(۱۱۷)

صفحه مفاتیح البحث: الشهادة (۱)، الغسل (۱)

پیش و پس در پیش او یکسان بود * پیش، پس دیدن خود از نقصان بود آینه عالم نما باشد برش * که به یکسان بیند از پا تا سرش همچنین گوش و زبان و دسـتشان * کنت سمعه تا با آخر باز خوان (۱) (در اینکه عمـده آثار بر نیات است) نیة السوء ارچه لا تکتب بود * در نظرهـا نیز پنهـان می‌شود لیـک در انظـار اربـاب شـهود * در حضور حق بسـی دارد نمود هم از او آثارها گردد عیان * زو مؤیـد در جهنم کافران چونکه بـد نیاتشان کفر مـدام * شد مدام اندر جهنمشان مقام ظلم و اعمال پدرها در جهان * در پسـرها شـد مکافاتش عیان ز آنکه از افعال آباء لئام * گشته راضی ور چه پیش از انتقام بن امیه گشته ملعون سر بسر * که بدندی راضی از فعل پدر زین سـخن کانون دل اخگر گرفت * ز آتش غم پای تا سـر در گرفت ز آن سـتمها بر حسین یاد آمدم * هم به ناله هم به فریاد آمـدم گوهر بحر ولا در کربلا * لعلش از سوز عطش شـد کهربا (اشاره به حال ابی الفضل (ع)) داد سـقایش به راه دوست دست * پشت پـا زد بر جهـان و هر چه هست رفت تـا آب آورد بر تشـنگان * تشـنه لب خود ز آب پیکان داد جان پیش جنگ خویش کرد اخوان خویش * کی برادر ای برادر پیش پیش

(۱) اشاره به حدیث " قرب نوافل " است: قال رسول الله (صلی الله علیه وآله): قال الله عزوجل ...

ما تقرب إلی عبد بشـئ احب الی مما افترضت علیه، وانه لیتقرب الی بالنافلة حتی احبه فإذا احببته کنت سـمعه الذی یسـمع به، وبصره الذی یبصر به، ولسانه الذی ینطق به ویده التی یبطش بها.

(۱۱۸)

صفحه مفاتیح البحث: أبو الفضل العباس بن علی أمیر المؤمنین علیهما السلام (۱)، مدینة کربلاء المقدسة (۱)، الرسول الأکرم محمد بن عبد الله صلی الله علیه وآله (۱)

خواهما تا از غم داغ شما * جرعه‌ها نوشم به تسلیم و رضا کین مصیبت هست بر دل بس گران * برتر از صد تیر و شمشیر و سنان آن که را دادند صبر اندر مصاب * از وفا دادند اجر بی حساب هم و غم و حزن و کربات و مصاب * بر مسئ کفاره بر محسن ثواب یافت ایوب از مصیبات وعنا * افتخار انتساب عبدنا صوم چون صبر است شد اسپر ز نار * و آن جهاد از صبر آمد استوار فاصبروا وصابروا ورابطوا * واستعینوا الصبر را بین توتبوا (حکایت صبر طفل از روی عقل) طفلکی افتاد اندر چاه آب * مادرش آمد به سر با اضطراب گفت بنما صبر تا آرم درون * یک مقنی کاردت از چه برون گفت نارم صبر خواهم کرد چون * چون نتانم خود ز چه آیم برون العجب زین بخردان سال خرد * کز خرد باشند کم از طفل خرد (واقعهء عبد الله بن حر و سید الشهداء (علیه السلام) و بی توفیقی او و توفیق طفل ابن عوسجه) آن شنیدی خامس آل عبا * چون به قصر بن مقاتل شد فرا دید آنجا خیمه ای را استوار * امتحان را کرد سری آشکار گفت این از کیست گفتندش که هست * ز ابن حر جعفی دنیا پرست رهنمائی رهنمای هر سبیل * نزد وی کرد از ره رأفت گسیل دست دادستت چو توفیق خدای * می‌مزن بر این سعادت پشت پای خوش رسیدستی کنون بر تیر حق * خویش را از جان نما نخجیر حق تا که صیدت حور وغلمانها شوند * پای بست قید تو جانها شوند

(۱۱۹)

صفحه مفاتیح البحث: الإمام الحسین بن علی سید الشهداء (علیهما السلام) (۱)، الحزن (۱)، القتل (۱)، الصبر (۷)

گفت از کوفه شدم زین رو برون * تا نباشم اندر این غوغا درون بهر حجت کرد امام مهر چهر * آن خیام از مقدمش رشک سپهر دعوتش را آنچه باید گفت گفت * لیک زان سنگ سیاه دل نسفت تسلیت را بر شه آن بیدرد مرد * اسب خاص خویشتن تقدیم کرد شاه گفتا کی پیاده ز اسب جان * پیل تن پرور به دستور خسان من کنون مات رخ یارم ز یار * نه به اسبم حاجتی و نی سوار لیک چون یارم نه ای بارم مباش * با عدو در کار پیکارم مباش چونکه با ما نیستی اینجا ممان * چون نه ای ناجی هلاکت را مخوان نشنوی تا ناله‌های زاریم * تا نبینی بی کسی و خاریم آنکه بشنید از من آه سوزناک * گر نگردد یاورم گردد هلاک این همه توفیق بر این سالور * آید از یکسر کند قطع نظر لیک ز آن سو طفل ابن عوسجه (۱) * که بدی از مسلم او انموزجه از پس قتل پدر آمد روان * سوی میدان تیغ بسته بر میان شاه گفت ای طفل سوی مام رو * قتل بابت بس تو سوی شام رو طفلی و آغاز ایام حیات * خوش روی پیرانه سر سوی ممات رحم نارند این گروه دل چو قیر * نه به طفل خرد سال و نه به پیر ای پسر رو مادرت را یار باش * در غم قتل پدر غمخوار باش گفت شاها مام من چشمان من * سرمه کرده از پی قربان من مادرم این تیغ بستم بر کمر * مادرم گشته به راهت راهبر بر من و او به چو از قربانیت * جان چه باشد جز به جان افشانیت

(۱) نامش خلف است در مورد او رک ": روضة الشهداء / " ۲۷۹ "، وقایع الایام / " ۴۱۶ "، ناسخ التواریخ " ۲ / ۲۷۷، و " علمای معاصرین / " ۲۶۹.

(۱۲۰)

صفحه مفاتیح البحث: مدینة الکوفة (۱)، القتل (۳)، الموت (۱)، الشهادة (۱)

رفت و شد با اکبر و اصغر رفیق * به بر این توفیق کارد این طریق پیر بی توفیق خذلانی شود * طفل با توفیق ربانی شود بار الها از در توفیق خویش * پیش خوانم هر زمان از پیش بیش خود دو سالم بیش تا پنجاه نیست * پنج ده را در دلم پنج آه نیست خود گرفتم پنجهء دیگر مرا * عمر باشد که نباشد این رجا کی توان کردن تلافی گناه * گرنه باراید به روی بار آه این دل از بیم گنه پر آه کن * خود منیب این مذنب واواه کن آه آه از توشهء کم راه دور * آه از تاریکی و تنگی گور آه از آن برزخ دور و دراز * که بود بر

مؤمن عاصـی گـداز آه از آن شـرمساری عمـل * که نبخشـد سود تـدبیر و دغـل آه از آن حیرانی صـحرای حشـر * آه از آن مسـتی صهبای حشـر آه از سوز و تاب آفتاب * که کنـد بریان دل و جان را کباب بار الها دست گیری کن مرا * رفته کار از دست و افتادم ز پا باز گویم از غضـبهای إله * که بود پنهان در اصناف گناه عابدی مغضوب شد کاندر نماز * مرغی از اطفال نرهانید باز طفلکان از مرغ کنـدی بـال و پر * مرغ هی فریـاد زد أین المفر عابـد انـدر ذکر صـوری بی خیـال * غافـل از معنی ذکر و روح حـال ظـالمی نرهـانی ار از ظلم گر * چیست فرق دزد یـا از دزد خر و آن دگر زن رفت در نـار سـعیر * که نموده گربه ای حبس و حصـیر (۱) نه طعامش داد و نی کردی رها * تا کند در ارض آزادی چرا تا که اندر حبس مرد آن بسته لب * شد قرین آن زن به زوجهء بو لهب

(۱ ") مسند احمد " ج ۲ / ۵۰۷.

(۱۲۱)

صفحه مفاتیح البحث: البول (۱)، کتاب مسند أحمد بن حنبل (۱)

(اشاره به خفای دعای مستجاب) چون دعای مستجابت در خفا است * فرد و جمع و روز و شب جای دعا است هان مشو غافل به هر حـال از دعـا * می‌مگو اینجا کجا باشـد رجا گر چه هست از جمع اسباب قبول * بس اثرها نزد ارباب وصول (اشاره به تأثیر اجتماع مظاهر رحمت وحـدیث کساء) ز اجتماع مظهر رحمت رسـد * هر کسـی را در خور نسـبت رسد از زمانها وز مکانها وز نفوس * وز دعاها و مناجات وفسوس ز اجتماع آن خلیل و آن ذبیح * هر کلیمی بر حجر آمد مسیح اجتماع خمسه آل عبا * نقل او سازد حوایج را روا ز آنکه از آغـاز خلقت تـا ختـام * اجتمـاعی این چنین نامـد تمـام (حـدیث کساء) هست مروی (۱) از جنـاب فـاطمه * که به صـدیقات باشـد خـاتمه آنکه روزی مصـدر قـوس نزول * خـاتم قوس صـعود أعنی الرسول گشت نـازل بر سـرایم از صـفا * همچو خورشیدی به ایوان سها باب والایم به بابم پا نهاد * پا به فرق زهرهء زهرا نهاد

(۱) متن کامل این حدیث از " عوالم العلوم " خطی با سند صحیح نقل شده ومرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی نیز در " احقاق الحق " ذکر کرده است.

صفحه(۱۲۲)

گفت ضـعفی بینم ای جان در بدن * خواندمی بر وی اعوذ از ضـعف تن ز آن سپس فرمود کای بیدخت دخت * ای مه و خورشید از حجـاب رخت آن کسائی کز یمن بر من فکن * کو رسانـد بوی رحمانی به من تا نمایم استراحت ساعتی * ساعتی از این کسالت راحتی برفکندم آن کسا را بر رخش * مه خجل دیدم ز روی فرخش ساعتی نگذشت کامد از درم * آنکه باشد بهتر از جان در برم گوشوار عرش سـبحانی حسن * سبز پوش کسوت آن انجمن از پس ترتیب تکریم و سـلام * گفت آیـد بوی جانـان بر مشام هسـت بوی واحـد فرد احـد * گوئیـا کو هست بوی موی جـد گر چه آن بوی نکو بر بام و در * هست بر هر خوب و هر بـد جلوه گر لیک آن بوئی که دریابد امام * نیست حد درک هر صاحب مشام گفتم آری این کسا گشـته سحاب * ای مهین ماه من از آن آفتاب شد حسن سوی کسا شاد از روان * کرد تسـلیمی که بایست آنچنان گفت باشـد رخصتی بر این صـغیر * تا در آیـد زیر این کسوت چو پیر احمـدش گفت آری این کسوت تو را است * هـان درا کاینجـا تو را بگزیـده جـا است رفت و با آن شه به زیر کسوه خفت * تا نبوت با امامت گشت جفت ساعتی دیگر نشد کامد ز در * سـرخ پوش بزم قرب دادگر آن گل و ریحانهء خاص رسول * نور چشم مرتضی جان بتول گفت آید بوی دلجوئی مرا * که نه تنها جان فزا ایمان فزا گوئیا کان بوی جد امجد است * بوی بو القاسم محمد احمـد است گفتم آری مصـطفی و مجتبی * زینت افزایند زیر این عبا شد حسـین آن سو روان با صد شـتاب * بزم آرا از سـلام و از جواب گفت کای پامال تو عرش وسماک * رخصتی باشد بر افتاده به خاک

(۱۲۳)

صفحه مفاتیح البحث: الخوف (۱)

گفت تو از من من از تو نور عین * که حسین از من بود من از حسین بی تو باشد بر من ای جان جای تنگ * هان درآ اندر کسایم بیدرنگ رفت و با جد و برادر یار شد * واندر آن سر مظهر اسرار شد ساعتی دیگر نشد کاز در رسید * آنکه شد بر قفل هر مشکل کلید افتخار هر نبی و هر ولی * شهسوار لا فتی یعنی علی با تحیت گشت دمساز وزپس * گفت آید بوی آن مشکین نفس خوش معطر کرده شامه جان من * خوش منور صفه وایوان من گفتم آری باب و دو فرزند من * کرده در زیر کسایم انجمن مرتضی آمد به سوی مصطفی * با تحیت ساعی کوی صفا پس بگفت ای خواجهء هر پست وراد * رخصتی بر این غلام خانه زاد احمدش گفت ای علی مرتضی * ای پس از سوء القضا حسن القضا کسوت حق را توئی میر کسا * ای ردای کبریائیت ردا جان زجان رخصت چو خواهد جان من * خود توئی هم جان و هم جانان من هان درا که جان جدا مانده ز تن * تن همی خواهد به درد پیرهن هان درا که پیر هر کسوت توئی * وین کسا را جلوه وزینت توئی رفت در زیر کسا پیر کسا * شد کسا گر نارسا بودی رسا دید زهرا بو العجب جمعی گرفت * در وثاقش بو العجب شمعی گرفت مانده باقی در تمام ما سوا * در خور این مجمع آن خیر النساء مرغ جان خواهد همی پرد ز تن * در پی آن آشیان وانجمن رفت و بعد از حق تکریم و سلام * گفت با صد گونه عز و احترام کی خور و ما هان به ما هم جا دهید * منزلی بر زهرهء زهرا دهید این سپهر ار هست جای ماه و مهر * زهره ای هم هست در بزم سپهر احمدش گفت ای تو مایهء جمع ما * در همه محفل چراغ و شمع ما

صفحه(۱۲۴)

بی تو نبود نور در زیر کساء * گر تو شد آخر منور ماسوا خانه از تو کسوه از تو جا زتو * در همه جا تو ز ما و ما زتو هان درا تا از تو گردد جمع طاق * تا یحب الؤتر را گردد طباق پنج تن گشتند چون یک جا قرین * این ندا آمد ز رب العالمین کی ملایک وی سمواتی مکان * شد مقام کشف اسرار نهان این بنای آسمان بسط زمین * بهر اینان است دانید از یقین آفتابی کز ضیا دارد نشان * دره ای از پرتو انوارشان این قمر که گاه بدر وگه هلال * جاری از ایشان بود در ماه و سال گردش این چرخ بی نام و نشان * گردشی از گردش چشمانشان من نکردم خلق اینها سر به سر * جز به حب خمسهء نیکو سیر یافتند از اسم اعظم چون نشان * خواستند از حق ز اسم و نامشان یا رب اینها کیستند اینسان جمیل * که مثال ذات پاکت بی مثیل پاسخ آمد این ندا از کبریا * که شود جانها فدای این ندا فاطمه است وباب و شوی فاطمه * و آن دو فرزند نکوی فاطمه دید جبریل امین کاندر زمین * منبسط آمد حجاب هفتمین نور غیبی که بدی هفتش حجاب * شش جهت تأبیده از پنج آفتاب گر در این کسوت در آید سر نهد * صد ره او از سدره بالاتر جهد خواست رخصت از مقام کبریا * تا شود سادس به اصحاب کسا یافت رخصت لیک نامد بی نشان * با نشان آمد ز نزد بی نشان آیت تطهیر را نازل نمود * پس به پاکی ذات پاکان را ستود بعد رخصت سود رخ بر پایشان * یافت فیض همت والایشان پس بگفتا با پیمبر بو الحسن * چیست فضل این کسا وانجمن گفت هر جا گفت آید این مقام * جملگی کردند مقضی المرام

(۱۲۵)

صفحه مفاتیح البحث: النوم (۱)، الهلال (۱)

دردمندان را دواها زو بود * بی نوایان را نواها زو بود بار الها با چنین جاه و جلال * هر یکی را بود صد رنج و ملال از نبی پیشانی و دندان شکست * آخر از زهر جفا بنیان شکست پهلوی خیر النسا بشکسته شد * بازویش از تازیانه خسته شد تیغ کین بشکافت فرق بو تراب * وه چو تیغی که به زهرش داده آب مجتبی را زهر اندر کام رفت * زان جگر صد پاره و ناکام رفت شد حسین اندر زمین کربلا * پای تا سر غرقهء کرب وبلا نوجوانانش فتاده بر زمین * غل به گردن ماند زین العابدین دل شدم روشن چو چشمم شد پر آب * دارم امید دعای مستجاب بار الها شو به سویت رهنمون * جمله را از چاه جهل آور برون دل منور سازمان ز انوار غیب * صیقلی از زنگ ظلمتهای ریب هم به دنیا هم به عقبی یار شو * بر گنه ستار شو غفار شو از خزینه لطف خود فرما برات * بهر دو

نان ده ز دو نانمان نجات (خفاء ولی در میان مردم (۱)) شد ولی حق چو پنهان در عباد * پس به پستی منگر اندر پست وراد ای بسا کاندر نظر کافر نما است * لیلک زو ایمان ایمانها به جا است زاهدی کو شد حقیقی عارفست * عارف از زهد صفا کی صارفست ای بسا زاهد که سالوسی فن است * وی بسا عارف که خود اهریمن است گر شنیدی عارفان حق شناس * می‌کنند از زهد ذم بی قیاس زرق وسالوس وریا خوانند زهد * نی که ترک ما سوی دانند زهد

(۱) رک ": اعیان الشیعه، " ج ۱، ص ۶۵۸ به نقل از کتاب نثر الدرر.

(۱۲۶)

صفحه مفاتیح البحث: مدینهٔ کربلاء المقدسهٔ (۱)، الزهد (۴)، الجهل (۱)، کتاب أعیان الشیعهٔ للأمین (۱)

ترک دنیا از پی حب خدا * هست دارای تمام ترکها ترک دنیا ترک عقبی ترک ترک * در کلاه فقر یک شدنی سه ترک زهد دنیا اصل شد ور هست سهل * سختی او هست نزد اهل جهل گفت با فضل ین عیاض آن رشید * زهدت از دنیا بسی بینم شدید گفت هارونا تو از من ازهدی * ای شده دنیائیانت مقتدی زهد من باشد از این دنیای پست * زهد تو از آخرت کو دائمست (۱) (إلی هنا وجد المثنوی وله رباعیتان بهما ختمنا:) با عین علی میم محمد شده ضم * آمد نبأ عظیم در عم علم جز حلقهء عین و میم بر صفحهء لوح * نقشی به گه نگار نامد ز قلم * * امروز درخت صنع آورد ورق * امروز رسید شام را صبح و شفق آمد به وجود مهدی آل رسول * یعنی زهق الباطل وقد جاء الحق تمت * * *

(۱) منثور داستان فوق در منابع بسیاری آمده است از جمله رک ": مع علماء النجف الاشرف " از مرحوم محمد جواد مغنیه.

(۱۲۷)

صفحه مفاتیح البحث: الباطل، الإبطال (۱)، الزهد (۱)، الشیخ محمد جواد مغنیهٔ (۱)، مدینهٔ النجف الأشرف (۱)

تعریف مرکز القائمیهٔ باصفهان للتحریات الکمبیوتریهٔ

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (التوبهٔ/۴۱).

قالَ الإمامُ علیّ بْنُ موسَی الرِّضا – علَیهِ السَّلامُ: رَحِمَ اللّهُ عَبْداً أحْیَا أمْرَنَا... َ یَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَ یُعَلِّمُهَا النَّاسَ؛ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ کَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا... (بَنادِرُ البِحار – فی تلخیص بحار الأنوار، للعلاّمهٔ فیض الاسلام، ص ۱۵۹؛ عُیونُ أخبارِ الرِّضا(ع)، الشَّیخ الصَّدوق، الباب۲۸، ج۱/ ص۳۰۷).

مؤسّس مُجتمَع " القائمیّهٔ " الثّقافیّ بأصبَهانَ – إیرانَ: الشهید آیهٔ الله " الشمس آباذی " – رَحِمَهُ اللهُ – کان أحداً من جَهابذهٔ هذه المدینهٔ، الذی قدِ اشتهَرَ بشَغفِهِ بأهل بَیت النبیّ (صلواتُ اللهِ علَیهِم) و لاسیَّما بحضرهٔ الإمام علیّ بن موسَی الرِّضا (علیه السّلام) و بساحهٔ صاحِب الزّمان (عَجَّلَ اللهُ تعالی فرجَهُ الشَّریفَ)؛ و لهذا أسّس مع نظره و درایته، فی سَنَهِ ۱۳۴۰ الهجریّهٔ الشمسیّهٔ (=۱۳۸۰ الهجریّهٔ القمریّهٔ)، مؤسَّسهً و طریقهً لَم یَنطَفِئ مِصباحُها، بل تُتَّبَع بأقوَی و أحسَنِ مَوقِفٍ کلَّ یوم.

مرکز " القائمیّهٔ " للتحرِّی الحاسوبیّ – بأصبَهانَ، إیرانَ – قد ابتدَأَ أنشِطتَهُ من سَنَهِ ۱۳۸۵ الهجریّهٔ الشمسیّهٔ (=۱۴۲۷ الهجریّهٔ القمریّهٔ) تحتَ عنایهٔ سماحهٔ آیهٔ الله الحاجّ السیّد حسن الإمامیّ – دامَ عِزّهُ – و مع مساعَدَهِ جمعٍ من خِرّیجی الحوزات العلمیّهٔ و طلاب الجوامع، باللیل و النهار، فی مجالاتٍ شتّی: دینیّهٔ، ثقافیّهٔ و علمیّهٔ...

الأهداف: الدّفاع عن ساحهٔ الشیعهٔ و تبسیط ثَقافهٔ الثّقَلَین (کتاب الله و اهل البیت علیهِمُ السَّلامُ) و معارفهما، تعزیز دوافع الشّباب و عموم الناس إلی التّحَرِّی الأدَقّ للمسائل الدّینیّهٔ، تخلیف المطالب النّافعهٔ – مکانَ البَلاتیثِ المبتذلهٔ أو الرّدیئهٔ – فی المحامیل (=الهواتف المنقولهٔ) و الحواسیب (=الأجهزهٔ الکمبیوتریّهٔ)، تمهید أرضیّهٍ واسعهٍ جامعهٍ ثَقافیّهٍ علی أساس معارف القرآن و أهل البیت –علیهم السّلام – بباعث نشر المعارف، خدمات للمحققین و الطّلاّب، توسعهٔ ثقافهٔ القراءهٔ و إغناء أوقات فراغهٔ هُواهِٔ برامِج العلوم

الإسلامیّة، إنالة المنابع اللازمة لتسهیل رفع الإبهام و الشّبُهات المنتشرة فی الجامعة، و...

– مِنها العَدالة الاجتماعیّة: التی یُمکِن نشرها و بثّها بالأجهزة الحدیثة متصاعدةً، علی أنّه یُمکِن تسریعُ إبراز المَرافِق و التسهیلاتِ – فی آکناف البلد – و نشرِ الثّقافةِ الاسلامیّة و الإیرانیّة – فی أنحاء العالَم – مِن جهةٍ اُخرَی.

– من الأنشطة الواسعة للمرکز:

الف) طبع و نشر عشراتِ عنوانِ کتبٍ، کتیبة، نشرة شهریّة، مع إقامة مسابقات القِراءة

ب) إنتاجُ مئات أجهزةٍ تحقیقیّة و مکتبیة، قابلة للتشغیل فی الحاسوب و المحمول

ج) إنتاج المَعارض ثـّلاثیّةِ الأبعاد، المنظر الشامل (= بانوراما)، الرّسوم المتحرّکة و... الأماکن الدینیّة، السیاحیّة و...

د) إبداع الموقع الانترنتی" القائمیّة "www.Ghaemiyeh.com و عدّة مَواقِعَ اُخـَرَ

ه) إنتاج المُنتـَجات العرضیّة، الخـَطابات و... للعرض فی القنوات القمریّة

و) الإطلاق و الدَّعم العلمیّ لنظام إجابة الأسئلة الشرعیّة، الاخلاقیّة و الاعتقادیّة (الهاتف: ۰۰۹۸۳۱۱۲۳۵۰۵۲۴)

ز) ترسیم النظام التلقائیّ و الیدویّ للبلوتوث، ویب کشک، و الرّسائل القصیرة SMS

ح) التعاون الفخریّ مع عشراتِ مراکزَ طبیعیّة و اعتباریّة، منها بیوت الآیات العِظام، الحوزات العلمیّة، الجوامع، الأماکن الدینیّة کمسجد جَمکرانَ و...

ط) إقامة المؤتمَرات، و تنفیذ مشروع" ما قبلَ المدرسة "الخاصّ بالأطفال و الأحداث المُشارِکین فی الجلسة

ی) إقامة دورات تعلیمیّة عمومیّة و دورات تربیة المربّی (حضوراً و افتراضاً) طیلة السَّنَة

المکتب الرّئیسیّ: إیران/أصبهان/ شارع"مسجد سیّد/ "ما بینَ شارع"پنج رَمَضان "ومُفترَق"وفائی/"بنایة"القائمیّة"

تاریخ التأسیس: ۱۳۸۵ الهجریّة الشمسیّة (=۱۴۲۷ الهجریة القمریّة)

رقم التسجیل: ۲۳۷۳

الهویّة الوطنیّة: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

الموقع: www.ghaemiyeh.com

البرید الالکترونی: Info@ghaemiyeh.com

المَتجَر الانترنتی: www.eslamshop.com

الهاتف: ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۰۹۸۳۱۱)

الفاکس: ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱)

مکتب طهرانَ ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱)

التّجاریّة و المَبیعات ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور المستخدمین ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

ملاحَظة هامّة:

المیزانیّة الحالیّة لهذا المرکز، شـَعبیّة، تبرّعیّة، غیر حکومیّة، و غیر ربحیّة، اقتـُنِیَت باهتمام جمع من الخیّرین؛ لکنـّها لا تُوافِی الحجمَ المتزاید و المتّسِعَ للامور الدّینیّة و العلمیّة الحالیّة و مشاریع التوسعة الثّقافیّة؛ لهذا فقد ترجَّی هذا المرکزُ صاحِبَ هذا البیتِ (المُسمَّی بالقائمیّة) و مع ذلک، یرجو مِن جانب سماحة بقیّة الله الأعظم (عَجَّلَ اللهُ تعالی فرَجَهُ الشَّریفَ) أن یُوفـِّقَ الکلَّ توفیقاً متزائداً لِإعانتهم – فی حدّ التّمکّن لکلّ احدٍ منهم – إیّانا فی هذا الأمر العظیم؛ إن شاءَ اللهُ تعالی؛ و اللهُ ولیّ التوفیق.


مرکز
القائمیه
اصبهان
للبحوث والتحریات الکمبیوتریة
WWW
للحصول علی المکتبات الخاصه الاخری
ارجعوا الی عنوان المرکز من فضلکم
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
و للایصاء من فضلکم
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹